

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**چكیده مقالات همایش بین المللی
عدالت و اخلاق**



عدالت و اخلاق



چکیده مقالات همایش بین المللی عدالت و اخلاق

دبیر همایش: دکتر غلامرضا رئیسیان

دبیر علمی همایش: دکتر جعفر مروارید

دبیر اجرایی همایش: دکتر عباس جوارشکیان

صفحه آرا: حسین ذکاوتی زاده

نشانی: مشهد- دانشگاه فردوسی مشهد- دانشکده الهیات و معارف اسلامی

وبگاه: <http://theology.um.ac.ir>

مسئولیت دیدگاهها و مطالب مندرج در چکیده ها بر عهده نویسندگان آنهاست

اعضاء کمیته علمی همایش به ترتیب حروف الفبا

۱. محمدرضا آهنچیان، استاد دانشگاه فردوسی مشهد
۲. محمدرضا ارشادی نیا، استادیار دانشگاه حکیم سبزواری
۳. سید محمدعلی تقوی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۴. عباس جوارشکیان، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۵. محمدحسن حائری، استاد دانشگاه فردوسی مشهد
۶. سید مرتضی حسینی شاهرودی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد
۷. داوود حیدری، استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۸. جواد رقوی، معاون پژوهشی جامعه المصطفی العالمیه مشهد
۹. غلامرضا رئیسیان، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۰. عبدالعزیز ساشادینا، استاد دانشگاه جرج میسون
۱۱. محمد شجاعیان، استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۲. غلامحسین عصار زاده، رئیس مرکز پژوهشی جامعه المصطفی العالمیه مشهد
۱۳. محمدکاظم علمی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۴. محمدتقی فنخلعی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد
۱۵. مصطفی فقیه اسفندیاری، استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی و نماینده بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع)
۱۶. جعفر مروارید، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۷. جهانگیر مسعودی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۸. منصور معتمدی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۹. حسن نقی زاده، استاد دانشگاه فردوسی مشهد
۲۰. مجتبی نوروزی، استادیار دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد
۲۱. سید علیرضا واسعی، دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۲۲. محمدرضا هاشمی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۲۳. علی یوسفی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

فهرست

- مقدمه..... ۱۱
- عدالت اخلاق محور در حقوق اسلامی..... ۱۵
علیرضا آبین - خدیجه شیروانی
- اصول و روش های اخلاقی مناظره های حضرت امام رضا (ع) با پیروان ادیان و مذاهب..... ۱۶
مجتبی اخوان ارمکی - ملیکا هاشمی
- موانع همگرایی فقه و حقوق اسلامی با گفتمان جهانی عدالت با تکیه بر حوزه زنان..... ۱۷
زهره اخوان صراف - ملیحه رضائی
- اخلاق در ترازوی عدالت..... ۱۸
محمدرضا ارشادی نیا
- نقش وحی و عقل در گسترش اخلاق اسلامی عدالت..... ۱۹
محمود اصغری
- جامعه بدون فقر در پرتو حکومت علوی؛ عدالت اقتصادی در اندیشه حقوق عمومی شیعه..... ۲۰
سجاد افشار
- تأثیر اخلاق فضیلت مدار بر عدالت بین نسلی..... ۲۱
ناصر الهی - حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی - سید روح الله حسینی
- عدالت؛ ناکارا در استنباط فقه فردی، معیار برای فقه حکومتی..... ۲۲
علی الهی خراسانی
- عدل الهی از دیدگاه شیعه دوازده امامی و اسماعیلیه..... ۲۳
سیده سوزان انجم روز - ناصر گذشته
- تجلی عدالت و اخلاق در حدیث شریف سلسله الذهب..... ۲۴
اعظم ایرجی نیا
- خاستگاه های فقهی قاعده عدالت..... ۲۵
علیرضا پور اسماعیلی
- مقایسه عدالت رضوی با عدالت رازی..... ۲۶
حسین توکلی
- اعتدال در باور از منظر اهل بیت و نسبت آن با اخلاق باور..... ۲۷
محمد جاودان
- عدالت اخلاقی در ارسطو و ابن مسکویه..... ۲۸
محسن جوادی



- ۲۹..... مبانی عقلانیت عدالت تمدنی اسلام..... عباس جوارشکیان
- بررسی رابطه فلسفه اخلاق در رسیدن به جامعه عادلانه در عصر حاضر مطالعه موردی:
جماعت گرایان و اسلام..... نیلوفر چینی چیان
- ۳۰..... استقرار عدالت در پرتو نظریه امامت شیعی (نظریه نصب الهی امام) با تأکید بر
اندیشه رضوی..... سید عبدالکریم حسن پور
- ۳۱..... اخلاق تعامل با مخالفان؛ مطالعه موردی: حوزه های مقابله امام رضا(ع) با غلات
شیعه..... بی بی حکیمه حسینی - فاطمه صادقی
- ۳۲..... اخلاق گفت و گو و همزیستی عادلانه در قرآن و تعالیم امام رضا (ع)..... بی بی حکیمه حسینی - زهرا علیخانی
- ۳۳..... حق و عدالت..... علی حقی
- ۳۴..... تعامل عدالت و احسان و تأثیر آن در پایداری جامعه انسانی با تأکید بر مکتب اهل بیت
(ع)..... دکتر حبیب الله حلیمی جلودار - عاطفه اندرزا
- ۳۵..... پژوهشی پیرامون تأثیر تراحم اخلاقی بر تحقق گفتمان عدالت..... زهرا حیدری آبروان - محمدجواد توکلی
- ۳۶..... دستیابی به عدالت توزیعی مبتنی بر نظام اخلاقی اسلام..... سعید خدیوی
- ۳۷..... عدالت، شاخصه حکومت اسلامی..... علی خیاط
- ۳۸..... پارادایم رضوی در همزیستی مسالمت آمیز میان باورمندان به ادیان
الهی..... کوکب دارابی - معصومه سادات ساری عارفی - وحیده فخار نوغانی
- ۳۹..... سیاست اخلاقی و عدالت در حکومت امام علی (ع)..... فاطمه دانشور محمدزادگان - سمیه طلوع برکاتی
- ۴۰..... اخلاق و عدالت اسلامی
- ۴۱..... در «سیاست اموال» خواجه نصیرالدین طوسی..... فاطمه دانشور محمدزادگان - مریم فیله کش
- جایگاه اخلاق مداری امام رضا(ع) در تعامل با اهل کتاب در مقایسه با زمامداران
مقارن.....
- ۴۲.....



- ۴۳..... واکاوی مفهوم گفتگو در سیره رضوی با تکیه بر نظریه کنش ارتباطی.....
ادریس راموز - حسین مهربانی فر
- ۴۴..... گفتمان رضوی؛ الگوی گفت‌وگوی اخلاقی و هم‌زیستی عادلانه ادیان و مذاهب در
دنایای امروز.....
حسینعلی رحمتی
- ۴۵..... نظام چندصدایی در مناظرات امام رضا (ع) با رویکرد نظریه «منطق مکالمه»
باختین.....
جواد رحیمی - سید محمد کاظم علوی - زهرا حشمتی فر
- ۴۶..... عدالت نسبت به نسل‌های آینده در استفاده از منابع طبیعت از دیدگاه فرهنگ
رضوی.....
مرتضی رحیمی - سمیه سلیمانی
- ۴۷..... حکومت و ارزش‌های اخلاقی در آموزه‌های رضوی: نقدی بر لیبرالیسم اخلاقی در باب
حکومت.....
احمد رزمخواه - زیبا رودی
- ۴۸..... بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی از نظر رالز و استاد مطهری.....
زهرا رسولی - جهانگیر مسعودی
- ۴۹..... تبیین فرهنگ عدالت باوری بر محور آموزه‌های رضوی نیاز عصر حاضر.....
نجمه رضائزاد جولایی
- ۵۰..... عدالت، جامع‌ترین اصل در اخلاق اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه.....
سهبیلا رضائی - احمد دبیری - مرتضی نصراللهی
- ۵۱..... ارتباط مفهوم عدالت و مقام خلیفه‌الهی انسان در اندیشه جلال‌الدین دوانی.....
الیه زارع
- ۵۲..... آثار کرامت انسانی از دیدگاه امام رضا (ع) در تعاملات اجتماعی با
غیرمسلمانان.....
زهرا زحمتکش - اردشیر اسدیگی
- ۵۳..... پارادایم رضوی در ایجاد وحدت و همگرایی امت اسلامی.....
محمدتقی سازندگی
- ۵۴..... نقش عدالت محوری در شکوفایی تمدن اسلامی با نگاهی به آموزه‌های رضوی.....
نرجس خاتون سرحدی نسب - محمدرضا کیخا - علیرضا سرحدی نسب
- ۵۵..... فقه دادگر.....
محمد سلطانی رنایی
- ۵۶..... کرامت انسانی مهم‌ترین اصل اخلاق همزیستی اجتماعی در سیره رضوی.....
سمیه سلیمانی - مرتضی رحیمی



- نقش مسئولیت سیاسی-اجتماعی انسان در قبال عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم... ۵۷
سید کاظم سیدباقری - بتول ملاشفیعی
- عدالت و قلمروهای آن در فلسفه سیاسی... ۵۸
محمد شجاعیان
- نظریه‌های عدالت در فلسفه سیاسی... ۵۹
محمد شجاعیان
- فلسفه اخلاقی جامعه عادلانه مبتنی بر تعریف فضایل انسانی در حکمت متعالیه... ۶۰
فهیمة شریعتی
- گفتگوی بین ادیان و ارتباطات میان فرهنگی درآمدی بر اخلاق ارتباطات میان فرهنگی
با الهام از سیره رضوی... ۶۱
محمدحسین شعاعی شهرضا
- بررسی حوزه‌های گوناگون اخلاق کاربردی عدالت در مکتب اهل بیت (ع)... ۶۲
مهسا شهبابی - زینب ابراهیمی
- رهیافتی قرآنی به عوامل تحقق و گسترش اخلاق اسلامی عدالت... ۶۳
حسن صادقی
- نقش وحی و عقل در گسترش اخلاق اسلامی عدالت... ۶۴
حسن صادقی
- پارادایم رضوی در باب همزیستی... ۶۵
رقیه صادقی نیری - رباب محمد سعیدپور
- مشروعیت حکومت برای ایجاد حق و عدالت از دید امام رضا (ع)... ۶۶
محمد صدقی الانق
- اصل کلی حسن نیت در اجرای معاهدات بین‌المللی: ارزش عدالت محور... ۶۷
حمیدرضا طوسی
- فلسفه عدالت در کلام امام علی (ع)... ۶۸
سمیه عبدالهی
- رهیافت‌هایی از قرآن کریم در حوزه عدالت اقتصادی... ۶۹
سید هادی عربی - جواد ارباب
- عدالت توزیعی در میراث فقهی حقوقی اهل بیت (ع)... ۷۰
ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی - طاهره فلسفی نیا
- حل منازعات مذهبی در آموزه‌های رضوی... ۷۱
شیما علی نیا - مریم غفاری جاهد
- اخلاق گفتگو از منظر امام رضا (ع) با تکیه بر مناظرات ایشان... ۷۲
نهله غروی نائینی - طاهره شفائی چروش
- فقه شبه حقوقی و دین‌ورزی فضیلت بنیاد... ۷۳



- سید محمد قاری سید فاطمی
شاخصه‌های عدالت اقتصادی در مکتب اهل بیت (ع) با تأکید بر آموزه‌های رضوی..... ۷۴
سید مرتضی فری زنی
- عدالت و عقلانیت در نهج البلاغه..... ۷۵
ابوالقاسم فنائی - علی مهجور
- اخلاق مناظره در فضای اسلامی با تأکید بر شیوه مناظرات حضرت رضا (ع) با علمای
ادیان مختلف..... ۷۶
سید محمدهادی قبولی درافشان - محبوبه احمدی
- نقش عدالت در فرهنگ و تمدن اسلام..... ۷۷
زهرا قلعه آقا بابایی
- عدالت و تمایزات زن و مرد در امور کیفری از منظر اهل بیت (ع)..... ۷۸
محمدباقر گرایلی
- عدالت محوری اهل بیت (ع) در مواجهه با پیروان سایر ادیان..... ۷۹
مریم مرادی - محمدجواد شمس
- قلمرو و الگوی عدالت بین نسلی در اندیشه اهل بیت (ع)..... ۸۰
مرتضی مرتضوی کاخکی - سمیه براتی مقدم
- اجتهاد عدالت محور زیربنای تمدن نوین اسلامی..... ۸۱
جعفر مروارید
- تحلیل مبنای ارزش عدالت و اعتدال در اخلاق فضیلت فیلسوفان یونان و اسلام..... ۸۲
محمد مصطفائی
- جایگاه اخلاق کاربردی در تأمین دادرسی عادلانه از دیدگاه فقه اهل بیت (ع) و آموزه‌های
رضوی..... ۸۳
محمد مهدی مقدادی
- راهبرد امام علی بن موسی الرضا (ع) در برخورد با ادیان بر پایه کتاب التوحید شیخ
صدوق..... ۸۴
اردشیر منظمی
- بررسی دیدگاه فلاسفه اخلاق اسلامی با تکیه بر دیدگاه نراقی در جامع السعادات..... ۸۵
مصطفی مومنی - فاطمه رجائی
- عدالت سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی..... ۸۶
محسن مهاجرنیا
- نقش عدالت در شکوفایی تمدن اسلامی..... ۸۷
علی اکبر نوایی شوروزی
- عدالت در فقه اسلامی..... ۸۸
یوسف نورائی - محمد قنبرزاده

- ۸۹..... اصول و آموزه‌های اخلاقی در مناظره با تأکید بر مناظرات رضوی.....
 مجتبی نوروزی - زکیه عابدینی نیا- مریم مقبسه
- ۹۰..... پیشگامان وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در حوزه علمیه مشهد.....
 علیرضا نوروزی - مجتبی نوروزی
- ۹۱..... حوزه علمیه مشهد نهضت‌ها و تحولات داخلی و بین‌المللی.....
 علیرضا نوروزی - مجتبی نوروزی
- ۹۲..... بررسی حقوق و اخلاق در خانواده از منظر امام رضا (ع).....
 مجتبی نوروزی - زینب ایردخواه
- ۹۳..... نقش عدالت اجتماعی در شکوفایی علمی تمدن اسلامی عهد رضوی.....
 سید علیرضا واسعی - طاهره سادات صالح شریعتی
- ۹۴..... عدالت سیاسی اخلاق محور.....
 احمد واعظی
- ۹۵..... معیارهای اخلاقی سود عادلانه مادی در فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه قرآن.....
 سید احمد وحدتی شبیری
- ۹۶..... حیات سیاسی امام رضا (ع) عامل وحدت و همگرایی میان مسلمانان.....
 رضا وطن دوست
- ۹۷..... دور العدل في الحضارة الإسلامية.....
 غلامرضا رئیس‌بیان
- ۹۸..... فکرة العدالة من راولز إلى الإمام الرضا مرورا بأفلاطون.....
 ادريس هانی
- ۹۹..... نظرية العدالة الاخلاقية لدي المفكرين المسلمين في القرن الرابع الهجري (جیل کویه و التوحیدی).....
 حمیدرضا شریعت مداری
- ۱۰۰..... أساس التقييم الأخلاقية في عهد الإمام الرضا (ع).....
 هدی محمد سلمان

مقدمه

همایش بین‌المللی «عدالت و اخلاق در مکتب اهل بیت (ع) با تأکید بر سیره و آموزه‌های امام رضا (ع)» در راستای سلسله همایش‌های علمی - پژوهشی سیره و معارف رضوی است که اولین آن در سال ۱۳۹۱ با عنوان «عقلانیت، معنویت و عدالت» و دومین آن در سال ۱۳۹۳ با عنوان «معنویت» برگزار شده است. این همایش با همکاری معاونت فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع) و مشارکت برخی سازمان‌ها و نهادهای معتبر علمی، پژوهشی و فرهنگی داخلی و خارجی در فروردین ۱۳۹۶ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شده و اهداف ذیل را مد نظر داشته است:

۱. معرفی زیبایی‌های معارف اهل بیت (ع) با تأکید بر آموزه‌های رضوی به جهان، چنانچه امام رضا علیه السلام فرمودند: لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.
 ۲. ضرورت توجه مجدد به گفتگوی ادیان در چارچوب مبانی عدالت و اخلاق در مواجهه با افراط‌گرایی اسلامی.
 ۳. توجه به نقش حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) به عنوان امام گفتگو و الگوی گفتگوی عدالت‌محور و اخلاق‌مدار.
 ۴. تبیین مبادی عدالت و اخلاق در تفکر شیعی در سال ۲۰۱۷ که مشهد به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شده است.
 ۵. تلاش ویژه برای معرفی و بازخوانی میراث معنوی مشهد الرضا (ع) و الگوی بایسته سبک زندگی رضوی در جهان متکثر کنونی و نیز توجه به نقش نهادهای حوزوی و دانشگاهی در معنابخشی به زیست دینی.
- برای تحقق اهداف مذکور با تشکیل شورای سیاست‌گذاری در مرداد ۱۳۹۴، عنوان همایش، تعیین و با تشکیل کمیته علمی متشکل از ۳۰ نفر از اساتید دانشگاه فردوسی و دانشگاه‌های داخلی و خارجی، محورهای آن در اسفند ۱۳۹۴ قطعی شد و از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها برای مشارکت در همایش دعوت به عمل

آمد که ۲۱ مؤسسه اعلام آمادگی کردند که در تدوین مقاله، ارزیابی مقالات، چاپ مقالات و برگزاری پیش‌نشست همکاری نمایند. پیش‌نشست‌های برگزار شده در داخل و خارج کشور عبارتند از:

پیش‌نشست‌های داخلی

پیش‌نشست اول: با موضوع «عدالت و اخلاق» در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشهد و با همکاری مرکز پژوهشی جامعه المصطفی‌العالمیه مشهد در تاریخ ۶ آبان ۱۳۹۵ برگزار شد.

پیش‌نشست دوم: با موضوع «اعتدال و عدالت در تفکر شیعه» در دانشگاه ادیان و مذاهب قم در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۹۵ برگزار شد.

پیش‌نشست سوم: با موضوع «وحدت در کثرت: مشهد، کانون معنوی ایران» در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ ۱ دی ماه ۱۳۹۵ برگزار شد.

پیش‌نشست چهارم: با موضوع «عدالت، شاخصی از ساختار تمدن اسلامی» در پژوهشکده نوین شهر معنوی ثامن در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۵ برگزار شد.

پیش‌نشست پنجم: با موضوع «عدالت سیاسی، عدالت اخلاقی» در دانشگاه قم در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۹۵ برگزار شد.

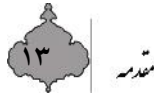
پیش‌نشست ششم: با موضوع «عدالت و اخلاق از دیدگاه حکیم سبزواری» در دانشگاه حکیم سبزواری در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۹۵ برگزار شد.

پیش‌نشست هفتم: با موضوع «عدالت و اخلاق در اندیشه سیاسی اسلام» در محل انجمن‌های علمی حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۹۵ برگزار شد.

پیش‌نشست هشتم: با موضوع «نظریه‌های عدالت در فلسفه سیاسی» در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۹۵ برگزار شد.

پیش‌نشست‌های بین‌المللی

پیش‌نشست اول: با موضوع «العدالة قيمة و معياراً، تطلعات إنسانية و حضارية» در لبنان، با همکاری دو مرکز دانشگاهی «مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي» و «جامعة المصطفی‌العالمية- لبنان» در تاریخ ۱۹ ژانویه ۲۰۱۷ برابر با ۳۰ دی ماه ۱۳۹۵ با حضور اندیشمندان و محققان لبنانی و ایرانی و ارائه شش مقاله به زبان عربی، برگزار



شد.

پیش نشست دوم: با موضوع « Justice and Ethics in Shi'i thought: from theoretical foundations to Sharia implications » در کالج المهدی در بیرمنگام انگلستان با ارائه سه مقاله به زبان انگلیسی، در تاریخ ۶ آوریل ۲۰۱۷ برابر با ۱۷ فروردین ۱۳۹۶ برگزار شد.

مقالات ارسال شده به دبیرخانه همایش

در مجموع ۱۸۵ چکیده مقاله فارسی به دبیرخانه همایش ارسال شد. پس از آن شرکت کنندگان در همایش ۱۰۹ مقاله کامل فارسی به دبیر ارسال کردند و در نهایت کمیته علمی همایش ۷۰ مقاله را پذیرفتند. بخش بین‌المللی دبیرخانه نیز ۵۰ چکیده مقاله انگلیسی دریافت کرد که در نهایت ۲۰ مقاله انگلیسی مورد تأیید قرار گرفتند.

میهمانان خارجی

حدود ۳۰ میهمان خارجی از اساتید و محققان مطالعات اسلامی در همایش حضور دارند.

امیدواریم که همایش توانسته باشد در تحقق اهداف مذکور به توفیقاتی دست یافته باشد. در پایان از همه سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات، افراد حقیقی و حقوقی که در برگزاری این همایش نقش داشته‌اند صمیمانه تشکر می‌کنیم. امیدواریم که بتوانیم این مسیر را با رفع نقایص و تقویت نقاط مثبت ادامه دهیم.

دکتر غلامرضا رئیسیان

دبیر همایش

فروردین ۱۳۹۶

عدالت اخلاق محور در حقوق اسلامی

علیرضا آبین / دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی / دانشگاه شهید مطهری^۱

خدیجه شیروانی / دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی / دانشگاه شهید مطهری^۲

چکیده

علم حقوق را باید آمیزه‌ای از حق و تکلیف دانست که مقررات آن متکفل ایجاد نوعی تعادل و تنظیم میان حقوق و تکالیف می‌باشند. مفهوم عدالت و ارزش آن از ابتدای تاریخ برای انسان شناخته شده بود، اما سؤالاتی که ممکن است در این زمینه مطرح شوند عبارت‌اند از: رابطه اخلاق و عدالت چیست؟ ظهور اسلام چه تغییری در مفهوم عدالت ایجاد کرد؟ به نظر می‌رسد اسلام ظهور کرد نه از باب تبیین قواعد حقوقی بلکه از باب احیا و گسترش مکارم اخلاق و درج آن‌ها در ضمن سایر قواعد الزام‌آور فردی و اجتماعی و در نتیجه اجرای آن‌ها در جامعه اسلامی و گرنه قطعاً بدون وجود اسلام نیز غالب قواعد حقوقی مسیر طبیعی و بر پایه عقل و تجربه خود را طی می‌کردند. سخن از قصاص، ضمان قهری، حلیت قراردادهای و بسیاری از احکام حقوقی دیگر، سخنی جدید نیست اما سخن از اخلاق‌مداری و گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای والای اخلاقی سخنی جدید است. به‌راستی که سعادت، پیشرفت و ترقی هر جامعه‌ای در گرو اصلاح اخلاق آن جامعه است زیرا تا زمانی که ارزش‌های اخلاقی در جامعه نهادینه نشوند، قوی‌ترین، دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین قوانین با بهترین ضمانت اجراهای دولتی نیز کم فایده یا بی‌فایده خواهند بود. در این نوع تفکر و نگرش است که روایات و آموزه‌های اخلاقی نیز رنگ حقوقی گرفته و محروم نمودن جامعه حقوقی از آن‌ها بدون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای گناهی نابخشودنی می‌نمایاند. هدف این پژوهش معرفی جنبه جدیدی از رویکرد اسلام به امر عدالت به‌عنوان مبنا و اساس زندگی اجتماعی است و این نگاه جدید، نقش اسلام در دادن رنگی اخلاقی به عدالت حقوقی است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، حقوق، اخلاق، قوانین اسلامی، حکومت، ضمانت اجرا.

1. alireza.abin@chmail.ir

2. Khadije.shirvani@yahoo.com

اصول و روش‌های اخلاقی مناظره‌های حضرت امام رضا (ع) با پیروان ادیان و مذاهب

مجتبی اخوان ارمکی / مدرس دانشگاه پیام نور کرج^۱

ملیکا هاشمی / دانشجوی دکتری دانشگاه تهران^۲

چکیده

با اصول و روش‌های اخلاقی می‌توان با پیروان ادیان و مذاهب مناظره کرد، تا حقانیت دین اسلام بر همگان آشکار شود. اصولاً بحث بر سر اینکه حضرت امام رضا (ع) به چه روشی اخلاقی با پیروان ادیان و مذاهب مناظره می‌کردند، از مباحثی است که پاسخ به آن می‌تواند الگویی برای صاحبان اندیشه قرار گیرد. در این مقاله با مطالعه زندگی حضرت امام رضا (ع) سعی شده است به این سؤال پاسخ داده شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آن حضرت با سعه‌صدری که داشتند، در مناظرات احترام طرف مقابل را نگاه می‌داشتند. همچنین، برای اثبات حقیقت طرف مقابل را به پرسش کردن دعوت می‌نمودند. آن حضرت با شیوایی کلامی و با استناد به منابع قابل قبول طرف مقابل مناظره می‌کردند. بنابراین، روش‌های اخلاقی حضرت امام رضا (ع) در مناظرات می‌تواند الگوی برای صاحب‌نظران قرار گیرد. از آنجاکه پژوهش حاضر، ماهیت مفهومی و نظری دارد و منبع اصلی آن مناظرات حضرت امام رضا (ع) و دیگر آثار مرتبط با موضوع است، روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با تأکید بر بعد نظری است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، امام رضا (ع)، روش اخلاقی، مناظره، پیروان ادیان و مذاهب.

1. akhavan1330@yahoo.com

2. mehashemi@ut.ac.ir

موانع همگرایی فقه و حقوق اسلامی با گفتمان جهانی عدالت

با تکیه بر حوزه زنان

زهرا اخوان صراف / استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه مفید قم^۱

ملیحه رضائی / طلبه سطح ۴ بنیاد اسلام پژوهی تفقه^۲

چکیده

صرف نظر از تفاوت‌های نوع بشر در عرصه‌های گوناگون، برپایی عدالت نقطه اوج اندیشه‌ها و والاترین آرزوی مشترک است. این مهم به دست آمدنی نیست مگر آنکه ابنای بشر برای وصول به آن باهم آستین همت برزنند. چراکه بی‌عدالتی در هر جزء گیتی، کل را متأثر کرده مانع از هم‌گرایی تمدن‌ها در این راستاست. باید تبعیض‌های میان زنان و مردان نشان‌دار شده به شیوه عقل‌پذیر و شرع‌پسندی در زندگی امروزی حل و فصل شود. لزوم رفع تبعیض علاوه بر آنکه مبادی عقلایی بسیار قوی امروزی دارد، مقتضای بسیاری از ظرفیت‌های قرآنی و روایی است. بحث حاضر که به دلیل محدودیت حجم نوشتار بیشتر تأصیلی است تا تطبیقی، با توجه به نصوص و ادله دینی و مقاصد الشریعه - نشان می‌دهد تبعیض‌های موجود در فقه سنتی مثلاً در حوزه امور زنان یا محصول کج‌فهمی از آموزه‌های صدر اسلامی است؛ یا نتیجه کج‌خوانی دین اسلام و برداشت‌های مزیت‌آفرین و سلطه‌آور برای مرد نسبت به زن است که از اساس نادرست است؛ یا مربوط به امری غیر اصیل و عرضی است که ربطی به بهتری و سلطه ذاتی جنسی بر جنس دیگر ندارد و با تغییر آن امر عرضی بایست تغییر کند. و پس در نهایت دین الهی نمی‌تواند بر سر راه گفتمان عقلایی عدالت در دنیای امروز، موانع جدی و غیرمتعارف بگذارد و قوانین متکی به این دین می‌توانند با بهره‌گیری از مبانی نواندیشانه‌ای که تطور در قوانین را با توجه به شرایط زمان و مکان، تجویز بلکه الزام می‌کند، خود را با مسلمات عقلا سازگارتر کنند.

کلیدواژه‌ها: فقه و حقوق اسلامی، عدالت، اسناد بین‌المللی، تبعیض، زمان و مکان.

1. akhavan_qom@yahoo.com

2. rezaei_qom@yahoo.com

اخلاق در ترازوی عدالت

محمدرضا ارشادی نیا / استادیار فلسفه و حکمت اسلامی / دانشگاه حکیم سبزواری^۱

چکیده

نظریات اخلاقی پیشینه متمادی در سنت فلسفی دارد. در حوزه تمدن اسلامی نیز بر اثر اهمیت اخلاق نظریه‌های متنوع ارائه شده است. رویکرد کلی حکمای الهی به تبیین مسائل اخلاقی بر مبنای عدالت گروهی و حصر ارزش‌ها در فضایل چهارگانه شجاعت، عفت، حکمت و عدالت است. این فضایل بر اساس میانه‌روی در قوای شهوت و غضب آنگاه که فرمانبری از قوه عقل، ملکه آنها شده باشد حاصل می‌گردد. که از این حالت تعبیر به حکمت یا حریت می‌گردد. آزادی کامل از قید شهوت و غضب، و اجتناب از افراط و تفریط، ملکه عدالت را در نهاد انسانی پدید می‌آورد و پی‌جویی خط سیر عدالت و میانه‌روی تأمین‌کننده سعادت جاودانه است. در آثار اخلاقی حکمای الهی عدالت گروهی و تأکید بر رعایت حد وسط شاخص و میزانی است برای تنظیم رفتار انسانی در حوزه ارزش‌های مثبت و منفی که همگام درون‌مایه‌های دینی آن نیز خاطرنشان شده است. در بین همه آثار قیم اخلاقی «جامع السعادات» اثری است راقی و باقی از حکیم الهی علامه محمد مهدی نراقی که در پرتو آیات و روایات و آموزه‌های فلسفه اسلامی، کم و کیف اجرای حد وسط را با مورد پژوهی درباره فضایل و رذایل به اثبات رسانده است. ارائه برخی از ابعاد تأثیرگذار مبانی فلسفی در قلمرو ارزش‌ها، در نگره این حکیم الهی، مورد نظر این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، عدالت، حکمت، حریت، حد وسط.

نقش وحی و عقل در گسترش اخلاق اسلامی عدالت

محمود اصغری / پژوهشگر / دانشگاه علوم اسلامی رضوی^۱

چکیده

در آموزه‌های مبتنی بر وحی ستون انسانیت، عقل دانسته شده و در این آموزه‌ها عقل تشبیه به درختی شده است که ریشه آن تقوا، شاخه‌هایش حیاء و میوه آن، پارسایی است. بر این مبنا اگر کسی بر اساس ارزش‌های عقلانی و فضایل اخلاقی رفتار کند، در حقیقت به دین و اخلاق عمل کرده است و همین عمل انسان به تقوای عقلانی موجب می‌شود تا زمینه پذیرش دین و حیانی و اخلاق و حیانی را پیدا کند. از این رو، عقل اصلی‌ترین کارافزار دین‌داری است تا جایی که شناخت کلیات اصول دین از وظایف عقل انسان است. وحی نیز به حکم عقل حجت است؛ و به‌طور کلی هر ادعای دینی باید به دلیل یا دلایل عقلی مقتضی مورد حمایت قرار گیرد؛ زیرا که دین به تعبیر قرآن کریم خود برهان است. بنابراین، در آموزه‌های وحیانی، عقل رقیب وحی نیست، خرد نیز رسالت پیامبرانه دارد. کتاب و حکمت عدل همدیگرند، در نتیجه وحی و عقل دو منبع برای دریافت دین‌اند. در این رویکرد تعامل‌گراست که میان عقل و دین نه تنها تعارضی وجود ندارد، بلکه دین و عقل هر دو در حقیقت تعدیل‌کننده غرایز و اصلاح‌گر غرایز به شمار می‌آیند. و به‌طور طبیعی در چنین بستر تعاملی است که مکارم اخلاقی بالندگی و شکوفایی می‌یابد و از جمله این مکارم اخلاقی، عدالت محوری قرار می‌گیرد؛ زیرا که به تعبیر امام علی علیه‌السلام، از نشانه‌های عقل عمل کردن به شیوه عادلانه است.

کلیدواژه‌ها: وحی، عقل، تقوای عقلانی، آموزه‌های دینی، اخلاق عدالت محور.

جامعه بدون فقر در پرتو حکومت علوی؛ عدالت اقتصادی در اندیشه حقوق عمومی شیعه

سجاد افشار / دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران^۱

چکیده

برانداختن فقر همواره یکی از آرمان‌های متعالی انسانی بوده، اما درباره نقش و تأثیر دولت در توزیع ثروت و رفع فقر در میان اندیشمندان حقوق عمومی دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته است؛ برخی دولت را از هر مسئولیتی در این زمینه بری دانسته و عده‌ای به نقش کم یا زیاد دولت در این خصوص، حکم کرده‌اند. پژوهش حاضر بر آن است به این پرسش اساسی پاسخ دهد که در دیدگاه حقوق عمومی شیعه، نقش دولت در مقوله توزیع ثروت و برقراری جامعه بدون فقر چیست و اگر دولت در این زمینه، تکلیفی دارد حدود و روش‌های نیل به آن کدامند؟ به این منظور، دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) به عنوان یکی از معدود نمونه‌های حکومت ورزی معصوم مورد مطالعه قرار گرفته است. فرضیه آن است که حکومت معصوم به عنوان عالی‌ترین شکل حکومت‌داری، متکفل تمام ابعاد رشد انسان است و معیشت و اقتصاد، از جمله مهم‌ترین این ابعاد می‌باشند. در حکومت علوی، رفع کامل فقر به معنای تأمین حداقل‌های معیشت تمام مردم محقق شده و طبق روایتی از آن حضرت، همه مردم کوفه آن روزگار از رفاه نسبی متناسب با زمانه برخوردار بوده‌اند. این امر و روش‌های تحقق آن، نشان می‌دهد که حکومت اسلامی در برقراری جامعه بدون فقر، تکلیف دارد و نمی‌توان به بهانه‌هایی چون خصوصی‌سازی یا کاهش تصدی دولت از آن سلب مسئولیت کرد. تنها در شرایط تحقق جامعه بدون فقر است که - به نص روایات - مقتضی اصلاح فرهنگ و تربیت دینی فراهم شده، مانع آن از بین می‌رود و می‌توان انتظار به فعلیت رسیدن التزام به ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در فرد فرد اعضای جامعه را داشت.

کلیدواژه‌ها: دولت رفاه، حکومت علوی، جامعه بدون فقر، عدالت توزیعی،

وظایف حکومت اسلامی.

تأثیر اخلاق فضیلت مدار بر عدالت بین نسلی

ناصر الهی / عضو هیأت علمی گروه اقتصاد / دانشگاه مفید قم^۱

حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی / عضو هیأت علمی دانشگاه مفید قم^۲

سید روح الله حسینی / دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد / دانشگاه مفید قم^۳

چکیده

مسئله اخلاق و عدالت و رابطه بین این دو از مسائل مبتلابه دنیای امروز است. نحوه رسیدن به عدالت و تأمین آن و پایداری و ماندگاری عدالت نیز مسئله‌ای است که برای رسیدن به آن تلاش‌های علمی فراوانی صورت گرفته است. اخلاق به دنبال معین کردن حد و مهار نهادن بر خواسته‌های انسان و اشباع آن‌هاست. از طرفی عدالت بین نسلی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضروریات دنیای امروز می‌بایست مورد توجه ویژه قرار گیرد. عدالت بین نسلی یعنی استفاده از منابع موجود به صورتی که حقوق نسل‌های آینده به مخاطره نیافتد تا همگان بتوانند از منابع به نحو مطلوب استفاده نمایند. توزیع عادلانه منابع یعنی برآوردن حقوق نسل‌های حاضر در کنار تضمین حقوق نسل‌های آینده و این یعنی تلاش برای رسیدن به عدالت بین نسلی. اخلاق فضیلت مدار با تغییر نگرش افراد جامعه، فضیلت را به‌عنوان ملکه‌ای نفسانی معرفی می‌کند که در وجود فرد رسوخ پیدا کرده تا فضائل را به خاطر خود آن‌ها و نه به خاطر پاداشی که ممکن است نصیبش شود انجام دهد، تا از این طریق چگونگی رسیدن به عدالت بین نسلی را بازگو کند. این مقاله با روش تحلیلی - استنباطی تلاش می‌کند با بررسی نظام اخلاقی فضیلت مدار و رابطه‌ای که می‌تواند با مسئله عدالت بین نسلی داشته باشد، نشان دهد که می‌توان به اخلاق فضیلت مدار به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر برای برقراری عدالت بین نسلی تکیه کرد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق فضیلت مدار، رضایتمندی، عدالت بین نسلی، توسعه پایدار،

توزیع عادلانه منابع.

1. elahi@mofidu.ac.ir

2. rezai@mofidu.ac.ir

3. h.ruhollah@gmail.com

عدالت؛ ناکارا در استنباط فقه فردی، معیار برای فقه حکومتی

علی الهی خراسانی / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی / دانشگاه عدالت^۱

چکیده

تأثیری که عدالت می‌تواند در فرایند استنباط و تفقه بگذارد می‌تواند در دو ساحت باشد: اول- عدالت به‌عنوان یک «قاعده فقهی» که می‌تواند در استنباط یا تطبیق «حکم» مانند دیگر قواعد فقهی نقش داشته باشد. دوم- برای استنباط «نظام اسلامی» نه یک موضوع، عدالت می‌تواند یکی از «مقاصد شریعت» برای رسیدن بدین امر باشد. به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از ادله‌ای که بر عدالت و رعایت آن تأکید می‌کند، بیانگر دخالت عدالت در فرایند استنباط فقهی نباشد. روایات تنها بر این مطلب دلالت می‌کنند که عدالت، امری اخلاقی و دارای فضیلت است که باید در جامعه اساس تمامی رفتارها باشد. عدالت در فرایند استنباط فقه فردی چیزی فراتر از «حکمت» احکام نمی‌رود و روشن است که با حکمت احکام نمی‌توان دست به استنباط زد. برخی از فقیهان معاصر برای اثبات دخالت عدالت عرفی در فرایند استنباط، چنین باور دارند حتی روایاتی که بر خلاف عدالت عرفی است و بنا به نظر عرف زمانه نوعی ظلم در آن‌ها دیده می‌شود باید کنار گذاشته شوند. اما در مقابل، برخی دیگر به‌طور کلی نسبت به جایگاه قرآن در فقهت چنین باور دارند که این‌گونه آیات، تنها بیانگر چهارچوب کلی اسلام است و نمی‌توان همچون دلیل فقهی با آنان برخورد کرد. می‌توان اساساً مبنای دیگری طرح نمود مبنی بر آنکه عدالت در فرایند استنباط و حوزه فتوا و حکم الهی در فقه فردی نقشی ندارد و نمی‌توان احکام مستند به شارع را مقید بدان دانست، اما عدالت در تحقق اسلام و در عینیت بیرونی برای مدیریت و برنامه‌ریزی اجتماعی تأثیر تام دارد. اما نکته حائز اهمیت آنکه اجرای عدالت در جامعه اسلامی و دخالت آن در تحقق احکام، بر عهده «ولی‌امر» است که در دوران غیبت امام معصوم، بر دوش مجتهد جامع‌الشرایط (ولی فقیه) گذاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، قاعده فقهی عدالت، مقاصد شریعت، حکمت احکام، حکم

حکومتی.

عدل الهی از دیدگاه

شیعه دوازده‌امامی و اسماعیلیه

سیده سوزان انجم روز / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی / دانشگاه تهران^۱

ناصر گذشته / استادیار ادیان و عرفان تطبیقی / دانشگاه تهران^۲

چکیده

شیعه، عدل را به‌مثابه یکی از صفات خداوند، در ردیف اصول دین قرار داده است؛ زیرا در مسئله عدل بود که شیعیان عقل‌گرا همواره با اهل سنت اختلاف نظر داشته‌اند. اما آیا عدل الهی در میان فرقه‌های مختلف شیعه از جایگاه یکسانی برخوردار است؟ عدل، در آثار اندیشمندان دوازده‌امامی در سطوح مختلف مورد بررسی است؛ اما در آثار اسماعیلیان بسیار گذرا و تلویحی بوده است. در این بررسی تطبیقی کوشش بر آن است تا جایگاه عدل الهی و مباحث پیرامون آن همچون رابطه حسن و قبح عقلی و عدل خداوند، در شیعه دوازده‌امامی و اسماعیلی از منظر اندیشمندان تأثیرگذار هر یک شناسایی و تحلیل شود. با توجه به قابلیت عقلانی شیعه، از دل بحث جبر و اختیار، مسئله عدل خداوند بیرون می‌آید زیرا همبستگی مستقیمی میان باور به اختیار و عدل از یک‌سو و اعتقاد به جبر و نفی عدل از سوی دیگر وجود دارد. از چشم‌اندازی تاریخی، از دوران اسماعیلیه فاطمی که بر جایگاه امام مبالغه شد تا اسماعیلیه الموت، سنگین کردن مفهوم امام، سبب سبک شدن خردگرایی اسماعیلیان شد؛ از حسن و قبح عقلی دور شده و بنابراین کمتر به عدل الهی پرداخته‌اند. اسماعیلیه تحت تأثیر دو عامل اصلی «وجهه ضدتعللی اصل تعلیم» و «پیوند با تصوف» تأکید بیش از اندازه‌ای بر جایگاه امام در نظام آفرینش، در تعلیم و هدایت، در مسائل سیاسی و اجتماعی، در تأویل و تفسیر شریعت، در عصمت و قائم‌القیامه بودن او دارند. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش این است که به جهت همین مبالغه در اصل «تعلیم» از امام و نیز تأثیرپذیری از «تصوف» در دوران‌هایی خاص، اسماعیلیه متمایل به حسن و قبح شرعی شده و از آموزه‌های اساسی شیعه دوازده‌امامی مبنی بر اصالت عدل، حرمت عقل و شخصیت آزاد انسان دور افتاده است.

کلیدواژه‌ها: عدل الهی، حسن و قبح عقلی، اصل تعلیم، تصوف.

1. su.anjomerooz@ut.ac.ir

2. ngozasht@ut.ac.ir

تجلی عدالت و اخلاق در حدیث شریف سلسله الذهب

اعظم ایرجی‌نیا / استادیار فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد^۱

چکیده

حدیث سلسله الذهب روایت شده از امام رضا علیه‌السلام با نقل از زنجیره‌ای نورانی از روایان الهی گنجی تمام‌نشدنی برای سالکان طریق حقیقت برای همیشه تاریخ برجای نهاد. این حدیث شریف بحر عمیقی است که تنها غواصان معرفت با ادراکی متعالی به ژرفای آن راه می‌یابند. امام به‌عنوان عالی‌ترین انسان‌ها که به عالی‌ترین مراحل وجودی انسانیت رسیده است، حقیقت این حدیث شریف در او تجلی یافته است. از این رو این نوشتار برآن است تا با بیان حدیث شریف سلسله الذهب در دو بخش «لااله الا الله» و «بشرطها و شروطها و أنا من شروطها» که در نهایت ایمنی از عذاب الهی نیز پیامد این دو امر شریف است؛ از یک سو به واکاوی نقش عقل نظری در تحلیل حدیث سلسله الذهب و رابطه آن با درک یگانگی خداوند و جایگاه امام در امامت و رابطه آن‌ها به‌عنوان لازم و ملزوم متناسب با یکدیگر پردازد و آشکار سازد که توحید و امامت و رابطه آن‌ها بر اساس عدالت قابل تحلیل است و از سوی دیگر با تبیین عدالت در عقل نظری و عقل عملی انسان روشن سازد که بر اساس این حدیث شریف تنها انسان متقی در بالاترین درجات آن است که می‌تواند اعتقاد و التزام حقیقی به توحید داشته باشد و او تنها کسی است که شایستگی پیروی جهت رسیدن به سعادت و ایمنی از عذاب الهی را دارد چراکه در غیر این صورت چنان‌چه توجه به توحید بدون پیروی از او صورت گیرد اعتقاد و اطاعت در جایگاه خود قرار نگرفته و به دلیل این سرپیچی، که خود خلاف عدالت است، موجبات دوزخی شدن فراهم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه‌السلام، عدالت، عقل نظری و عملی، حدیث سلسله

الذهب

خاستگاه‌های فقهی قاعده عدالت

علیرضا پور اسماعیلی / دکترای تخصصی حقوق خصوصی دانشگاه حکیم سبزواری^۱

چکیده

گرچه شیعه در کلام عدلیه نامیده می‌شود و عدل از اصول مذهب است با این‌همه در فقه، فقیهان کمتر به استناد عدالت فتوا می‌دهند. در واقع، فقیه در فقه شیعه اهتمام بسیار دارد تا حکم شرعی را از منابع آن استنباط کند ولو این‌که آن حکم در عرف ظالمانه خوانده شود. از این‌رو فقیه موظف به استنباط حکم الهی است. در فقه شیعه برخی از فقیهان و صاحب‌نظران با طرح قاعده عدالت تلاش کرده‌اند تا به‌عنوان یک مبنا حکم شرعی را با آن مبنا و معیار بسنجند، در حالی‌که بسیاری از فقیهان مخالف این باورند. از این‌رو اختلاف نظر شدیدی میان فقیهان وجود دارد که آیا می‌توان از قاعده‌ای اولیه به‌عنوان قاعده عدالت در فقه شیعه دفاع کرد که کلیه احکام شرعی از آن بگذرد و با آن محک بخورد. این سخن موافقان و مخالفانی دارد که همه از سرشناسان پهنه فقه هستند. با این‌همه در عمل نیز همان‌گونه که اشاره شد، مصادیقی اندکی وجود دارد که فقیهان به استناد عدالت فتوا داده‌اند و افزون بر این صرفاً به عدالت نیز استناد نکرده‌اند که عدالت به‌عنوان یک دلیل تکمیلی مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: قاعده عدالت، انصاف، تنصیف، ظلم، حکم شرعی.



چکیده

رویکرد اندیشه امام رضا (ع) به عدالت و دیدگاه ایشان درباره عدالت و سیاست در تاریخ اسلام به سبب جایگاه برجسته این بزرگوار نمودی از سیر اندیشه شیعه در سده‌های نخستین تاریخ اسلام دارد. عدالت رالزی در بستری لیبرالی و با تأکید بر جایگاه عدالت اجتماعی و سیاسی و بازخوانی پیایی خویش، در تاریخ معاصر جهان با ارزش‌ترین اندیشه فلسفی انگاشته می‌شود که نسخه‌ای جاودان از عدالت لیبرالی را فراهم نموده است. تطبیق و سنجش این دو نگاه به موضوع عدالت و اجتماع و سیاست، انسان را به دریافت درستی از تفاوت‌ها و شباهت‌های عدالت شیعی با عدالت لیبرالی رهنمون می‌سازد. عدالت رالز بر قراردادی‌گرایی و وظیفه‌گرایی و کثرت‌گرایی استوار است و از پشت پرده جهل به اصول عدالتی می‌رسد که دستاورد توافق طرف‌های قرارداد در وضعیت نخستین شمرده می‌شود. در اندیشه امام رضا (ع) اصل عدالت از وحی الهی و سنت اهل بیت ریشه می‌گیرد و دستورهای ویژه‌ای برای رسیدن به عدالت اجتماعی را به دست می‌دهد. عدالت در اندیشه امام رضا (ع) نقشی بنیادین در ساختار هستی ایفا می‌کند و مفهومی پیش‌آفرینشی شمرده می‌شود که از عدالت الهی ریشه گرفته است و در همه آفرینش سریان می‌یابد و در این دیدگاه هر ساختار اجتماعی که با اصل عدالت منطبق باشد اسلامی و الهی است و اگر منطبق نباشد ساختاری غیر اسلامی شمرده می‌شود. عدالت رالز در پی بنیان نهادن ساختاری اجتماعی بر پایه عدالت متصفانه است که از هرگونه جانب‌داری از آموزه‌های فراگیر به دور باشد تا همه آموزه‌های موجود در جوامع انسانی بر گرد اصول عدالت جمع شوند و از ساختاری شایسته انسان حمایت کنند و اگر آموزه‌ای با اصول عدالت هماهنگ نباشد از ساختار جامعه کنار گذاشته می‌شود.

کلید واژه‌ها: امام رضا (ع)، رالز، عدالت اجتماعی، سیاست، فرهنگ.



اعتدال در باور از منظر اهل بیت و نسبت آن با اخلاق باور

محمد جاودان / استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب^۱

چکیده

چنین می‌نماید که سه وضع اعتقادی غلو، تفویض و تقصیر درباره امامان و پیشوایان دینی، در سخنان و مواضع امامان اهل بیت مردود شمرده شده و بر وضع اعتدالی باور تأکید رفته است. شیعه غالی یا مخالف مقصر در سخنان امامان به تباهی وصف شده و در باور به مقامات و جایگاه امامان اهل بیت این اعتدال و میانه‌روی است که به عنوان طریق حق و راه درست ترسیم گردیده است. از همین جا است که اگرچه در برخی از مصادیق جزئی و معین غلو، تفویض و تقصیر میان عالمان و متکلمان امامیه، اختلاف نظر هست، اما بر سر مردود بودن سه وضع اعتقادی یادشده، با استناد به سخنان و مواضع ائمه، دست کم در کلیت آن‌ها، اجماع وجود دارد. از سوی دیگر، توصیه‌های کلی امامان در مورد وضعیت‌های درست و نادرست باور، به نظر می‌رسد، بر این پایه استوار است که ما می‌توانیم به نحوی باورهای خود را مدیریت کرده و بر آن‌ها تسلط داشته باشیم؛ امری که مؤید وظیفه‌گرایی معرفتی در اخلاق باور است.

کلیدواژه‌ها: امامان اهل بیت، اعتدال در باور، اخلاق باور، وظیفه‌گرایی معرفتی.

عدالت اخلاقی در ارسطو و ابن مسکویه

محسن جوادی / استاد گروه اخلاق دانشگاه قم^۱

چکیده

ارسطو پس از آنکه عدالت‌های خاص مانند عدالت توزیعی (برابری و مساوات در توزیع ثروت و فرصت)، عدالت معاوضی (برابری و مساوات در معاملات و میان عوض و معوض)، عدالت تصحیحی (برابری و مساوات میان جرم و جزا) را طرح میکند در عبارتی بحث‌انگیز میگوید «چاره‌ای جز بحث از عدالت عام و عدالت سیاسی نیست». در توضیح این عبارت شارحان ارسطو اختلاف دارند ولی بیشتر ترجیح میدهند بگویند عدالت عام که همان عدالت اخلاقی است، غیر از عدالت سیاسی است که مساوات و برابری در میان شهروندان آزاد و برابر یک جامعه در مسیر تحصیل سعادت است. پرسش‌های مهمی فراروی این تفسیر است از جمله اینکه چرا ارسطو عدالت سیاسی را مانند عدالت‌های خاص دیگر در ابتدا مطرح نکرده است و اصلاً عدالت سیاسی با آن‌ها چه فرقی دارد یا اینکه عدالت اخلاقی به‌عنوان عدالت عام و فضیلت متمایز از عدالت‌های خاص دیگر، اصلاً چگونه حد وسطی است و حد وسط چیست؟ به علاوه نسبت آن با عدالت‌های خاص و به ویژه عدالت سیاسی چیست؟ و نیز نسبت عدالت اخلاقی با عمل عادلانه چیست و آیا ممکن است عدالت اخلاقی با عمل ظالمانه جمع شود. در این مقاله ضمن طرح این پرسش‌ها و جواب اجمالی ارسطو به آن‌ها مقایسه‌ای میان صورت و محتوای بحث عدالت اخلاقی در ارسطو و ابن مسکویه (کتاب تهذیب الاخلاق) صورت میگیرد تا میزان بهره‌گیری ابن مسکویه در بحث عدالت از کتاب اخلاق نیکوماخوس ارسطو مشخص شود.

کلیدواژه‌ها: عدالت، عدالت اخلاقی، عدالت سیاسی، ارسطو و ابن مسکویه.

مبانی عقلانیت عدالت تمدنی اسلام

عباس جوارشکیان / دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد^۱

چکیده

اسلام بنابر عقلانیت خاص خویش، در نظریه‌ی عدالت، مکتبی وحدت گراست و به عدالت در گستره‌ی تمدنی باور دارد. عدالت تمدنی از آنجاکه همه‌ی عرصه‌های زندگی اجتماعی و اضلاع حیات جمعی انسان را دربر می‌گیرد مستلزم اصولی است که این اصول لازم است: اولاً قراردادی و برآمده از مواضع بشری نباشند، بلکه درواقعیت وجود انسان و هستی ریشه داشته باشند. ثانیاً شمولی فرازبانی، فراسنجی، فرافرهنگی و فراتاریخی داشته باشند. ثالثاً مستظهر به بهره‌مندی از جمیع منابع و ذخایر معرفتی بشر مانند عقل، شهود، وحی و تجربه‌ی حسّی باشند. رابعاً ظرفیت تجمع و یکپارچه‌سازی همه‌ی ملاک‌ها و ارزش‌های معتبر و مقبول اجتماعی بشر چون حق، تکلیف، نفع، خیر، کمال، صلاح، خوبی و ... را داشته باشد. خامساً هم به هویت فردی وفادار باشند و هم به هویت جمعی و اجتماعی بشر. سادساً بتواند در همه‌ی عرصه‌های زندگی، هنجارها و برنامه‌های عملی را برای تحقق عدالت تبیین و ارائه نماید. این مقاله با بکارگیری روش تحلیلی و معناشناختی در حوزه آموزه‌های اسلامی تلاش دارد ضمن تبیین سرناکامی و بن‌بست نظری و عملی فرهنگ غرب در ارائه الگوی عدالت تمدنی، به وجوه توانمندی اسلام در عرضه چنین الگویی اشاره نموده و مدعی آن شود که: اسلام بر پایه‌ی آموزه‌های «توحیدی» و مفهوم اساسی و محوری «حق» در سه عرصه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و اعتبارشناسی (حقوق و ارزشهای اخلاقی) میتواند به همه اصول یادشده جامه عمل پوشیده و منادی عدالت تمدنی در همه ادوار حیات بشری باشد.

کلید واژه‌ها: عدالت، عدالت تمدنی، عقلانیت عدالت، توحید، حق



بررسی رابطه فلسفه اخلاق در رسیدن به جامعه عادلانه در عصر حاضر

مطالعه موردی: جماعت گرایان و اسلام

نیلوفر چینی چیان / دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه علوم تحقیقات تهران^۱

چکیده

پژوهش حاضر در تبیین رابطه اخلاق و سیاست به واکاوی نقش و مفهوم عدالت در عرصه اندیشه سیاسی می پردازد. عدالت همواره بر مفاهیم اخلاقی چون فضیلت، خیر و سعادت استوار است. این مفاهیم غالباً بین الاذهانی هستند و در عرصه مصادیق، اموری نسبی و ارزشی قلمداد می شوند. گزاره هایی چون صلح، گفتمان، تعادل، تساهل و مدارا، ضرورت رعایت حقوق بشر در ارتباط با عدالت به منصفه ظهور می رسند. رشد و گسترش خشونت و افراطی گری، غیریت سازی، سلطه مونولوگ بردیالوگ بیانگر ناتوانی مبانی نظری لیبرالیسم غرب به عنوان اندیشه غالب در عصر حاضر است. از اینرو از سوی طیف گوناگونی از مکاتب فکری مورد نقد قرار گرفته است. یکی از مهم ترین این نقدها از سوی متفکران جماعت گرا است. بازگشت اخلاق و فضیلت در بستر جامعه عنصر کلیدی این گفتمان فکری است. مایکل سندل، چارلز تیلور، مک آنتایر و مایکل والزر از اندیشمندان برجسته این حوزه فکری می باشند. جامعه گرایی برخوردار از آموزه هایی چون سیاست به مثابه اخلاق و فضیلت، تقدم خیر بر حق، احترام به تکثر فرهنگی و ارزشی جوامع، باز تعریفی از مفهوم عدالت و رابطه آن با اخلاق داشته است. هدف اصلی این پژوهش واکاوی مبانی نظری و معرفتی مشترک بین جامعه گرایان با مبانی معرفتی آموزه های اسلامی در رابطه با مفهوم عدالت و رابطه آن با اخلاق است. برقراری این گفتمان تئوریک برای ایران اسلامی که با نگرشی آینده پژوهانه در پی کسب اعتماد، ایجاد صلح و کسب اقتدار در تمامی سطوح و ابعاد است، گزینه ای راهبردی و مطلوب می باشد. روش پژوهش هرمنوتیک کویتن اسکینر (متن- مولف محور) است. از این روش برای بازیابی ایده های گمشده در بستر جامعه استفاده می شود.

کلیدواژه ها: اخلاق، جامعه گرایی، جامعه عادلانه، مدرنیته، اسلام.

استقرار عدالت در پرتو نظریه امامت شیعی (نظریه نصب الهی امام) با تأکید بر اندیشه رضوی

سید عبدالکریم حسن‌پور / دانشجوی دکتری مطالعات تاریخ تشیع اثنی عشری و دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی^۱

چکیده

عدالت گوهر گمشده و عدالت‌خواهی خصیصه فطری و اجرای عدالت مطالبه همیشگی جامعه انسانی بوده، هست و خواهد بود. از طرفی دیگر مروری حتی‌نہ چندان دقیق بر تاریخ بشر روشن می‌سازد که همین انسان عدالت‌طلب، با زیاده‌خواهی‌ها و حاکمیت‌طلبی‌های خود در جهت گسترش ظلم و اضمحلال عدالت سیر می‌کند. ادیان توحیدی در پاسخ به این نیاز فطری و مطالبه عمومی، حاکمیت صالحان بر آینده جهان و استقرار عدالت جهانی را به‌عنوان وعده تخلف‌ناپذیر الهی بشارت داده‌اند. این وعده قطعی در کنار باور جامعه اسلامی به انحصار حق حاکمیت بر بشر برای خداوند متعال، نشان از واگذاری حق انحصاری حاکمیت خداوند به افرادی از بشر را دارد که در سایه اعمال حاکمیت و پذیرش ولایت الهی آنان، جامعه بشری در بستری عدالت محور، به دور از ظلم و بی‌دادگری به سرمنزل مقصود و سعادت مطلوب خواهد رسید. بر همین اساس مقاله حاضر بر این تلاش است تا به روش تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات، پس از تبیین مفهوم جامع عدالت و تشریح مبانی آموزه امامت در منظومه اعتقادی شیعیان، اثبات نماید که تحقق وعده خداوند مبنی بر حکومت صالحان و استقرار عدالت جهانی، تنها در سایه نظریه امامت شیعی - امامت استمرار نبوت و منصبی الهی است که تصدی آن به نصب خداوند و نص پیامبر(ع) به افرادی مشخص واگذار شده است - امکان‌پذیر و قابل تفسیر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: عدالت، عدالت‌خواهی، امامت، نظریه نصب، حاکمیت.

اخلاق تعامل با مخالفان؛

مطالعه موردی: حوزه های مقابله امام رضا (ع) با غلات شیعه

بی بی حکیمه حسینی / استادیار دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد / دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.^۱

فاطمه صادقی / کارشناس علوم قرآن / دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد^۲

چکیده

مکتب تشیع در طول سالها دچار فراز و نشیب هایی شده است که نتیجه آن پیدایش فرق غیر معتبر می باشد. از آن جمله غلات اند، که ما به بررسی آنها می پردازیم و چون کلام معصومین در تبیین و رد غالیان بسیار حائز اهمیت می باشد در این نگارش به کلام امام رضا (ع) در رد غلات پرداختیم. غالیان دارای عقاید غلوآمیز نسبت به ائمه بوده و به همین دلیل مورد تکفیر و بیزاری آن بزرگوار قرار گرفته اند. غلات در حوزه های مختلف تاریخ شیعه تأثیر نهاده و سبب انزوای مکتب تشیع و جلوگیری از گسترش آن شده اند و ریشه اصلی آنها در این باور جاهل و نادانی و تعصب آنها بوده است. هرچند که علل بسیاری را می توان برشمرد. اما نکته قابل توجه برخورد ائمه اطهار با این فرقه می باشد که ما تنها به مقابله امام رضا (ع) با ایشان می پردازیم. حضرت رضا (ع) با برخوردی آگاهانه و با استفاده از استدلال های بسیار زیبا درحوزه های مختلفی با این قضیه برخورد کردند و در ابتدا به معرفی صفات آنها پرداخته، که از همین طریق آنها را رد می کنند و بعد با تبیین برخی از عقایدشان، باطل بودن باور آنها را اثبات کرده و سپس خیلی کوبنده تر وارد میدان می شوند و نهی از هم نشینی با آنها را بیان کرده و غلات را مورد لعن و بیزاری خود قرار می دهند و در پایان بحث به غالیان هشدار می دهند که عاقبت، دچار عذاب و هلاکت گشته و در این مسیر جز گمراهی نصیبشان نمی شود. در نتیجه حضرت امام رضا (ع) با استفاده از کلام خود و برخوردهای عملی شان و هم چنین با استفاده از آیات قرآن در تمام حوزه های اعتقادی و اخلاقی و عملی این فرقه ضاله را رد کرده اند و ما به کفر و ظلم و ضلالت آنها پی می بریم.

کلید واژه ها: امام رضا، غلات، تعامل با مخالفان، فرق شیعه، اخلاق.

1. Hosseini.dolatabad@gmail.com

2. sadeghi71@yahoo.com

اخلاق گفت و گو و همزیستی عادلانه

در قرآن و تعالیم امام رضا (ع)

بی بی حکیمه حسینی / استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم^۱

زهرا علیخانی / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم^۲

چکیده

اخلاق یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است که از ویژگی‌های درونی او حکایت دارد و بیشتر در حوزه‌ی گفتار و رفتار نمود پیدا می‌کند. در عصر جدید با رشد فزاینده بحران معنویت و نزاحمات اخلاقی، رهیافت به الگوی اخلاقی جامع و صحیح انسانی بسیار ضروری است. ائمه اطهار (ع) به‌عنوان الگوهای کامل بشری به شمار می‌روند که از میان ایشان امام رضا (ع) به جهت تجربه‌ی شرایط مختلف اجتماعی و سیاسی، فرصت مغتنمی برای آشکار سازی آداب تعامل گفتاری و رفتاری یافته‌اند. استخراج و تأسی به اصول اخلاقی حضرت می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات ناشی از بد اخلاقی و بی‌توجهی به ارتباط صحیح با دیگران باشد. بی‌تردید سخنان و عملکرد ائمه اطهار نیز همگی برگرفته از قرآن است و قرآن کریم به‌عنوان جامع‌ترین کتاب هدایت بشر، به برپایی امت واحده و دوری از تفرقه تأکید نموده و انسانها را به رفتار عادلانه می‌خواند. در این مقاله سعی شده با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی آیات و روایات هشتمین امام معصوم شیعیان بپردازد و اصول و راهبردهایی در راستای اخلاق گفت و گو و همزیستی عادلانه استخراج نماید. این پژوهش نشان داد مهم‌ترین اصول و راهبردهای گفت و گو و همزیستی عادلانه از منظر قرآن و سیره‌ی رضوی عبارت‌اند از: عفو و بخشش، وفای به عهد، خودداری از اذیت، توجه ویژه به نیازمندان، احترام به همه‌ی انسانها، کنترل زبان و پرهیز از گفتار زشت، متانت در سخن، خطاپوشی و مثبت اندیشی.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، گفت و گو، همزیستی عادلانه، امام رضا (ع)، قرآن.

1. hosseini.dolatabad@gmail.com

2. alikhany61@gmail.com

حق و عدالت

علی حقی / دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد^۱

چکیده

در این مقاله آراء سه متفکر که در باب حق و عدالت سخنان تأثیرگذار گفته‌اند طرح و بحث شده‌اند. در ابتدا معانی گوناگون حق و عدالت توضیح داده شده‌اند و سپس با استناد به آثار فیلسوفان موردنظر رأی آنان مختصر به بیان در می‌آید. این سه فیلسوف یکی رالز است و دیگری نازیک و سومی هایک است. برخی آثار این سه فیلسوف در زبان فارسی مجال انعکاس یافته‌اند. رالز با کتاب نظریه‌ای در باب عدالت، فلسفه سیاسی را که در قرن بیستم رو به انحطاط می‌رفت احیا کرد. نازیک هم وطن رالز و منتقد اوست. فون هایک در کتاب‌های محوری‌اش در فلسفه سیاسی که اینک خوش بختانه به فارسی ترجمه شده‌اند، مفهوم حق و عدالت را که از مضامین محوری کتاب‌های اوست نقادانه مورد بحث قرار داده است. پیداست آراء این سه فیلسوف در این مقاله فشرده و به اختصار به بیان در آمده‌اند. خواننده جویای حقیقت اگر از این مقاله طرفی بست می‌تواند به آثار آنان رجوع کند.

کلیدواژه‌ها: حق، عدالت، حکومت، قانون، آزادی



تعامل عدالت و احسان و تأثیر آن در پایداری جامعه انسانی

با تأکید بر مکتب اهل بیت (ع)

دکتر حبیب الله حلیمی جلودار / استادیار دانشگاه مازندران^۱

عاطفه اندرز / دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی / دانشگاه مازندران^۲

چکیده

در فرهنگ و محاوره عمومی همیشه بر ایجاد عدالت برای پایداری جوامع تأکید می‌شود و تصور می‌شود که اگر عدالت با تمام ابعادش رعایت شود افراد جامعه با آرامش و علاقه‌مندی به یکدیگر؛ مسیر تعالی را طی می‌کنند؛ درحالی‌که وقتی به سخن خدای حکیم می‌نگریم این امر به گونه‌ای دیگر بروز و ظهور دارد یعنی خدای متعال در کنار عدالت به احسان نیز توصیه می‌نماید؛ لذا این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که آیا عدالت به تنهایی کارآمدی لازم را ندارد؟ اگر اینگونه هست آیا احسان مکمل عدالت است و یا این‌که احسان نوعی دیگر از عدالت است؟ با تأکید بر شیوه توصیف و تحلیل علمی و با بررسی کتب تفسیری و روایی خصوصاً روایات اهل بیت (ع) این نتیجه حاصل شد که عدالت، قرار دادن هر چیز در جای خود است و از منظر جایگاه حقوقی، یعنی آنچه بر عهده انسان است درست انجام دهد و آنچه سهم اوست نیز بگیرد، ولی احسان به این معنا است که بیش از آنچه وظیفه انسان است انجام دهد و کمتر از آنچه حق اوست بگیرد، به این معنا که احسان در روابط انسانی، بر مدار قلب و احساسات و عواطف، می‌کوشد تا یک گام فراتر از عدالت بردارد و این امر، اجتماع انسانی را با آب لطیف محبت و عواطف، مستحکم‌تر کرده و بیش از پیش درهم آمیزد. از این روست که در سیره و سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) به تبعیت از قرآن کریم، توأمانی عدالت و احسان تأکید شده است؛ در کلام رضوی (ع) به کاربردن عدالت و احسان، از پایداری و دوام نعمت خبر می‌دهد. زیرا انسانهایی وجود دارند که به خاطر پیری، بیماری، از کارافتادگی و... توان انجام کار و تلاش برای کسب درآمد جهت تأمین هزینه زندگی خود را ندارند و در این صورت، عدالت صرف، آن‌ها را از زندگی عادی ساقط خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: مکتب اهل بیت (ع)، عدالت، احسان، واقعیت زندگی.

1. jloudar@umz.ac.ir

2. andarza.e313@chmail.ir

پژوهشی پیرامون تأثیر تراحم اخلاقی بر تحقق گفتمان عدالت

زهرا حیدری آبروان / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد^۱

محمدجواد توکلی / استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم^۲

چکیده

مفاهیم مرتبط با اخلاق و عدالت از آموزه‌های مهم معارف قرآن کریم است چراکه قرآن کریم خود را کتاب هدایت بشر معرفی نموده است و اخلاق و عدالت منتج از فضایل اخلاقی یکی از بنیادی‌ترین وجوه هدایت است. سیره‌ی ائمه اطهار که پیروان حقیقی قرآن کریم هستند نیز بر این امر تأکید دارد که عدالت و اخلاق ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند و اخلاق قادر است زمینه و شرایط اجتماعی جامعه را در سایه‌ی عمل به قرآن و سیره‌ی اهل بیت، به گونه‌ای رقم بزند که انسان بتواند با اعتصام به این دو گوهر گرانبها، به رشد اخلاقی رسیده و جامعه در سایه‌ی آن به عدالت اجتماعی نایل شود. بر همین اساس و به دلیل محدودیت جستار، این پژوهش با روش تحلیلی سامان یافته تنها به بررسی میزان تأثیر یکی از مقوله‌های اخلاق که تراحم نام دارد بر عدالت پرداخته است و نتایج ذیل را حاصل نموده است:

الف) اگر امور اخلاقی باهم تراحم داشت لازم است کار مهمتر، مفیدتر، جامع‌تر، کاملتر و کارآمدتر انجام شود و اگر با اجرای عدالت تراحم دچار تراحم گردید آنچه برای اجتماع بهتر و مفیدتر باشد باید انجام گردد.

ب) بر مسلمان لازم است که گونه‌های تراحم اخلاقی را شناخته و بحث دین درباره‌ی هر یک را بداند تا بر این اساس بتواند در مقام داوری و قضاوت عادلانه قرار گیرد و یا حداقل تکلیف خود را در هنگام تراحم میان عدالت و ناعدالتی بداند.

ج) در مواردی ممکن است تراحمات اخلاقی منجر به بحران‌های اجتماعی شده و در تقابل با عدالت قرار گیرد؛ در این صورت لازم است ابتدا مسئله اصلی شناخته شده و در مرحله بعد یکی از سه اولویت: جمع، ترجیح و یا ترک تراحم را برگزیند.

کلیدواژه‌ها: عدالت، تراحم اخلاقی، عدالت اجتماعی، آموزه‌های اهل بیت(ع).

1. zahra.heidary@mail.ru

2. tavakoli.mj@chmail.ir



دستیابی به عدالت توزیعی مبثنی بر نظام اخلاقی اسلام

سعید خدیوی / دکترای اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه^۱

چکیده

یکی از مسائل و دغدغه های هر نظام اخلاقی و هنجاری در سطح اجتماع توجه به راهبردهایی به منظور تحقق عدالت توزیعی به مثابه تقسیم عادلانه ثروت و کاهش نابرابریهای درآمدی مبتنی بر آن نظام فکری است. نظام هنجاری اسلام نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و باید به این پرسش کلیدی پاسخ دهد. بر این اساس این پژوهش با روش تحلیلی و کتابخانه ای در مرحله اول در یک رویکرد کل نگر با تمرکز به دانشهای اسلامی به کشف نظام اخلاقی اسلام در چارچوب الگوهای رشد اخلاقی پرداخته و در مرحله دوم با استناد به آیات قرآن کریم ساز و کار دستیابی به کاهش نابرابریهای اجتماعی در این نظام اخلاقی را نشان می دهد. بر این اساس در چارچوب رشد اخلاقی، نظام اسلام در یک سلسله مراتب ترتیبی سه نظام اخلاقی وظیفه گرایانه، فضیلت گرایانه و نتیجه گرایانه را تحت شمول خود قرار می دهد. در هر کدام از این مراتب وجودی با توجه به آیات قرآن کریم مشخص گردید که توجه ویژه ای به موضوع رفع فقر و کاهش نابرابریهای درآمدی مبتنی بر این نظام اخلاقی شده است، چنانچه به منظور کاهش نابرابریهای درآمدی در سطح اول که مبتنی بر نظام اخلاقی وظیفه گرایانه است، با معرفی واجبات مالی همچون زکات در کنار سایر عبادات به مثابه یک وظیفه، پس از آن در مقام بالاتر در نظام اخلاقی فضیلت گرایانه با گوشزد نمودن اهمیت انفاق و توجه به آن در پالایش ابعاد وجودی و دستیابی به "بر" و در نهایت در سطح نتیجه گرایانه با اشاره به بخشش به عنوان ویژگی رفتاری "ابرار" سعی نموده است، تا در یک رویکرد تربیتی و مرحله ای در نظام اخلاقی، عدالت توزیعی را به بهترین نحوه در اجتماع پیاده نماید.

کلیدواژه ها: رشد اخلاقی، عدالت توزیعی، اخلاق وظیفه گرایانه، اخلاق نتیجه گرایانه، اخلاق فضیلت.

عدالت، شاخصه حکومت اسلامی

علی خیاط / استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی^۱

چکیده

موتور محرکه روح عدالت در جامعه، حرکت افراد جامعه اسلامی به سوی عدالت است، اما در صورتی که این حرکت با هدایت و برنامه ریزی حکومت در تمام بخشها اعم از تقنینی و اجرایی و قضایی همراه نشود، اجرای عدالت اجتماعی، شکست خواهد خورد و جامعه به فروپاشی اجتماعی و سیاسی خواهد رسید. لذا یکی از مهم ترین اهداف شناخته شده تشکیل حکومت توسط پیامبران علیهم السلام، برقراری عدالت فراگیر در کنار رشد معنوی است. قرآن کریم، برقراری قسط و عدل را از اهداف بعثت انبیا دانسته است. در نگاه اسلام، حکومتی اسلامی است که عدالت را به نفع آحاد جامعه، به گونه پی بگیرد که آثار آن در شؤون حیاتی و اقتصادی و معیشتی افراد و خانواده ها در همه ی اقشار دیده شود و در سیاست و قانونگذاری، قضاوت و برنامه ریزی و اجرا و در برخورداریها و برخوردها جلوه کند، در مسکن و بهداشت، تحصیل و کار میزان عدالت باشد. اینها و پاره ای دیگر از اقدامات در جهت برقراری عدالت از وظایف و تکالیف حکومت است که اگر این نشانه ها دیده نشود اطلاق حکومت اسلامی بر آن مجاز و بلکه ناروا خواهد بود. این نوشتار می کوشد تا بانگاه به منابع اصیل دینی این مدعا را برپایه برهان عرضه کند.

کلیدواژه‌ها: عدالت، حکومت اسلامی، جامعه اسلامی، قسط، عدل



پارادایم رضوی در همزیستی مسالمت‌آمیز

میان باورمندان به ادیان الهی

کوکب دارابی / دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد^۱

معصومه سادات ساری عارفی / دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد^۲

وحیده فخار نوغانی / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد^۳

چکیده

بررسی مسئله همزیستی و مبانی مشترک آن به منظور برقراری تعامل مسالمت‌آمیز بین افراد جامعه و نیز جوامع مختلف اهمیت ویژه‌ای دارد. این تعامل با توجه به تفاوت افراد در حوزه باورهای دینی اهمیتی مضاعف می‌یابد، چراکه علاوه بر تنوع ادیان، وجود سطوحی از مراتب فهم در حوزه دین خاص، سبب ظهور تنوع باورهای دینی در میان جوامع است. بنابراین دستیابی به مبانی مشترکی که بتوان بر اساس آن همزیستی مسالمت‌آمیزی را در میان جوامع انسانی ترسیم نمود، حائز اهمیت می‌نماید. از جمله راه‌های احصاء این مبانی، توجه به سیره معصومین (ع) و توجه به نوع تعاملشان با پیروان سایر ادیان و مذاهب است. در میان معصومین (ع) شرایط ویژه امام رضا (ع) زمینه جستجوی این مبانی را از سیره ایشان فراهم می‌سازد. باید توجه داشت که اولاً همزیستی برپایه مبانی نظری هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، خداشناسی، نفس‌شناختی و معادشناختی استوار است. ثانیاً بر پایه مبانی نظری مذکور، راهکارهای متفاوت در حوزه‌های مختلف در سیره رضوی مطرح می‌گردد که البته با توجه به مصادیق ارائه‌شده در سیره امام (ع)، سطوح متفاوتی از همزیستی ترسیم می‌شود. ثالثاً در نهایت می‌توان گفت که همزیستی در نگاه رضوی در عین حال که فرآیندی پیش‌رونده به سمت تعامل مثبت انسان با خانواده، اجتماع مذهبی، دینی و انسانی است با این وجود مقید به مبانی نظری دینی و اصول اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برآمده از آن است که عملاً چارچوبی جهت دار را ارائه می‌دهد تا در عین این همزیستی، حفظ باورهای صحیح انسان نیز دچار آسیب نگردد.

کلیدواژه‌ها: سیره امام رضا(ع)، همزیستی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی.

1. darabikokab@yahoo.com

2. darabikokab@yahoo.com

3. Fakhar_v@yahoo.com



سیاست اخلاقی و عدالت در حکومت امام علی (ع)

فاطمه دانشور محمدزادگان / کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد^۱

سمیه طلوع برکاتی / دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران^۲

چکیده

سیاست یکی از دشوارترین دانش‌واژه‌ها در تعریف می‌باشد. با این حال اغلب تعاریف بر پیوند پایدار قدرت و سیاست اذعان دارند. این‌که سیاست را چگونه باید تعریف کرد و تابع چه چیز قرارداد، مبنای تمایز و طبقه بندی حکومت‌ها می‌شود. اگر سیاست بر اساس زور و اجبار پیش‌رود، حکومت شکل استبدادی می‌یابد. اگر مبنای سیاست قانون و مردم سالاری باشد حکومت‌های دموکراتیک و قانونی شکل می‌گیرد و در صورت آرمانی اگر سیاست تابع اخلاق باشد حکومت بر محور عدالت بنا می‌شود. بر خلاف دو شکل اول، حکومت‌ها اغلب در اجرای سیاستی که منجر به برقراری عدالت شود ناکام می‌مانند؛ زیرا فریبندگی قدرت، رؤیاپردازی، نیرنگ چابلسان، ارجحیت منافع مادی و ملموس، ناآگاهی مردم، ملاحظه‌ی مقصدورات داخلی و محذورات خارجی و مسائلی دیگر از جمله موانع همزیستی پایدار عدالت و سیاست می‌باشد. با این حال نمونه‌ای بی‌نظیر از همراهی سیاست و عدالت در تاریخ اسلام وجود دارد. امام علی (ع) سیاست را فراتر از یک قرارداد اجتماعی بین مردم و حکومت، وسیله‌ای برای بندگی خدا و خدمت به بندگانش و سعادت جامعه انسانی و از همه مهمتر اجرای عدالت می‌داند. پرسش اساسی این نوشتار عبارتست از اینکه: «چگونه قدرت سیاسی می‌تواند به برقراری عدالت در حکمرانی منجر گردد؟» با توجه به گفتار و رفتارسیاسی امام علی (ع) بنظر می‌رسد، سیاستی می‌تواند منجر به حکمرانی عادلانه گردد که تابع اخلاق بوده و در عین هدایت مردم به سمت سعادت و رستگاری، مصادیق عینی عدالت از قبیل امنیت، رفاه اقتصادی، برابری، آزادی و غیره را در جامعه فراهم سازد. بنابراین در این نوشتار سعی بر آنست مصادیق همراهی سیاست و عدالت در حکومت اسلامی امام علی (ع) تشریح گردد و در ادامه به موانع و دشواری‌های تحقق این مدل حکومتی از دیدگاه ایشان پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست، اخلاق، عدالت، حکومت، امام علی (ع).

1. Fateme.daneshvar89@gmail.com

2. s.barakati@yahoo.com



اخلاق و عدالت اسلامی

در «سیاست اموال» خواجه نصیرالدین طوسی

فاطمه دانشور محمدزادگان / کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد^۱

مریم فیله‌کش / کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد^۲

چکیده

از نظر دین اسلام اقتصاد هدف نیست بلکه ابزاری برای برطرف نمودن احتیاجات مادی و معنوی افراد جامعه است. لذا مناسبات اقتصادی باید متکی بر مراعات دیانت و عدالت باشد. شخصیت‌های بزرگ اسلامی باهدف تکامل اخلاقی موضوعات اقتصادی متنوعی را مورد بحث قرار داده‌اند. از جمله این شخصیت‌ها خواجه نصیرالدین طوسی، یکی از نظریه‌پردازان برجسته‌ی جهان تشیع می‌باشد. ایشان در کتاب اخلاق ناصری از تکامل پذیر بودن انسان سخن گفته و تحقق کمال انسانی را در درون زندگی دسته‌جمعی و همراه با رشد فضایل اخلاقی می‌داند. از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، عدالت بالاترین فضیلت اجتماعی است، عدالتی که در وهله نخست خیرات مشترک یعنی: سلامت، مال و احترام را به درستی میان افراد جامعه توزیع کند. و در فصل دوم از مقاله دوم اخلاق ناصری، (دربحث از سیاست اموال) با نگاهی اندیشمندانه، کسب، حفظ و مصرف اموال را مقید به شروطی می‌داند که بازگو کننده دیدگاه عدالت محور اسلام است. از این‌رو پرسش اساسی این نوشتار عبارتست از اینکه: «ارتباط میان اخلاق و عدالت اسلامی با مبحث «سیاست اموال» خواجه نصیرالدین طوسی چگونه است؟» و پرسش دیگر اینکه آیا «سیاست اموال» خواجه با دیدگاه اسلام نسبت به اقتصاد همراهی و سازگاری دارد یا خیر؟ یافته‌ها حاکی از آن است که شروط اخلاقی خواجه برای هریک از موارد کسب، حفظ و خرج اموال با شروط موردنظر در اسلام برای فعالیت‌های اقتصادی همخوانی دارد. لذا مقصد این مقاله بررسی جایگاه اخلاق و عدالت اسلامی در «سیاست اموال» از نگاه خواجه نصیرالدین طوسی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، اقتصاد، عدالت، خواجه نصیرالدین طوسی، سیاست اموال.

1. Fateme.daneshvar89@gmail.com

2. aryamfilekesh@yahoo.com

جایگاه اخلاق‌مداری امام رضا (ع) در تعامل با اهل کتاب در مقایسه با زمامداران مقارن

شهربانو دلبری / استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد^۱

چکیده

اخلاق‌مداری و رفتار انسانی از مقوله‌های مهم فرهنگی و از دغدغه‌های امام رضا (ع) به شمار می‌آید. ایشان با نوع رفتار عدالت‌محور خود بار دیگر احترام به حقوق انسانی و شهروندی را یاد آور شدند. تاثیر عملکرد حضرت در میان گروه‌های غیر مسلمان به تمایل آنان به اسلام انجامید. رعایت شئون اخلاقی از سوی نواده‌ی پیامبر اسلام در ناحیه‌ای بزرگ از استپ‌های آسیای مرکزی و هند و چین و خراسان بزرگ مطمئناً بی‌تاثیر نبود. یافته‌های مقاله‌ی حاضر نشان‌دهنده‌ی آن است که با مقایسه‌ی تطبیقی و عملکرد اخلاق‌محور امام با سایر زمامداران وقت آن حضرت بسیار به اصول دموکراسی و اعطای اندیشه‌ی آزاد که بسیاری در جهان مدرن از آن یاد می‌کنند نزدیک بوده است و می‌تواند الگویی برای جهان بشری گردد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (ع)، تمدن اسلامی، اهل کتاب، اخلاق اسلامی، تاریخ و فرهنگ اسلامی.



واکاوی مفهوم گفتگو در سیره رضوی

با تکیه بر نظریه کنش ارتباطی

ادریس راموز / پژوهشگر پژوهشکده نوین شهر معنوی ثامن و دانشجوی دکتری جامعه شناسی نظری - فرهنگی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه^۱

حسین مهربانی فر / پژوهشگر پژوهشکده نوین شهر معنوی ثامن و دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)^۲

چکیده

انسان به عنوان موجودی اجتماعی همواره از گفتگو به عنوان مهم ترین وجه مدنیت در جهت ایجاد تفاهم و رفع اختلافات و رشد اندیشه، بهره می برد. در مکاتب مختلف فکری و فلسفی و همچنین در سنت اسلامی همواره گفتگو به عنوان ابزار فهم دیگری فرهنگی، حل منازعت و گسترش تفاهم مورد توجه واقع شده است. تا آنجا که از رویکرد و منظر علوم مختلف بدان نگریده شده و در باب آن نظریه پردازی شده است. امروزه با عنایت به اهمیت بازتولید متون دینی در علوم انسانی مقتضی است، روشی اخذ شود تا بتواند علاوه بر فهم دقیق این مفهوم در حوزه اندیشه انسانی، قادر به پیجویی در متون دینی نیز باشد، از این جهت نوشتار حاضر در راستای شناخت هر چه بیشتر متون دینی در باب مفهوم گفتگو بر روی سیره رضوی به عنوان امام گفتگو متمرکز شده است. شایان ذکر است هدف این پژوهش مطالعه و تمرکز بر سیره رضوی در قالب گفتگوی میان فردی و گروهی به منظور فهم کیفیت و کارکردهای گفتگو در سیره عملی امام رضا (ع) و در نهایت تحلیل آن بر اساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس می باشد. مطالعه گفتگوهای امام رضا (ع) با تکیه بر سیره نگاشت ها ما را به این نتیجه رساند که گفتگوهای آن حضرت دارای مشخصه هایی از قبیل؛ «کنشی تعامل محور»، «کنشی انتقادی و استدلالی»، «کنشی ضرورت محور»، «ارتقای خودآگاهی»، «نقش کاتالیست (تسریع کننده) برای مخاطب» و... داشته است. تحلیل این یافته ها بر اساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس، اشتراک و قرابت بسیار زیاد این دو رویکرد به گفتگو را در عین تفاوت در بنیان های معرفتی نتیجه داد.

کلیدواژه ها: گفتگو، سیره رضوی، امام رضا (ع)، کنش ارتباطی، هابرماس.

1.edris.ramooz@gmail.com

2. h.mehr2009@gmail.com

گفتمان رضوی؛ الگوی گفت‌وگوی اخلاقی و هم‌زیستی عادلانۀ ادیان و مذاهب در دنیای امروز

حسینعلی رحمتی / دانشجوی دکتری محقق فلسفه اخلاق حوزه علمیه قم^۱

چکیده

تعامل و گفت‌وگوی رهبران و پیروان ادیان و حتی مذاهب گرچه امری بی سابقه نیست ولی امروزه به دلایلی چون انجام کارهای غیراخلاقی و غیرعقلانی به نام دین و مذهب در نقاط مختلف دنیا، و تشدید حمله‌ها علیه دین و دین داری از سوی دیگر، ضرورتی دوچندان یافته است. این گفت‌وگوها می‌تواند تا اندازه زیادی موجب کاهش سوءاستفاده یا سوءبرداشت از دین، کاهش نزاع‌های بی حاصل، رفع کدورت از چهره دین، و کاهش درد و رنج انسان‌ها شود. از نظرگاه مقاله حاضر، گفت‌وگو و تعامل ادیان و مذاهب، هم فعلی اخلاقی است هم بایستی با مراعات اخلاق گفت‌وگو و در یک فضای گفتمانی مبتنی بر عناصر مشترک و همگن انجام شود. مقاله حاضر به این پیش فرض که با بهره‌گیری از سیره امام رضا(ع) در مناظره و گفت‌وگو می‌توان یک مدل (پارادایم) اخلاقی برای گفت‌وگوهای بین‌ادیانی و درون‌ادیانی طراحی کرد، ضمن تبیین مبانی این الگو، بیست درس و نکته اخلاقی درباب مناظره و گفت‌وگو را از سیره رضوی استخراج کرده است. مقاله در دو بخش سامان یافته است. در بخش اول ضرورت‌های اخلاقی گفت‌وگوی ادیان بیان شده، و در بخش دوم درس‌ها و اصولی که از سیره مناظره رضوی برای گفت‌وگوی ادیان و مذاهب در عصر حاضر کاربرد دارد به تفصیل بیان گردیده است. در پایان نیز به‌طور مختصر به مبانی این مدل گفت‌وگویی و چالش‌های فراروی اجرای آن اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق مناظره، سیره اخلاقی امام رضا(ع)، گفت‌وگو در اسلام،

روش نقد اندیشه‌ها، تعامل عادلانه ادیان.

نظام چندصدایی در مناظرات امام رضا (ع)

با رویکرد نظریه «منطق مکالمه» باختین

جواد رحیمی / دانشجوی دکتری فلسفه غرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار^۱

سید محمد کاظم علوی / دکترای فلسفه اسلامی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار^۲

زهرا حشمتی فر / دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه حکیم سبزواری^۳

چکیده

مناظره نوعی گفت‌وگوی علمی، هدفمند و سازمان‌یافته است که باهدف شناخت آراء و نظرات دیگری صورت می‌پذیرد. مایکل باختین، مفاهیم کلیدی «منطق مکالمه» و «چندصدایی» را در مقابل نظام تک‌آوایی در عرصه رویکردهای زبانی و ادبی ارائه کرده است. هدف این پژوهش، بررسی به‌کارگیری ابزار کارآمد مناظره توسط امام رضا (ع) بر اساس نظریه منطق مکالمه باختین است. در همین راستا، این نوشتار می‌کوشد به روش تطبیقی تحلیلی، با بررسی نحوه مناظرات امام رضا (ع) جهت پاسداری از حریم عقاید اسلامی در برابر امواج سهمگین حملات مکاتب و فرقه‌های مختلف به اصول و فروع اسلام، ارائه پاسخ متقن به طرف مقابل و بهره‌جستن از نقاط مشترک بین الادیانی برای رفع اختلافات فکری و اعتقادی، تصویری روشن از حاکمیت نظام چندصدایی بر فضای مناظرات آن حضرت با علمای سایر مذاهب و ادیان و مکاتب الحادی مدعی توحید ارائه کند. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که امام رضا (ع)، با عبور از مرزهای خودمحوری و دگماتیسم غیرمنطقی، بهره‌گیری از شیوه‌های منطقی استدلال عقلی، احاطه کامل به مبانی فکری و مشترکات اعتقادی و دینی طرف مقابل، تحمل صداهای دیگران باهدف تقریب مذاهب و با احیای سنت مناظره سالم فصل جدیدی به روی فضای حاکم بر مناظرات گشوده است. نتیجه این‌که مناظرات امام رضا (ع) را می‌توان یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های بازتاب علوم ناب رضوی در قالب گفت‌وگوی چندصدایی دانست که می‌تواند با رویکرد نظریه منطق مکالمه باختین مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نظریه منطق مکالمه، مناظرات مذهبی، چندصدایی، باختین.

1. rahimi2715@yahoo.com
2. alavismk@yahoo.com
3. heshmatifar50@gmail.com

عدالت نسبت به نسل‌های آینده

در استفاده از منابع طبیعت از دیدگاه فرهنگ رضوی

مرتضی رحیمی / استادیار علوم قرآن و فقه دانشگاه شیراز^۱سمیه سلیمانی / کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز^۲

چکیده

در پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش «رعایت عدالت و احساس مسئولیت در حفظ منابع طبیعی و پیشگیری از مشکلات زیست‌محیطی چه جایگاهی دارد؟» و مانند آن اشاره شده که اطلاق ادله عدالت نشانگر آن است که در استفاده از منابع طبیعت، عدالت به نسل حاضر محدود نشده و نسل‌های آینده را نیز دربرمی‌گیرد، لذا عدالت شیوه تولید و توزیع مستمر فعالیت، جهت رسیدن و حفظ نمودن توانمندی متوازن همگان به‌طور یکسان است، با توجه به معنای لغوی عدالت وقتی هر چیز در جای خود قرار گیرد، تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به‌وجود می‌آید. ویژه سازی اموال و منابع طبیعی، با عدالت همخوانی نداشته و از دیدگاه فرهنگ رضوی حرام است، زیرا استفاده از منابع طبیعی و داشتن یک محیط‌زیست سالم حق همه انسان‌ها، از جمله نسل‌های آینده بوده و همه مردم به عدالت اجتماعی موظف هستند، امام رضا (ع) به کار بستن عدالت و نیکوکاری را عامل پایداری نعمت‌ها برشمرده و علی (ع) تهی‌دستی مردم را معلول ویرانی و توسعه‌نیافتگی و استفاده نکردن یا استفاده بهینه (عادلانه) نکردن از امکانات بالقوه دانسته‌اند. تأکید امام رضا (ع) بر «حسن تدبیر» و «تقدیر در معیشت» نشانگر لزوم عدالت همه مردم، حتی نسل‌های آینده در استفاده از منابع طبیعی است. نکوهش اسراف و تبذیر توسط آن حضرت و توصیه ایشان به امر به معروف و نهی از منکر با توجه به دامنه گسترده، استفاده بهینه از منابع طبیعی را نیز شامل می‌شود. هدف از پژوهش حاضر نشان دادن اهتمام اسلام به عدالت حتی در مورد نسل‌های آینده و در نتیجه اهمیت حفظ محیط‌زیست است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (ع)، عدالت، حسن تدبیر، منابع طبیعی، نسل آینده.

1. mrahimi@shirazu.ac.ir

2. s.soleimani23@gmail.com

حکومت و ارزش‌های اخلاقی در آموزه‌های رضوی:

نقدی بر لیبرالیسم اخلاقی در باب حکومت

احمد رزمخواه / استادیار معارف اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری^۱

زیبا رودی / کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق جامعه المصطفی العالمیه مشهد^۲

چکیده

آموزه‌های رضوی در باب اخلاق فردی، اجتماعی، اخلاق در خانواده، اخلاق حرفه‌ای و ... گستره وسیعی از مباحث گوناگون را به خود اختصاص داده است. با تمرکز و تأمل بر اخلاق سیاسی از دیدگاه حضرت رضا (ع) که در دو حوزه نظری و عملی (پذیرش اجباری ولایتعهدی) خود را نمایان ساخته است؛ به حکمت و اندرزهای ارزشمندی در باب حکومت و ارزش‌های اخلاقی، می‌توان دست‌یافت. اهتمام همیشگی ائمه طاهرین در بسط و گسترش ارزش‌های اخلاقی در ساحت‌های گوناگون و از جمله در زمینه سیاست و مناسبات حکومتی چشم اندازه‌های گسترده و فوق‌العاده زیبا از زندگی معصومان را در باب ارزش‌های اخلاقی، ترسیم می‌کند. با نظر به این آموزه‌ها و تفکر در مفاهیم والای آن‌ها، زمینه نقد جدی به نسبت اخلاقی و پلورالیسم اخلاقی فراهم می‌آید و به تبع آن اتخاذ موضع بی‌طرفانه از سوی روایت‌های لیبرالی در قبال ارزش‌های اخلاقی با مشکلات جدی رو به رو می‌شود. برای نمونه امام هشتم (ع) با پذیرش ولایتعهدی از سویی دخالت در امور حکومتی، یادآور این مطلب مهم می‌شود که اعمال غیر اخلاقی حکومت وقت و ظلم‌هایی که به قشرهای مختلف از طریق گوناگون اعمال می‌شود. از نظر ایشان کاملاً محکوم است و ایشان به هیچ وجه بقای حکومت را با زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی بر نمی‌تابند و به عبارت دیگر اخلاق ماکیاولیستی نه‌تنها در آموزه‌های رضوی جایگاهی ندارد بلکه مورد شدیدترین و جدی‌ترین نقدها قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: حکومت، ارزش‌های اخلاقی، لیبرالیسم اخلاقی، مکارم اخلاقی

سیاسی، امام رضا (ع).

1. razmkhah.a@chmail.ir

2. z.roodi@chmail.ir

بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی

از نظر رالز و استاد مطهری

زهرا رسولی / دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد/ عضو هیئت علمی دانشگاه بجنورد^۱

جهانگیر مسعودی / دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

دیدگاه عدالت اجتماعی جان رالز در قالب «نظریه عدالت به مثابه انصاف» از معروف‌ترین دیدگاه‌های حاکم در عرصه سیاسی و اجتماعی است. این موضوع در اسلام نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به تعبیر استاد مطهری عدالت به‌عنوان فلسفه اجتماعی اسلام مطرح شده است. این پژوهش ابتدا محورهای اصلی و اصول نظریه عدالت رالز را بر مبنای کتاب «نظریه‌ای درباره عدالت» بیان کرده و به بیان دیدگاه استاد مطهری می‌پردازد، سپس این دو دیدگاه را مقایسه کرده و به این نتیجه می‌رسد که این دو متفکر علیرغم تعلق به دو فرهنگ و اندیشه متفاوت که باعث تفاوت‌هایی در دیدگاه آنان در حوزه روش، اصول و قلمرو عدالت می‌گردد مانند عدول رالز از روش سنتی تحلیل مفهومی واژه عدالت و تأکید مطهری بر آن برای ارائه تعریفی جامع و مانع از عدالت، محدود بودن قلمرو عدالت اجتماعی رالز به ساختار نهادهای اساسی جامعه و گستردگی قلمرو عدالت اجتماعی موردنظر مطهری به عدالت فردی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی، طرفداری رالز از عدالت رویه‌ای محض و نزدیکی دیدگاه مطهری به عدالت رویه‌ای کامل اما این دو اندیشمند در اموری چون توجه به انسان به‌عنوان هدف نه وسیله، تأکید بر جایگاه محوری عدالت در ساختار جامعه، اهمیت دادن به عقل در ادراک اصول عدالت، نگاه وظیفه‌گرایانه و فرادینی به عدالت، توجه به استحقاق‌ها اشتراک نظر دارند.

کلیدواژه‌ها: عدالت، وضعیت اصیل، حقوق طبیعی، عقلانیت، مطهری، رالز.

تبیین فرهنگ عدالت باوری

بر محور آموزه‌های رضوی نیاز عصر حاضر

نجمه رضانژاد جولایی / دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس^۱

چکیده

تحقق عدالت از آرمان‌های همه انبیای الهی و یکی از منویات اصلی همه مصلحان جهانی است. در تفکر اسلامی شیعی، عدالت در ردیف اصول اعتقادی و شیوه مدیریت حق در آفرینش و یکی از پایه‌های ایمانی مومن است. ضرورت بحث از عدالت در جهان امروز به دلیل پدیدارهای فزاینده بی‌عدالتی و قربانی شدن استعدادها بی‌شمار از یک سو، فناوری‌های نوین، هم‌آمیزی فرهنگ‌ها، ظهور مشرب‌های فکری گوناگون، دین - ستیزی و رشد فعالیت‌های اسلام هراسی از سویی دیگر است. لزوم کنش صحیح در قبال این چالش‌ها و اتخاذ روش‌های اندیشمندانه برای گذر از این شرایط نابسامان را می‌طلبد. بر این مبنا، ضرورت طراحی الگویی فرا زمانی، فرامکانی و فرافرهنگی با تمرکز بر اصول مشترک انسانی در جهت تبلور شاخص‌های عدالت باوری و عدالت محوری در شاکله نسل جدید که با سهمگین‌ترین توفان‌های بنیان‌برانداز فکری و فرهنگی احساس می‌گردد. در این راستا، با نظر به جهان شمولی آموزه‌های اسلام و شاخصه عدالت باوری آن در تفکر شیعی، بازخوانی این ذخایر بی‌بدیل به‌عنوان منشور گفتگوها و تعاملات بشری مبنای این نوشتار قرار گرفته است. اتخاذ آموزه‌های رضوی به‌عنوان چارچوب راهنما به دلیل ویژگی‌های دوران امامت حضرت و برخورد پویا، هدفمند و اندیشمندانه امام رضا(ع) با مسائل در دوره‌ای پرتنش می‌باشد که نگارنده تلاش نموده به روش توصیفی تحلیلی با ابتناء به آموزه‌های حضرت ضرورت تبیین فرهنگ عدالت باوری را به‌عنوان یک آموزه ارزشی و فرافرهنگی اسلام به تصویر کشد تا به مدد آن بتوان در یک فرایند پویا گامی موثر در تعدیل چالش‌ها و اجتناب از انزوای فکری عقیدتی در جهان امروز برداشت.

کلیدواژه‌ها: اسلام، امام رضا(ع)، عدالت، فرهنگ، تفکر شیعی.



در اخلاق اجتماعی از منظر نهج البلاغه

سهیلا رضائی / دانشجوی کارشناسی ارشد نهج البلاغه دانشگاه یزد^۱

احمد دبیری / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یزد^۲

مرتضی نصراللهی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یزد^۳

چکیده

گزاره‌های کلی و تجویزی که بیان‌گر راه‌کارهای چگونگی رسیدن به اهداف است اصول‌نایمیده می‌شود. با دستیابی به اصول، سیر رسیدن به اهداف اخلاق اجتماعی آسان‌تر می‌گردد. با معرفی اصول عام و خاص اخلاق اجتماعی می‌توان به درستی به اهداف اخلاق اجتماعی موردنظر دست یافت. خدامحوری، نظارت‌محوری، اصلاح‌تدریجی جامعه، تزکیه و تربیت افراد جامعه، فناپذیری دنیا و آخرت‌گرایی از اصول عام؛ و تقوا، عدل، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق، ایثار، خوش‌خوئی و خوش‌روئی، تواضع و فروتنی، تعاون و همدلی از اصول خاصی می‌باشند که موردتوجه در منابع دینی از جمله نهج البلاغه است. از میان اصول بررسی شده، اصل عدالت نقشی محوری داشته و به نوعی معیار و میزان در برقراری درست و بجای دیگر اصول است؛ با توجه به این اصل، انسان‌ها در انجام امور خیر به افراط و تفریط کشیده نمی‌شوند و در مسیر هدایت، استقامت ورزیده و به سعادت می‌رسند. از این‌روی، عدالت به‌عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین اصل از اصول اخلاق اجتماعی و یاری‌گر انسان در رسیدن به کمال و سعادت واقعی است. ما در این تحقیق به این مسائل از منظر امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام، و با تأکید بر «نهج‌البلاغه» پرداخته ایم. عدالت به‌عنوان اصلی مبنا می‌تواند در تمام حوزه‌های اجتماعی اعم از حوزه حکومت یا قانون، قضاوت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ نقشی تعیین‌کننده داشته و در رساندن مردم به خیر و آرامش و آسایش مؤثر واقع شود. بررسی رابطه‌ی اصل عدالت با دیگر اصول و نشان دادن راه درست و روشن زندگی تنها با توجه به این اصل، از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، اخلاق اجتماعی، اصول، امیرالمؤمنین، نهج‌البلاغه.

1. Soheila.rezaee1369@gmail.com

2. dabiri@yazd.ac.ir

3. m.nasr@yazd.ac.ir

ارتباط مفهوم عدالت و مقام خلیفه الهی انسان

در اندیشه جلال‌الدین دوانی

الیه زارع / دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد^۱

چکیده

مقام «خلافت الهی انسان» به منزله عالی‌ترین درجات کمال نفس، از اساسی‌ترین مباحث در حوزه دین و عرفان است. جلال‌الدین دوانی (۹۰۸ ه. ق)، از حکمای مکتب شیراز مبحث خلیفه الله بودن نفس انسان را در مباحث مربوط به اخلاق بیان کرده است. بر این اساس نفسی را خلیفه الله می‌داند که از بعد نظر و عمل، به نهایت کمال برسد. تا حدی که مخلوق به اخلاق الله و تشبیه به صفات خداوند پیدا کند. زیرا خلافت، همان قائم مقامی و جانشینی است و این امر حاصل نمی‌شود مگر آنکه خلیفه در همه شئون، حکایت‌گر و نمودار شخص جانشین باشد. با تعریفی که وی از عدالت به‌عنوان ملکه رعایت اعتدال در جمیع افعال دارد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مصداق خلیفه الله، فردی است که به ملکه عدالت رسیده است. چون نفس انسانی مرکب از امیال مختلف و گاه متضاد است و کشش به هر میلی متضمن دور شدن از امیال دیگر است، بنابراین کمال همه جانبه نفس انسان تنها در گرو اعتدال و توسط بین طرفین متقابل امیال است و این همان معنای «عدالت» است. دوانی، در بیان اختصاص مقام خلیفه الهی به انسان نیز از مفهوم اعتدال استفاده کرده است. این که کمالات انسان بر خلاف سایر موجودات به یک مرتبه وجودی خاص منحصر نیست، موجب برتری و استحقاق وی برای داشتن چنین مقامی می‌گردد. انسان بر خلاف سایر موجودات با رعایت تعادل و اعتدال می‌تواند همه مراتب وجودی را درنوردد و کمالات هر مرتبه را دارا شود، بدون این که محدود و متوقف در هر مرتبه گردد. در صورتی که موجودات دیگر تنها منحصر در یک مرتبه بوده و به همین جهت فاقد کمالات مرتبه دیگر هستند که همین امر موجب ناقص بودن کمالات آن‌ها می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جلال‌الدین دوانی، خلیفه الله، قوای نفس، عدالت، مقام معلوم نداشتن

نفس.

آثار کرامت انسانی از دیدگاه امام رضا(ع) در تعاملات اجتماعی با غیرمسلمانان

زهرا زحمتکش / کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد^۱

اردشیر اسدیگی / استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد^۲

چکیده

در دنیای امروز مسلمانان از یک سو در پی بازسازی تمدن نوین اسلامی هستند و از سوی دیگر جهان امروز به گونه‌ای شکل گرفته است که بدون رابطه‌ای صحیح با دیگران به اهداف و آرمان‌های خود نخواهد رسید. بنابراین یافتن معیار اخلاقی برای برقراری ارتباط صحیح مسلمانان با غیر مسلمانان ضرورتی اجتناب ناپذیر است. امام رضا(ع) که جانشین به حق پیامبر اکرم(ص) هستند نیز با تأسی از قرآن کریم و سیره نبوی با معرفی و به یادداشتن اسلام ناب محمدی به‌عنوان دینی جهانی و جاودانی با کردار و گفتارشان به آموزه‌های اسلام از جمله توجه به کرامت انسانی پیروان ادیان پرداخته‌اند و آثاری را به ما نشان داده‌اند. مقاله حاضر می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد آثار کرامت انسانی از دیدگاه امام رضا(ع) در تعاملات اجتماعی با غیر مسلمانان چگونه بوده است؟ به نظر می‌رسد از منظر رضوی توجه به آثار کرامت انسانی در زندگی اجتماعی سبب ایجاد هم‌زمانی و نهایتاً همدلی بین همه افراد جامعه از هر دین و آیینی می‌گردد. یافته‌های تحقیق که با رویکرد توصیفی - تحلیلی حاصل شد نشان می‌دهد که آثار کرامت انسانی از دیدگاه امام رضا(ع) در رفتار با غیر مسلمانان را می‌توان در عدل و انصاف، مدارا و تسامح دینی، وحدت، حسن خلق، احترام به مقدسات و... اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: کرامت انسانی، سیره امام رضا(ع)، غیر مسلمانان، اخلاق، عدالت.

1. z.zahmatkesh1@yahoo.com

2. jafar.asadbeigi@gmail.com

پارادایم رضوی در ایجاد وحدت و همگرایی امت اسلامی

محمدتقی سازندگی / دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه پیام نور قم^۱

چکیده

دوره اول حکومت عباسیان (۱۳۲-۲۳۲ه.ق) دوره‌ی ظهور و بروز فرقه‌های فکری و اختلافات اعتقادی و بدعت‌گزاری در دین بود، علاوه بر آن پیدایش جریان‌های نظامی و قیام‌های علویان و غیرعلویان و نیز تنازع بر سر حکومت و قدرت، یکپارچگی امت اسلامی را دچار چالش جدی کرده بود. سؤال اصلی و اساسی این مقاله این است که آیا حضرت رضا(ع) جهت تحقق وحدت امت اسلامی اقدام و عملی انجام داده است؟! و چه شاخص‌هایی را در ایجاد وحدت و همگرایی مدنظر قرار داده است؟! این پژوهش، دیدگاه امام رضا(ع) در مورد وحدت و همگرایی را واکاوی نموده و با ذکر مواضع و فعالیت‌ها، سیره‌ی عملی ایشان را در ایجاد وحدت جامعه‌ی اسلامی به‌عنوان یک الگو معرفی می‌نماید. هدف از این مقاله بررسی پارادایم مدیریتی امام رضا(ع) در راستای ایجاد وحدت و همگرایی امت اسلامی است. در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش توصیف و تحلیل و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، شاخص‌های وحدت‌گرایی در سیره‌ی رضوی را بررسی می‌کنیم. یکی از نتایج و دستاوردهای این پژوهش، ارائه‌ی راه‌کارهای عملی و بیان ابعاد وحدت اسلامی از دیدگاه امام رضا(ع) است. دستیابی به الگوی مناسب در راستای ایجاد وحدت‌گرایی و همگرایی در جهان اسلام، از جنبه‌های نوآوری این مقاله شمرده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امام رضا(ع)، امت، پارادایم، وحدت، همگرایی.



نقش عدالت محوری در شکوفایی تمدن اسلامی

با نگاهی به آموزه‌های رضوی

نرجس خاتون سرحدی نسب / دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی
دانشگاه فردوسی مشهد^۱

محمد رضا کیخا / استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان^۲
علیرضا سرحدی نسب / کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد زاهدان^۳

چکیده

در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و در قالب توصیفی تحلیلی به مفهوم شناسی و تعریف و موارد کاربرد عدالت و قسط، در قرآن و روایات پرداخته شده است. به گونه‌ای که علاوه بر جنبه قضائی و حقوقی که در قبل از اسلام به آن توجه می‌شده و بیشتر جهت فردی عدالت مورد تأکید بوده، به زاویه اجتماعی عدالت در حوزه‌های مختلف نظیر عدالت اقتصادی و اخلاقی و بین‌المللی که دستاورد تمدن اسلامی است اشاره شده است و اینکه عدالت محوری در شاخصه‌های عملی تمدن اسلامی اثر گذاشته و موجب فراهم آوری عناصر پایین دست، نظیر اخلاق‌مداری و مبارزه بر عقاید باطل شد؛ در این میان با توجه به ولایت عهدی سه ساله حضرت رضا علیه‌السلام معیار‌هایی برای ایجاد عدالت، در صورت به دست گرفتن مسئولیت و حکومت توسط ایشان وجود دارد که مورد غفلت دولت مردان و مجریان قوانین اسلامی از گذشته تا کنون بوده است؛ و در نتیجه با وجود اینکه عده‌ای خواسته‌اند مفهوم عدالت را در فضای قضائی و فردی خلاصه کنند و آن را صرفاً درجایی اجراء و معنا کنند که کسی به دادگاه رجوع کرده و متقاضی بستاندن حق خود شده است، این تمدن اسلامی بود که با گسترده کردن معنای عدالت، در مفاهیم اجتماعی و کاربردی نظیر دوری از افراط و تفریط و قرارگرفتن هر چیزی در جای مناسب، استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، عدالت محوری، گستره عدالت، شاخصه‌های تمدن

اسلامی، امام رضا(ع).

1. narges_srdn@yahoo.com
2. kaykha@hamoon.usb.ac.ir
3. gsarhadinasab@yahoo.com

فقه دادگر

محمد سلطانی رنانی / استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان^۱

چکیده

آیات پرشمار، روایات متواتر، اجماع همه فرق اسلامی و دلیل قطعی عقلی بر این دلالت می کند که خداوند ستم نمی کند؛ افعال، احکام، پاداش و کیفر الهی بر اساس عدل استوار است و هیچ ظلمی در آن‌ها یافت نمی شود. متکلمان مسلمان در تفسیر و بیان عدل الهی دو راه متفاوت پیموده اند: جبرگرایان بر آنند که هر کاری که خداوند انجام دهد، عدل است. و عقل توانایی درک صحیح مفاهیم اخلاقی را ندارد؛ بلکه حسن و قبح، و عدل و ظلم را شرع تعیین می کند. عدلیه (معتزله و شیعه) بر آنند که درک عقل از حسن و قبح معتبر است و آنچه که عقل قبیح ببیند، از خداوند منتفی و مسلوب است پس عدل الهی بدین معناست که آنچه عقل ظلم بشمارد، خداوند انجام نخواهد داد. این دو دیدگاه، آثار بسیار کلامی در پی دارد و البته در فقه نیز تأثیرگذار است. بر اساس مبانی عدلیه، هیچگاه ظلم و حکم ظالمانه از خداوند صادر نمی شود؛ پس همه احکام و آراء فقهی بر پایه عدل بنا گذاشته شده و آنچه که به ظلم بی انجامد، از شرع مقدس منتفی و مسلوب است. فقیهان شیعه در کتب فقه، قواعد فقهی و اصول فقه بدین قاعده فقهی تصریح کرده اند و آن را نتیجه جریان اصل عدل الهی در حوزه فقه دانسته اند. تصریح عالمان شیعه به جریان این قاعده و ذکر برخی از موارد تطبیق آن، دستمایه خوبی برای طرح قاعده نفی ظلم و نگرشی عدلی به مسائل و احکام فقهی می باشد. جریان قاعده نفی ظلم در فروع فقهی؛ فتاوی یا وجوه فقهی که با اصل عدل الهی سازگار نیست را مردود می کند و بدین واسطه بسیاری از شبهات و ذهنیت های منفی نسبت به فقه و کلیت دین را از میان می برد.

کلیدواژه ها: عدل الهی، حسن و قبح عقلی، قاعده نفی ظلم، فقه دادگر.

کرامت انسانی مهم ترین اصل اخلاق

همزیستی اجتماعی در سیره رضوی

سمیه سلیمانی / کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز^۱

مرتضی رحیمی / استادیار علوم قرآن و فقه دانشگاه شیراز^۲

چکیده

در پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش هایی، همچون «شاخصه های همزیستی اخلاقی در سیره امام رضا(ع)» کدم اند و... اشاره شده که عدالت و کرامت انسانی رابطه ی متقابل دارند. ظلم و بی عدالتی، از تحقیر و بی اعتبار ساختن انسان ها نشأت گرفته و حفظ کرامت انسانی از پایه های اصلی عدالت در جهان است، از همین رو در نگاه اسلام، کرامت انسان، محور و پایه ای محکم برای اخلاق بوده و عدم رعایت آن تعرض به انسانیت است. بهترین روشی که سعادت اکثری بشر را تأمین می کند رعایت ارزش های اخلاقی در همزیستی است. عدالت باید همزیستی سعادت مندانه را تضمین کند. عدالت به این معنا، که حق حیات، کرامت، صیانت و رشد برای آن افراد و جوامع شناخته شده شود. همزیستی مورد نظر قرآن همزیستی اخلاقی است، که عبارت است از: «برقراری روابط با هر یک از افراد و گروه های اجتماعی بر مبنای ارزش های اخلاقی و با رویکرد تربیتی، که به هم افزایی فضایل اخلاقی انجامیده و از ترویج رذایل اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی می کاهد. این نگرش، در رفتار ائمه از جمله امام رضا (ع) تجلی یافته است. در اخلاق ایشان کرامت انسانی اصل بسیار محوری است که بر پایه آن، رفتارهای حضرت با دیگران محقق شده است. مناظره های ایشان پیام آور این رابطه ی مسالمت آمیز و همزیستانه بین مذاهب اسلامی و نیز ادیان مختلف است. همزیستی اخلاقی ایشان با مؤمنین، پیروان ادیان دیگر و دشمنان، با تکیه بر محبت، صبر، احسان و مدارا، عدالت و بسیار بارز است، از این رو هدف از این پژوهش اثبات نقش کرامت انسانی در تحقق همزیستی مسالمت آمیز است.

کلیدواژه ها: امام رضا (ع)، عدالت، کرامت انسانی، همزیستی.

1. s.soleimani23@gmail.com

2. mrahimi@shirazu.ac.ir

نقش مسئولیت سیاسی-اجتماعی انسان در قبال عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم

سید کاظم سیدباقری / استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی^۱
بتول ملاشفیعی / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان^۲

چکیده

در مبانی انسان شناختی عدالت بر این امر تأکید شده است که یکی از اصلی‌ترین امتیازات آدمی آزادی، اختیار و حق انتخاب می‌باشد و این حق، برای او مسئولیت به همراه می‌آورد. انسان، مسئول است زیرا که آزاد است و عقل دارد و این مسئولیت در عرصه سیاسی اجتماعی باید به کار گرفته شود تا در جامعه اسلامی، عدالت فراگیر شود. در فرهنگ اسلامی، انسان نمی‌تواند در برابر جامعه خویش خاموش و ساکت و بی‌مسئولیت باشد و هر رفتار ناشایستی را که در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌بیند، بپذیرد و تسلیم باشد، بلکه بر اساس مبنای مسئولیت‌داری انسان، او نباید ستم کند، نباید آن را بپذیرد، بلکه در جهت فراگیر شدن عدالت، فعالیت کند. با توجه به این مبنای مهم، پرسش اصلی در این مقاله آن است که نقش مسئولیت سیاسی-اجتماعی انسان در قبال عدالت اجتماعی چیست، و در پاسخ آن بر این فرضیه تأکید شده است که در معارف و اندیشه سیاسی اسلام، سازکارهایی سنجدیه و کارآ مانند امر به معروف و نهی از منکر، تکافل و همیاری سیاسی-اجتماعی و اصل نصیحت ائمه مسلمین پیش بینی شده است، که هر کدام می‌توانند خمودگی را از جامعه اسلامی دور و حرکت آن را به سوی عدالت اجتماعی هدایت کند.

کلیدواژه‌ها: اختیار، انتخاب، مسئولیت سیاسی، مسئولیت اجتماعی، جامعه

اسلامی.

1. sbaqeri86@yahoo.com
2. n.shafii82@gmail.com

عدالت و قلمروهای آن در فلسفه سیاسی

محمد شجاعیان / استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه^۱

چکیده

عدالت یکی از مهم‌ترین مفاهیم در عرصه حیات فردی و اجتماعی است. در بسیاری از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی، عدالت اهمیتی فراگیر و جنبه‌ای محوری دارد و مفهوم اولیه برای زندگی عمومی محسوب می‌شود. این عمومیت و فراگیری جهانی، موجب ارائه تحلیل‌ها و کاربردهای مختلفی درباره عدالت می‌شود. موضوعی که اغلب درباره آن توافقی وجود ندارد و سؤالی که پاسخی مختلفی به آن داده می‌شود آن است که چه چیزی یک وضعیت را عادلانه یا غیرعادلانه می‌کند و چه نوعی از اعمال عادلانه یا غیرعادلانه هستند. با این وجود عدالت از آرمان‌هایی بوده است که همواره در جوامع انسانی از جمله مطالبات جدی انسانها بوده و جامعه‌ای که قوانین عادلانه دارد بر جامعه‌ای که اینگونه نیست ترجیح دارد. در پاسخ به این پرسش مهم که چرا عدالت همواره یکی از موضوعات بنیادین فلسفه سیاسی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های فلسفه اخلاق بوده است باید گفت عدالت یکی از موضوعاتی است که فلسفه سیاسی با توجه به چهارچوب مفهومی خود باید به آن بپردازد. زیرا اجتماع سیاسی را به هر شکلی که تصور کنیم و هدف آن را هر چه بدانیم، این پرسش مطرح می‌شود که سازمان سیاسی باید کار ویژه و هدف خود را بر اساس چه اصولی تحقق بخشد. تعیین اصولی که باید اجتماع سیاسی بر اساس آنها بنیان نهاده شود به معنای ارائه تبیین و تلقی خاصی از عدالت است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، فلسفه سیاسی، اجتماع سیاسی، فلسفه اخلاق

نظریه‌های عدالت در فلسفه سیاسی

محمد شجاعیان / استادیار گروه علوم سیاسی / پژوهشگاه حوزه و دانشگاه^۱

چکیده

می‌توان سه حوزه تمدنی خاص را درباره موضوع عدالت در تاریخ فلسفه سیاسی در نظر گرفت. حوزه تمدن یونانی، حوزه تمدن اسلامی و حوزه تمدن مدرن. در مقاله حاضر، برخی از مهم‌ترین نظریه‌های عدالت در هر یک از این گفتمان‌ها، بررسی می‌شود. از طریق این بررسی معلوم خواهد شد که درباره مفهوم عدالت و اینکه عدالت با مفاهیم دیگر اخلاقی و سیاسی چه ارتباطی دارد اختلافات بنیادینی در حوزه‌های تمدنی مختلف وجود دارد. علت این امر را باید در مبادی و مبانی جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی آن‌ها دانست. این مبادی مختلف، همان چیزی است که تبیین‌کننده اختلافات ذکر شده بر سر مفهوم عدالت است. تلقی از عدالت در فضای تمدنی مدرن، با آنچه که در فضای اسلامی و حتی یونانی وجود دارد، تمایزات بنیادینی دارد. فلاسفه سیاسی مدرن، به دلیل برداشت خاصی که بویژه از انسان و جهان داشته‌اند، به جنبه‌های ماورایی و مافوق طبیعی انسان توجهی نداشته‌اند. تلقی از انسان به عنوان یک فرد جدا از اجتماع، نیز موجب شده است که فردگرایی به یکی از عناصر عمده‌ی نظریه‌های مدرن در باب عدالت تبدیل شود به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد فردگرایی در نظریه‌های مدرن، گفتمان غالب بوده است. یکی از ویژگی‌های مشترک نظریه‌های عدالت در فضای تمدنی اسلامی و یونانی، همبستگی و وحدت معیارهای عدالت فردی و عدالت اجتماعی است. به این معنا که نمی‌توان تصور کرد یک انسان به لحاظ فردی فاقد معیارها و موازین عدالت باشد اما مجموعه‌ای از این افراد بتوانند یک جامعه عادل را تشکیل دهند.

کلیدواژه‌ها: نظریه‌های عدالت، فلسفه سیاسی، فردگرایی، عدالت فردی، عدالت

اجتماعی



فلسفه اخلاقی جامعه عادلانه مبتنی بر تعریف فضایل انسانی در حکمت متعالیه

فهیمة شریعتی / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد^۱

چکیده

مطابق با حکمت متعالیه حیات بدن و حرکت انسان تابع نفس اوست. نفس انسان در حال سلوک به سمت مقصد حقیقی است. دو وصف حریت و حکمت، دو شرط برای تحقق کمال انسانی و سلوک به سمت مقصد هستند. ارکان و مبانی حکمت و حریت، بر اساس عدالت نهاده شده است چون تحقق این ارکان تنها مشروط به عدالت است. در پرتو عدالت به‌عنوان یک مسئولیت، و در جهت رفع موانع تحقق این الزام درونی، عدالت به‌عنوان یک حق اجتماعی طرح می‌شود. بر این اساس عدالت سیاسی یا سیاست عادلانه به تنهایی یک حق اجتماعی اصیل برای انسان نیست بلکه حق برخورداری از جامعه عادلانه بر مبنای و در جهت تحقق عدالت به‌عنوان یک تکلیف بر اوست و به‌عنوان حق اجتماعی فارغ از عدالت درونی مورد اهتمام ملاحظه نیست. این تکلیف ناظر به افراد خاصی نبوده و عمومی و همگانی است و حیثیت اصیل درونی دارد. بر این اساس، در مبانی حکمت متعالیه لزوماً سیاستی عادلانه است که مطیع شریعت باشد و عدالت سکولاریستی با سعادت انسان در حکمت متعالیه بی‌ربط است.

کلیدواژه‌ها: حکمت متعالیه، صدرالمتهلین (ملاحظه‌درا)، عدالت، حکمت، حریت،

انسان.

گفتگوی بین ادیان و ارتباطات میان فرهنگی در آمدی بر اخلاق ارتباطات میان فرهنگی با الهام از سیره رضوی

محمدحسین شعاعی شهرضا/ دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام
صادق (ع)^۱

چکیده

امروزه با توجه به گسترش حوزه ارتباطات میان فرهنگی و رشد و بروز تفاوت و تنوع فرهنگی، ضرورت پرداختن به مفهوم گفتگو در حوزه نظر و عمل در میان نخبگان فکری و اجرایی جهان محرز گشته است. با قبول وجود رابطه عموم و خصوص من وجه میان دین و فرهنگ، بالضروره هر گفتگوی دینی در حوزه ارتباطات میان فرهنگی مندرج خواهد شد. بی تردید یکی از کلیدمفاهیم حوزه نوظهور ارتباطات میان فرهنگی دیگری است. براین اساس ارتباط با دیگری که حداقل دارای تفاوت در یکی از موارد بینش، گرایش و کنش است، باید واجد اصولی خاص باشد. این پژوهش بصورت مطالعه توصیفی بر آن است تا با مروری بر تعالیم و سیره امام رضاع، اصول کلی ادب گفتگو با دیگری را استخراج نماید. اصول اخلاقی بایسته در یک گفتگو با دیگری که محصول نگاهی برون دینی به گفتار و رفتار رضوی در دو بخش ارتباطات کلامی و ارتباطات غیرکلامی است، میتواند در فهم دیگری و فهماندن خود به دیگری و در نتیجه اقناع ارتباطات کارآمد باشد. براین اساس، این پژوهش میتواند زمینه ساز پی‌ریزی اخلاق ارتباطات میان فرهنگی باشد که خود گامی نوآورانه و البته هرچند ابتدایی در این حوزه در سطح جهانی قلمداد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گفتگو، اسلام، امام رضاع، ارتباطات میان فرهنگی، دیگری.

بررسی حوزه‌های گوناگون اخلاق کاربردی عدالت

در مکتب اهل‌بیت (ع)

مهسا شهابی / کارشناس ارشد تفسیر قرآن دانشگاه ایلام^۱

زینب ابراهیمی / کارشناس ارشد تفسیر قرآن دانشگاه ایلام^۲

چکیده

عدالت از مهم‌ترین ارکان پایداری نظام‌های اجتماعی است که اجرای آن ثبات اندیشه‌های انسانی را به دنبال خواهد داشت و همین اندیشه‌هاست که تبلور آن‌ها عرصه‌های گوناگون فردی و اجتماعی را امن نموده و به شکوفایی اهداف اصلی خلقت انسان بها می‌دهد. از آن‌جا که مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام مکتبی با اندیشه‌هایی استوار بر انسانیت و نشأت گرفته از علمی الهی است، توجه به این مکتب راهنمایی بی‌عیب در راستای دستیابی به چگونگی اجرای عدالت در حوزه‌های گوناگون اخلاق کاربردی عدالت است، لذا این پژوهش با روش توصیف و تحلیل داده‌های به دست آمده، در پی آن است که ضمن بازشناسی عدالت از دیدگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام چگونگی کاربرد عدالت را در عرصه‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی باز شناسد و به این مهم بپردازد که آگاهی از چگونگی اجرای عدالت از منظر اهل‌بیت علیهم‌السلام برای دو حوزه‌ی خانواده و اجتماع لازم و ضروری است. بنابراین در حوزه‌ی خانواده به اجرای عدالت در رابطه‌ی بین همسران و والدین و فرزندان به‌عنوان مهم‌ترین ارکان این بنیاد و در حوزه‌ی اجتماع نیز به بررسی عدالت در عرصه‌ی اقتصاد و سیاست و قضاوت به‌عنوان اصلی‌ترین عرصه‌های اجتماع با تکیه بر رفتار و گفتار اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته شده است و دستاورد این پژوهش راهکارهایی کاربردی برای اجرای عدالت در این دو حوزه‌ی مهم و اساسی جامعه‌ی بشری است.

کلیدواژه‌ها: حوزه‌های عدالت، کاربرد عدالت، عدالت ورزی، خانواده، اجتماع.

1. mahsashahabi8@gmail.com

2. zanaberahimi@gmail.com

رهیافتی قرآنی به عوامل تحقق و گسترش اخلاق اسلامی عدالت

حسن صادقی / سطح ۴ حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم
و معارف قرآن^۱

چکیده

قرآن کریم عدالت را فلسفه بعثت پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی بیان کرده، با بیان عوامل تحقق و گسترش اخلاق اسلامی عدالت، نقش ارزنده و فراوانی ایفاء می‌کند. قرآن کریم به‌عنوان آخرین کتاب جامع جهانی جاویدان، که همواره به گسترش اخلاق اسلامی عدالت اهتمام داشته، عوامل تحقق و گسترش آن را ذکر می‌کند تا مخاطبان با توجه به آن‌ها عدالت را در جامعه انسانی گسترش دهند. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده، با صبغه قرآنی و تفسیری عوامل کلی تحقق و گسترش اخلاق اسلامی عدالت را تشریح می‌کند و برای هر کدام یک نمونه قرآنی مثال می‌زند. عوامل کلی تحقق و گسترش اخلاق اسلامی عدالت عبارت‌اند از: تبیین حقوق انسان؛ تبیین اوصاف خدای متعال؛ تبیین معاد؛ تبیین خلیقات؛ تبیین رفتار مناسب فردی؛ تبیین نظارت همگانی مردم؛ تبیین رفتار حاکمیتی در امور کارگزاران و امور مردم.

کلیدواژه‌ها: وحی، قرآن کریم، عدالت، اخلاق اسلامی، حقوق.

نقش وحی و عقل در گسترش اخلاق اسلامی عدالت

حسن صادقی / سطح ۴ حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن / دانشگاه علوم
و معارف قرآن^۱

چکیده

همانگونه که اصل عدالت، فلسفه بعثت پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی است و قرآن کریم و عقل بر آن تأکید زیادی دارند، گسترش اخلاق اسلامی عدالت نیز مورد اهتمام وحی و عقل است و در این زمینه نقش ارزنده و فراوانی در ابعاد گوناگون دارند. تا عدالت در جامعه انسانی گسترش یابد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده، نقش وحی و عقل در گسترش اخلاق اسلامی عدالت را از دو جهت اساسی بررسی می‌کند؛ نخست، نقش وحی و عقل در بیان مبانی اخلاق اسلامی عدالت که خود به دو مبنا تقسیم می‌شود: حسن ذاتی و عقلی عدالت و کرامت انسان. این دو مبنا در گسترش اخلاق اسلامی عدالت آثار متعددی دارند. دوم، نقش وحی و عقل در تبیین مصادیق اخلاق اسلامی عدالت که در این جهت نیز در دو زمینه نیز نقش ایفا می‌کنند؛ نخست در بیان مصادیق حقوق و تأکید بر آن‌ها؛ دوم، در توسعه حقوق به حقوق معنوی.

کلیدواژه‌ها: وحی، عقل، عدالت، اخلاق اسلامی، حسن ذاتی و عقلی، کرامت، حقوق معنوی.

پارادایم رضوی در باب همزیستی

رقیه صادقی نیری / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث / دانشگاه شهید مدنی آذربایجان^۱
رباب محمد سعیدپور / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی
آذربایجان^۲

چکیده

همزیستی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های زندگی اجتماعی، یعنی اینکه بتوان بارعایت اخلاق و تعامل با افرادی که اجتماع انسانی را تشکیل می‌دهند، زندگی کرد. انسان به‌عنوان عضوی از یک اجتماع، یک کشور و یک جهان همواره به دنبال ترقی و پیشرفت و سیر تکامل در مسیر برقراری رابطه‌ی تعامل و همزیستی با دیگر اعضای این نظام هستی بوده است. پسندیده است که این تعامل و رعایت اخلاق با اطرافیان و محیط زیست منطبق بر قوانین الهی و مطابق با دستورالعمل کارشناسان اجرایی این قوانین (ائمه معصومین) علیهم السلام باشد. همزیستی، یک فکر اصیل اسلامی است که آیات متعددی از قرآن و روایات فراوانی از امامان (ع) در زمینه‌های مختلف، با توجه به شرایط حاکم بر زمان، با صراحت کامل بدان سفارش نموده اند. امام رضا(ع) با بهترین شیوه‌ی گفتگو، روش مواجهه و همزیستی با اطرافیان و محیط زیست را بیان می‌دارند که با به‌کارگیری آن‌ها حرکت در سیر تکاملی سریع‌تر و آسان‌تر صورت خواهد گرفت. این پژوهش در صدد آن است که باهدف ارائه الگویی از همزیستی در زندگی ائمه اطهار(ع) به این سؤال اساسی پاسخ دهد که مؤلفه‌های همزیستی در نگاه امام رضا(ع) چیست؟ بی‌شک تعامل صحیح، دوری از برخوردهای تند و پرخاشگرانه، نگرش به انسانها و کل موجودات به‌عنوان اعضای نظام هستی از مهم‌ترین مؤلفه‌های همزیستی از دیدگاه امام رضا(ع) به‌شمار می‌رود. تعریف همزیستی و بیان مؤلفه‌های اصلی آن، و نیز معرفی بهترین روش‌های همزیستی سرفصل‌های اصلی این پژوهش خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تعالیم امام رضا(ع)، همزیستی مسالمت آمیز، تعامل، اخلاق‌مداری.

مشروعیت حکومت برای ایجاد حق و عدالت از دید امام رضا (ع)

محمد صدیقی الانق / استادیار دانشگاه علامه طباطبائی^۱

چکیده

عدالت در اندیشه اسلامی یکی از معیارهای کرامت انسانی و نزدیکترین گوهر به تقوای الهی دانسته شده است «...اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى... عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است...». احکام اسلام بر مبنای عدالت و در جهت تحقق آن قرارداد شده است حتی کلام خدا نیز با عدالت به پایان رسیده است: "و تمت کلمة ربك صدقاً و عدلاً لا تبدل لکلماته... کلام خدای تو (قران) و مطالب آن همه صدق و احکام و قوانین آن همه عدل است... خدای متعال بقا و ادامه زندگانی موجودات حتی جامعه را بر مبنای عدل قرار داده، چنانچه رسول خدا (ص) آفرینش آسمانها و زمین، همه هستی، را بر اساس عدل معرفی کرده است: (بالعدل قامت السموات و الارض و از باب تطابق تشریح با تکوین، یکی از اهداف بعثت انبیا نیز قیام مردم بر قسط و عدل است از این رو امام رضا (ع) مهم‌ترین وظایف حاکم اسلامی را عدالت در عمل و صداقت در گفتار و وفاء کننده به وعده‌ها دانسته و می‌فرماید: مردم از امام و حاکم، عدالت و صداقت و وفای به عهد می‌خواهند، بر این اساس امام (ع) " دوام نعمت را در اجرای عدالت دانسته و می‌فرماید: "استعمال العدل و الاحسان مؤذن بدوام النعمة... به کار بستن دادگری و نیکوکاری، عامل پایداری نعمت هاست." و در کلام دیگر در بیان این معنا چنین می‌فرماید: دوام و قوام و عزت هیچ قومی باقی نمی‌ماند جز به سرپرستی که به راهنمایی او از تعدی ستمگران جلوگیری شود. بر این اساس حضرت، حاکم را میزان و معیار اجرای حق و عدل در تمام بخش‌های جامعه معرفی کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام، اخلاق، عدالت، عدالت اجتماعی، حاکمیت، حاکم.

اصل کلی حسن نیت در اجرای معاهدات بین المللی: ارزش عدالت محور

حمید رضا طوسی / دکتری قرآن و علم (گرایش حقوق) / جامعه المصطفی (ص) العالمیه^۱

چکیده

تیین نسبت میان ارزش و حقوق در نظام حقوق معاهدات به مسئله تعیین مضمون اصل کلی حسن نیت (یکی از اصول کلی حقوقی) فروکاسته شده است. زیرا با درج این ارزش حقوقی در مستندات این نظام حقوقی از یکسو و تفسیر پوزیتیویستی حاکم از مقررات آن از سوی دیگر، ناسازگاری روشنی میان نظریه و واقعیت حقوقی را موجب گشته است. علاوه بر این دوگانگی بغرنجی در تعیین قلمرو حقوق و تعهدات دولت ها ناشی از تردید در چگونگی تاثیر گذاری این ارزش حقوقی در قاعده وفای به عهد (محوری ترین قاعده نظام حقوق معاهدات) مشاهده می گردد. در این نوشتار با بهره بردن از آموزه های قرآنی و با روش تفسیر موضوعی برون قرآنی (در شکل توسعه یافته آن) اثبات گردید که اولاً مفهوم ارزش «حسن نیت» ترجمان اصل «عدالت» است و ثانیاً بنابر نظریه الهی، این اصل در دو حوزه سنجش اعتبار قواعد نظام حقوق معاهدات و تعیین دامنه تعهدات و حقوق دولت ها تاثیر گذار است.

کلیدواژه ها: اصول کلی حقوقی، اصل کلی حسن نیت، اصل عدالت، معاهدات

بین المللی، قاعده وفای به عهد، قلمرو تعهدات بین المللی.

فلسفه عدالت در کلام امام علی (ع)

سمیه عبدالهی / دانشجوی دکترای فلسفه تطبیقی مدرسه عالی شهید مطهری^۱

چکیده

فلسفه عدالت در کلام امام علی علیه السلام چهره درخشان حضرت علی علیه السلام در تاریخ اسلام به عنوان نماد عدالت شناخته می شود. در بیشتر متون به نمادهای عملی عدالت در گفتار و منش حضرت علی علیه السلام پرداخته شده است. در حالی که در گفتار ایشان به جنبه‌های فلسفی مسائل غامضی همچون توحید، عدالت، معاد و ... پرداخته شده است. هدف این مقاله پرداختن به مبانی فلسفی عدالت در گفتار آن امام همام است. فراتر از جنبه‌های عملی عدالت در گفتار و رفتار، حضرت علی علیه السلام در مقام یک فیلسوف به مبانی فلسفی عدالت می پردازد و عدالت را به مثابه امری عینی معرفی می کند. در نگاه حضرت علی عدالت نه امری اعتباری بلکه به عنوان امری عینی و اساس سنت الهی مطرح می شود. در واقع می توان زندگی عدالت محور امام علی (ع) را نتیجه این بینش عمیق درباره جایگاه عدالت به عنوان شاکله هستی دانست.

کلیدواژه‌ها: حضرت علی علیه السلام، فلسفه، عدالت، سنت الهی، عینی،

اعتباری



رهیافت هایی از قرآن کریم در حوزه عدالت اقتصادی

سید هادی عربی / دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه قم^۱

جواد ارباب / دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

عدالت به عنوان یکی از آرمان های مهم بشری و یکی از اهداف مهم پیامبران الهی، دارای حوزه های متنوعی است که «عدالت اقتصادی» نقش و سهم به سزایی را در آن به خود اختصاص داده است. یکی از موهبت های قرآن کریم برای ارائه برنامه جامع سعادت بشری، معرفی و تبیین این عنصر راهبردی در حیات بشری است. مقاله حاضر پس از بیان مفهوم رایج «عدالت اقتصادی» و معرفی دیدگاه های برخی از مکاتب و نحله ها به آن، به باز خوانی «عدالت اقتصادی» از دیدگاه قرآن کریم اهتمام می ورزد. این مقاله علاوه بر بیان مفهوم آن از دیدگاه قرآن کریم، به تشریح مسائل جانبی و تبعی آن در حوزه نظر و عمل همچون مسئولیت اجرا، رابطه آن با مفاهیمی چون مصلحت، نابرابری، چگونگی برخورداری از امکانات اولیه، منشأ ایجاد حقوق و مثبت یا منفی بودن حقوق می پردازد.

کلیدواژه ها: عدالت اقتصادی، عدالت در قرآن، توزیع امکانات، عدالت و

نابرابری

عدالت توزیعی در میراث فقهی حقوقی اهل بیت (ع)

ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی / دانشیار گروه فقه و حقوق دانشگاه یاسوج^۱
 طاهره فلسفی نیا / دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه یاسوج^۲

چکیده

از جمله مسائل مورد توجه مسلمانان، توزیع عادلانه ثروت در جامعه بوده که در فقه و حوزه‌های اجتماعی نقش اساسی را ایفاء می‌نماید. عدل جمعی در بیشتر آیات قرآن کریم به ویژه در مسائل خانوادگی و اجتماعی به چشم می‌خورد. اسلام، تعدیل ثروت در حوزه‌ی عدالت اقتصادی را با تعیین مصارف شش‌گانه بیان می‌دارد تا عدالت به همه‌ی مراکز و اقشار تعمیم یابد. عدالت توزیعی به معنای تساوی و برابری و نفی هرگونه تبعیض نسبت به تقسیم اموال است. در پژوهش حاضر عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از اهداف نبوت و جزئی از عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در این خصوص فقها نظرات متفاوتی را بیان داشته‌اند که در جهت دست یافتن به مفهوم آن در میراث اهل‌بیت (ع) حائز اهمیت می‌باشد. تقسیم به‌طور مساوی میان صاحبان احتمالی، برقراری مساوات و موازنه بر اساس استحقاق افراد، توزیع برحسب کارایی افراد و عدالت رهبر جامعه، به‌عنوان مهم‌ترین وجه عدالت، از جمله مواردی است که در این خصوص بدان پرداخته می‌شود. هدف از عدالت توزیعی، دست‌گیری از ضعف، احیای جامعه اسلامی، از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار جامعه اسلامی است. مطالعات انجام شده با استناد به آیات قرآن، سنت معصومین علیهم السلام و نظریات فقیهان به این نکته تأکید دارند که، اسلام در مسائل اقتصادی (عدالت توزیعی) در بردارنده‌ی نوعی درجه-بندی بین افراد جامعه است و به طبقه‌بندی میان افراد قائل نیست. بنابراین جامعه به دو بخش تقسیم نشده، بدین نحو که بخشی از آن صرفاً دارای نیروی کار و بخش دیگر آن صرفاً از راه سرمایه بهره بگیرد، بلکه می‌بایست توزیع به میزان استحقاق افراد و برابری آن‌ها در جامعه مدنظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: عدالت توزیعی، مساوات، حکومت، اموال.

1. Alishahi@yu.ac.ir
 2. tahereh falsafinia@gmail.com

حل مناظرات مذهبی در آموزه‌های رضوی

شیمای علی نیا/ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه حکیم سبزواری^۱

مریم غفاری جاهد/ دانشجوی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری^۲

چکیده

مذهب می‌تواند به‌عنوان عاملی وحدت‌بخش در جامعه عمل کند و پیروان عقاید مختلف را گرد هم بیاورد و موجب برقراری آسایش و رفاه نسبی در جامعه و روابط سالم اجتماعی باشد؛ اما تعارضات عقیدتی در میان پیروان مذاهب بر خلاف این هدف، از مذهب وسیله‌ای می‌سازد برای ایجاد اختلاف و درنهایت جنگ‌های عقیدتی که منجر به ظهور فرقه‌های متعصب و خشونت‌گرا می‌شود و اگر با درایت بزرگان مذاهب حل نشود، عامل اختلاف‌افکنی و گریز از همگرایی است که خطر بزرگی برای بشریت و معنویت به همراه دارد. در دوره زندگی امام هشتم شیعیان نیز که به دلیل ویژگی‌های خاص، به دوران طلایی معروف شده است، برخورد مذاهب با یکدیگر و مناظرات میان آن‌ها بسیار است. این پژوهش بر اساس نحوه نگرش امام هشتم شیعیان به مناظرات مذهبی و چگونگی تعامل ایشان با این اختلافات انجام شده است. هدف از این پژوهش کشف راهکارهای نتیجه‌بخش امام رضا و عملکرد ایشان، در این گونه موارد و یافتن راه‌هایی مناسب برای انجام تعامل مذهبی بدون تنش در دنیای امروز است. با بررسی مهم‌ترین مناظرات امام رضا با نمایندگان مذاهب و ادیان مختلف، به این نتیجه رسیدیم که ایشان علاوه بر این‌که بر تمامی ادیان و کتب آسمانی اشراف داشته با استفاده از روش‌های مختلف در مناظره‌ها بحث می‌نمودند و هیچ جای شک و شبهه‌ای برای طرف مقابل باقی نمی‌گذاشتند. پاره‌ای از روش‌هایی که امام در مناظرات به کار گرفته عبارت است از: استدلال علمی، استدلال منطقی، نتیجه‌گیری از بحث، استناد به کتب مورد اعتقاد طرف مقابل، آزاد گذاشتن اشخاص برای اظهارنظر، استناد به تواریخ گذشته و استفاده از تمثیل برای روشن‌گری.

کلیدواژه‌ها: امام رضا، بنی‌عباس، مأمون عباسی، مناظرات مذهبی، مناظرات.

1. Aliniashima32@gmail.com

2. maryamjahed@ymail.com

اخلاق گفتگو از منظر امام رضا(ع)

با تکیه بر مناظرات ایشان

نهله غروی نائینی / استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس^۱

طاهره شفائی چروش / کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی سیره اخلاقی امام(ع) در مناظرات پرداخته است. محوری تحت عنوان «اخلاق بیانی در گفتگو» با تکیه بر مناظرات، به بررسی خصایص بیانی امام رضا(ع) در گفتگو مانند: خردگرایی و آزاداندیشی، درگیرکردن ذهن مخاطب، استفاده از مثال برای روشن کردن مطلب موردنظر، در نظر گرفتن سطح فکری مخاطب، مستندگویی با استناد به منابع مورد قبول طرف مقابل، تأکید بر نکات مشترک و رعایت اصل ایجاز، پرداخته است. محور بعد، با عنوان «نحوه مواجهه در گفتگو» با تکیه بر مناظرات، به بررسی خصایص مواجهه‌ای امام(ع) در گفتگو مانند احترام و ملایمت، اجازه پرسش و آزادی بحث، خوب گوش کردن و دوری از تعصب، رعایت انصاف و عدالت، خودداری از نقد شخصیت افراد، فرصت دادن به طرف مقابل، و... پرداخته است. در بررسی هر یک از صفات اخلاقی امام رضا(ع)، مناظرات و احتجاجات مرتبط، ذکر و درباره آن‌ها بحث شده است. نتایج نشان می‌دهد که امام رضا(ع) به‌عنوان یگانه‌ی دوران خویش در مواجهه با جریان‌های فکری و مذهبی بودند، با در نظر گرفتن اساسی‌ترین اصول روان‌شناختی، اخلاق اسلامی برگرفته از دین خدا در مواجهه و گفتگو با یکدیگر را تبیین کرده و راه درست همزیستی و ارتباط با یکدیگر را بر اساس آموزه‌های دینی و فرهنگ قرآنی تبیین کردند. امام به‌عنوان کارشناس اجرایی دین بهترین شیوه عملیاتی این همزیستی را بیان فرمودند.

کلیدواژه‌ها: امام رضا(ع)، اخلاق گفتگو، اخلاق بیانی، اخلاق مواجهه‌ای،

مناظره.

1. naeeni_n@modares.ac.ir

2. t.shafae2014@gmail.com

فقه شبه حقوقی و دین‌ورزی فضیلت‌بنیاد

سید محمد قاری سید فاطمی / استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی^۱

چکیده

نسبت تکلیف و فضیلت، به سان رابطه عمل است و نیت؛ و البته فاصله این دو از هم به همین میزان. هرگاه کار درست با نیت فضیلت‌مند همراه گردد، محصولشان ناگزیر کردار نیک خواهد بود. فروکاستن دین به حقوق و یا اخلاق البته نه خدمت به دین است، و نه یاور حقوق و اخلاق. در عین حال بن‌مایه‌های فضیلت‌گرایانه دین، به مثابه یکی از ساحت‌های نرم‌افزاری مهم زندگی انسانی، دین را به شدت به اخلاق فضیلت‌گرا نزدیک کرده است؛ اما همان‌انگاری دین و اخلاق خطای معرفتی و تاریخی بزرگی است. بر خلاف حقوق که عمدتاً - و بلکه تنها - دغدغه‌اش عمل تابعان است، دین به سان اخلاق فضیلت به شدت متوجه نیت آدمیان است. انسان مطلوب از دید حقوقی، شهروند قانونمند و مطیع دستورات قانونی است؛ در حالی که دین‌ورز فضیلت‌مند با نیت‌هایش زیست می‌کند. تحلیل تاریخی دین‌ورزی مسلمانان نشان‌دهنده چیرگی تلقی شبه‌حقوقی از دین بر تلقی فضیلت‌گرایانه از آن است. در حالیکه شریعت تکلیف‌محور حقوقی، تجویز نسخه‌ای است هنجاری برای پاسخ به سؤال چه باید کرد مکلف فقهی، فضیلت و عرفان ناظر به این پرسش از دین که چگونه انسانی باید بود؟. نگارنده تحویل دین به شریعت شبه‌حقوقی را یکی از علت‌های عمده ناکامی اخلاقی جهان اسلام، و البته پیش از آن جهان یهودیت و مسیحیت، می‌داند. در میان مسلمانان، نخست این متکلمین بودند که در دام دیانت شبه‌حقوقی - که خود محصول دستگاه اداری/قضایی امویان و پس از آن عباسیان بود - گرفتار آمدند. بعدها فیلسوفان مسلمان نیز نتوانستند از این گرفتاری تاریخی رهایی یابند. کمترین پیامد تلقی شبه‌حقوقی از مسؤولیت الهی انسان، تربیت دین‌مداران سوداگری است که به طمع بهشت نیکی می‌کنند و از خوف دوزخ فرمانبری.

کلیدواژه‌ها: تکلیف، نیت، فقه شبه‌حقوقی، اخلاق فضیلت‌گرا، دیانت فضیلت‌بنیاد

شاخصه های عدالت اقتصادی در مکتب اهل بیت (ع) با تأکید بر آموزه های رضوی

سید مرتضی فری زنی / دانش آموخته سطح سه حوزه و خارج حوزه علمیه خراسان رضوی^۱

چکیده

همواره از دیرباز در میان جوامع انسانی سخن از عدالت اقتصادی مطرح بوده است به گونه ای که یکی از مهم ترین اقسام عدالت در سطح کلان یک جامعه توجه به عدالت اقتصادی و مالی بوده است. با وجود اینکه شاخصه ها و اولویت های متعددی از سوی مکتب اهل بیت در فراهم سازی گستره عدالت ارائه شده است ولی در این میان معیارها و مواردی که برخاسته از کلام و سیره حضرت رضا علیه السلام در این زمینه، بسیار مطرح و حائز اهمیت است این مقاله به صورت توصیفی و تحلیلی به این دست از ضوابط و اصول پرداخته است، معیارهایی همچون ریشه کن ساختن مسائلی نظیر علل و عوامل فقر و پدیده نظام سرمایه داری و تکاثر گرایی و گردش ثروت های عمومی در دست طبقه اشراف و گرایش به سودجویی و سود پرستی و فاصله طبقاتی که نقاط منفی یک جامعه دینی است که می بایست تصفیه و پاک سازی شود و در طرف مقابل فراهم ساختن فضاهای مختلف مثبت و امیدوارکننده در حکومت اسلامی همچون تعاون و مددکاری اجتماعی و ایجاد توازن میان اقتصاد و معنویت و اخلاق و فرهنگ و همسان زیستی با محرومان در جهت سازندگی و تکمیل کننده بنیان عدالت اقتصادی است.

کلیدواژه ها: عدالت اقتصادی، حضرت رضا، عوامل فقر، تعاون اجتماعی، نظام

سرمایه داری.

عدالت و عقلانیت در نهج البلاغه

ابوالقاسم فنائی / دکترای فلسفه اخلاق و استادیار دانشگاه مفید^۱

علی مهجور / دانشجوی دکتری دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب^۲

چکیده

این مقاله می‌کوشد یکی از کلمات قصار مولا علی (ع) در نهج البلاغه را تفسیر کند. به باور نگارندگان، این کلمه قصار متضمن «تعریف» مولا علی (ع) از عدالت و عقلانیت است. به لحاظ تئوریک، عدالت و عقلانیت در الاهیات، اخلاق، فقه و فلسفه سیاسی شیعی نقش برجسته‌ای دارند، تا آنجا که تأکید بر آن‌ها جزو ویژگی‌های این مذهب در میان فرق و مذاهب اسلامی قلمداد می‌شود. با این‌همه، ادبیات بحث از عدالت و عقلانیت و ربط و نسبت این دو با یکدیگر و پیامدها و لوازم نظری و عملی مترتب بر پذیرش آن‌ها به‌عنوان دو فضیلت بنیادین در فرهنگ شیعی چندان غنی و روزآمد نیست. به همین دلیل از دید یک ناظر بیرونی و بی‌طرف، پذیرش این دو فضیلت در منظومه فکری شیعیان و تأکید بر ارزش و اهمیت فوق‌العاده آن‌ها در سامان یافتن زندگی دنیوی و رستگاری اخروی نمود عینی و ملموسی در سیاست و معیشت شیعیان ندارد، و نقشی در اخلاق فردی و جمعی آنان و تنظیم روابط فردی و جمعی‌شان با یکدیگر و با پیروان ادیان و فرق و مذاهب بازی نمی‌کند. چنین شکافی میان نظر و عمل نیازمند تبیین است؛ تبیینی که از ساده‌سازی و فروکاستن عوامل گوناگون و درهم‌تنیده‌ای که چنین شکافی را پدید آورده‌اند خودداری می‌کند. از نظر نگارندگان این مقاله، این شکاف معلول ترکیبی از علل و عوامل متنوعی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها فقدان نظریه‌ای مبسوط و متنوع درباره این دو فضیلت و ربط و نسبت‌شان با یکدیگر است. این مقاله در حد ظرفیت محدود خود و از رهگذر تفسیر یکی از کلمات قصار نهج البلاغه می‌کوشد نشان دهد که ذخایر غنی فرهنگ شیعی مصالح لازم برای نظریه‌پردازی در این باب را در بر دارند.

کلیدواژه‌ها: عدالت، عقلانیت، نهج البلاغه، فضیلت.

1. a.fanaei@gmail.com

2. alimahjour@gmail.com

اخلاق مناظره در فضای اسلامی

با تأکید بر شیوه مناظرات حضرت رضا (ع) با علمای ادیان مختلف

سید محمد هادی قبولی درافشان / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد^۱

محبوبه احمدی / دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد^۲

چکیده

مرور بر مناظراتی که در طول تاریخ اتفاق افتاده مبین این امر است که روش مناظره تأثیر شگرفی در اقناع وجدانی مناظره کنندگان و بیداری روحیه حقیقت‌جویی آن‌ها و اقرار به حقانیت دارد. یکی از بی‌نظیرترین شیوه‌های مناظره را می‌توان در مناظرات حضرت رضا (ع) با علمای ادیان مختلف مشاهده کرد؛ مناظراتی که به درستی اخلاق مناظره و راه و روش و قواعد و مقررات مربوط به آن را به صورت عملی به نمایش گذاشته و ضمن بیداری روح حق‌طلبی و وجدان مناظره کنندگان، آن‌ها را به دور از هر جبر و تحمیلی با بهره‌گیری از علوم و عقاید و مستندات که مورد پذیرش خودشان است، به تفکر وادار کرده و به سوی حق رهنمون می‌سازد. جستار حاضر با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی ارائه‌شده توسط حضرت امام رضا (ع) در مناظراتشان با دانشمندان ادیان گوناگون، آداب مناظره و به بیان دیگر فقه و اخلاق مناظره را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسندگان برای دستیابی به این مهم، پژوهش را به روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع دست اول تهیه و به این نتیجه رسیده‌اند که رعایت دقیق اخلاق مناظره در فضای اسلامی و التزام عملی به آن الگوی مناسبی را به اندیشمندان و مناظره کنندگان همه ادیان ارائه داده و به بد اخلاقی‌های مناظراتی و عدم رعایت اصول و قواعد اخلاقی در مناظرات خاتمه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق مناظره، فضای اسلامی، مناظرات حضرت رضا (ع)، علمای

ادیان.

1. h.ghaboli@um.ac.ir

2. Mahbubehamadi14@yahoo.com

نقش عدالت در فرهنگ و تمدن اسلام

زهرا قلعه آقابابایی / دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس^۱

چکیده

تمدن اسلامی با تشکیل حکومت نبوی فرآیند شکل‌گیری و توسعه خویش را آغاز کرد، و جامعه‌ای پویا و بزرگ را پی‌ریزی کرد. اما آنچه باعث شد این تمدن بیش از ۱۰ قرن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تمدن‌های تاریخ بشری و از بحث برانگیزترین تمدن‌های جهان باشد، ویژگی‌های خاص این تمدن است. موقعیت جغرافیایی و استراتژیک این تمدن به همراه ایده‌های که در بطن خود داشت سبب شد، تا در طول تاریخ تاثیر ویژه‌ای در شرق و غرب جهان بگذارد و البته این تاثیرگذاری سبب شکوفایی و بالندگی سایر تمدن‌ها نیز شده است. عدالت، علم و دانش پروری از مهم‌ترین شاخصه‌های دین اسلام است، که در کتاب قرآن بسیار مورد توجه قرار گرفته و دستورات ویژه‌ای به مسلمانان در این موارد داده شده است. عدالت به‌عنوان یک اصل مهم و بنیادی در اسلام مطرح شده و یکی از مهم‌ترین و بارزترین مولفه‌های دینی و فرهنگی در تمدن اسلامی است، که نقش مهمی در ایجاد امنیت و ثبات در جامعه اسلامی و بالندگی آن از گذشته تا به امروز بر عهده داشته است. عدالت مفهومی ارزشی و از جمله آرزوهای همیشگی انسان‌ها در طول تاریخ است و در زمره مطالبات اساسی زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی می‌باشد. به درستی واژه عدالت را می‌توان یک اصل اخلاقی مشترک در همه‌ی فرهنگ‌ها دانست، که عام و جهانی و البته فرا تاریخی است، و به تحقیق می‌توان اذعان داشت، که پیروان همه‌ی ادیان بر آن توافق دارند. در این مقاله ضمن بررسی مباحثی درباره‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی، و رابطه آن با عدالت سعی می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که آیا اسلام در پی عدالت-گستری است؟ و آیا پیشرفت و توسعه علمی، جامعه‌ی اسلامی با عدالت در ارتباط بوده است؟

کلیدواژه‌ها: امنیت، عدالت، فرهنگ و تمدن، قوانین اسلام، توسعه علمی.

عدالت و تمایزات زن و مرد در امور کیفری از منظر اهل بیت

محمدباقر گرایلی / استادیار و مدیرگروه حقوق جامعه المصطفی العالمیه^۱

چکیده

عدالت یکی از مسائل اساسی و مهم جوامع بشری است. عدالت خواهی در جامعه بشری ریشه در فطرت و سرشت انسانی دارد و قدیمی‌ترین اصطلاح حقوقی به کار رفته در تاریخ مدنیت انسان است. این مفهوم از جمله اصولی است که در تمام احکام فقهی و حقوقی اسلام ظاهر و متجلی است و جزء حقوق طبیعی انسان است که در طول تاریخ بشریت در قالب‌های متفاوت تبیین شده است. تعاریف متفاوتی از عدالت ارائه شده است. جامع‌ترین آن عبارت است از اینکه: حق هر صاحب حق را به او بدهند. عدالت به معنای تساوی نبوده و در حقوق کیفری، عدالت دارای آثار تمایزی است که موجب تمایز زن و مرد در احکام کیفری شده است. زن و مرد به رغم برابری در نیل به تکامل و وصول به قرب الهی، هر یک جایگاه و نقش‌آفرینی خاصی در نظام هستی بر عهده دارند با توجه گزاره‌های اسلامی در مورد عدالت جنسیتی، سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از: تبیین مبتنی بر عدالت تمایزات کیفری بین زن و مرد چیست؟ فرضیه مقاله چنین است: با توجه به تمایزات زن و مرد در ساختار فیزیکی و روانی، اقتضای عدالت در تمایز تکالیف و حقوق آنان است، چه اینکه هرگونه تساوی، عدالت نیست و عدالت، مطلق تساوی نیست. از این رو در نظام کیفری ایران که بر فقه اسلامی پایه‌گذاری شده است، تمایزاتی در شهادت، قصاص، حدود و دیه، مجازات‌ها و... دیده می‌شود. که در این نوشتار با روش تحلیلی توصیفی به بررسی مبانی فقهی آن پرداخته شده است و تمایزات را مبتنی بر عدالت تبیین شده می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: عدالت، مساوات، تمایز، زن و مرد، حقوق کیفری.

عدالت محوری اهل بیت (ع) در مواجهه با پیروان سایر ادیان

مریم مرادی / کارشناس ارشد عرفان تطبیقی دانشگاه شهید بهشتی^۱

محمد جواد شمس / استادیار ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین^۲

چکیده

حضرات معصومین (ع) عدل را به عنوان یکی از مشخصه‌های بارز صاحبان امر معرفی کرده و کارکرد ویژه‌ی آن را نیز قرار دادن هر چیزی در جای خود دانسته‌اند، بر این اساس تردیدی برای پذیرش گستره‌ی عدل در تمامی دوایر و ابعاد زندگی اهل‌بیت (ع) و سامان یافتن امورمختلف در جایگاه حقیقی خویش باقی نمی‌ماند. در حوزه تعاملات و رفتارهای اجتماعی، به مدد تحلیل و توصیف داده‌های تاریخی و حدیثی معتبر می‌توان بخشی از سیره و سنت اهل‌بیت (ع) که به هنگام مواجهه با پیروان سایر ادیان رقم خورده است را به تحلیل درآورد و مبنای رفتارهای گوناگون ایشان در قبال متدینان دیگر ادیان را فهمید و آنگاه به این سؤال پاسخ داد که آیا مواضع مختلف ائمه اطهار (ع) در قبال متشرعان سایر ادیان تحت نظامی واحد مجتمع می‌گردد؟ اگر چنین است ماهیت آن چیست و اجزای آن کدام‌اند؟ درنگ در سیره‌ی رفتاری و گفتاری اهل‌بیت (ع) به هنگام مواجهه‌ی با پیروان دیگر ادیان حکایت از غالب بودن رویکرد عدالت مدار از سوی ایشان دارد. رویکردی که در بستر آن، می‌توان نگاه‌های جزئی تری را بازشناخت که هر کدام به فراخور موقعیتی خاص و با توجه به عملکرد غیر مسلمانان تجلی می‌نموده است؛ حق‌مداری به وقت ادای حقوق صاحبان حق، رافت‌مداری در رعایت احوال اقشار آسیب‌پذیر ایشان، تعامل‌مداری و رفت و آمد با غیر مسلمانان به‌عنوان شهروندانی در جامعه‌ی اسلامی، حدود‌مداری در تنبیه افراد طاعی و مجرم، برهان‌مداری به وقت رویارویی با جویندگان حق از ایشان و البته این در حالی بود که مطابق مبانی قرآنی دو رویکرد ذلت‌مداری و ادب‌محوری بر انواع مواجهه‌های گوناگون با غیر متدینان به اسلام سایه افکنده بود.

کلیدواژه‌ها: اهل‌بیت (ع)، رویکرد، عدالت محوری، پیروان، ادیان.

1. m.moradi1414@gmail.com

2. mj.Shams@isr.ikiu.ac.ir



قلمرو و الگوی عدالت بین نسلی

در اندیشه اهل بیت (ع)

مرتضی مرتضوی کاخکی / استادیار گروه علوم اقتصادی دانشگاه علوم اسلامی رضوی^۱

سمیه براتی مقدم / کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه علوم اسلامی رضوی^۲

چکیده

هرچند نظریات عدالت به هنگام ترسیم مقتضیات عدالت، ناگزیر نگاهشان به آینده است؛ ولی عدالت بین نسلی مفهومی زاینده دنیای مدرن است. این نظریات که واکنشی نظری به مسئله تخریب محیط‌زیست، تخلیه منابع طبیعی و تهدید حیات نسل‌های آتی هستند، مسائل جدیدی را در ادبیات اقتصادی طرح کرده‌اند، که شامل قلمرو، الگو و معیار عدالت بین نسلی است. لذا با توجه به مدرن بودن این مفهوم، برای دستیابی به نظریه اسلامی در خصوص عدالت بین نسلی لازم است تا مبانی و مسائل این نظریات به خوبی مورد شناسایی قرار گیرد و آنگاه با جستجوی این مؤلفه‌ها در میراث اهل بیت نظریه اسلامی ارائه گردد. به همین منظور در این مقاله با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و روش دکانستراکشن (بن فکنی) مؤلفه‌های اصلی نظریات عدالت بین نسلی استخراج شده است و بر اساس آن سوالات پیش روی نظریات عدالت بین نسلی تبیین و در پرتوی آن تصویری از مفهوم عدالت بین نسلی ارائه داده ایم. آنگاه با جستجوی این مؤلفه‌ها در میراث اسلامی، نظر اهل بیت در خصوص عدالت بین نسلی را به دست آوریم. بر این اساس از نظر اهل بیت در حوزه عدالت بین نسلی به منظور پاسداشت کرامت ذاتی انسان که هدیه‌ای الهی است می‌بایست توزیع مواهب میان نسل‌های مختلف به صورتی برابر رخ دهد چراکه مواهب متعلق به همگان است و لذا همه نسل‌های آتی در منابع شریکند. هدف این نظریه در بعد عملی، ساختن جامعه‌ای بدون فقر در طول اعصار بوده و الگوی توصیه‌شده توسط آن مصرفی متعادل از منابع طبیعی به حد کفاف در نسل حاضر است.

کلیدواژه‌ها: عدالت بین نسلی، قلمروی عدالت، الگوی عدالت، کرامت،

اهل بیت.

1. mortazavi.k@gmail.com

2. s.barati_m@yahoo.com



اجتهاد عدالت محور

زیربنای تمدن نوین اسلامی

جعفر مروارید / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد^۱

چکیده

بازسازی تمدن اسلامی، مبتنی بر ایده «دین کارآمد» است که دین را صرفاً، مجموعه ای از مناسک، که انجام آن، باعث برائت ذمه مکلف میشود، نداند، بلکه دین را «نحوه زیستی» بداند که التزام بدان، نه تنها، سعادت اخروی، را به ارمغان میآورد، بلکه سامان مندی اجتماعی و نظم عقلانی در زندگی این دنیایی را نیز فراهم میآورد، که پایه های تمدن پویای اسلامی، بر پایه آموزه های دینی، متناسب با نیازهای انسان معاصر، را تشکیل میدهد.

اجتهاد عدالت محور، عقل عملی انسان را، قوه ای گشوده و توانا میدانند که قدرت کشف حسن و قبح ذاتی افعال را دارد و شارع را، رئیس العقلا میدانند و عدالت را (به عنوان مهم ترین کشف عقل عملی)، در رتبه علل احکام در نظر میگیرد. چنین عقلانیتی، از یک طرف راه را برای شناخت اقتضائات جهان جدید و مطالبات آن میگذراید و بدان پاسخگو است (مطالباتی که مهم ترین مصداق عدالت، را حقوق ذاتی انسان میدانند) و از طرف دیگر، کارایی و جهت دهی خطابات شرعی برای انسان معاصر را، تامین میکند. اجتهاد عدالت محور، با روش های "تفکیک جزء-کل"، "ظاهر-روح (مقاصد)"، "فرم-محتوا"، "قضایای خارجی-قضایای حقیقیه"، پویایی و معنا داری خطابات شرعی برای نیازهای انسان معاصر، را تبیین میکند و با مکانیسم های «دور هرمنوتیکی»، «منطقه الفراغ و اباحه اقتضائی»، «موافقت روحی» و «مقاصد و مذاق شریعت»، راه را برای دیالوگ "متن شریعت" با "پیش زمینه های فرهنگی و اجتماعی جوامع مدرن" ممکن میسازد و بدین ترتیب، پایه های متودیک "تمدن نوین اسلامی"، (که از رهگذر دیالوگ با جامعه نوین، امکانپذیر است) را ایضاً و ممکن میسازد.

کلیدواژه ها: عدالت، حق فطری، اجتهاد، دینداری

تحلیل مبنای ارزش عدالت و اعتدال در اخلاق فضیلت فیلسوفان یونان و اسلام

محمد مصطفائی / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری^۱

چکیده

مسکویه و نراقی که از مهم‌ترین فیلسوفان اخلاق مسلمان هستند همچون ارسطو و افلاطون به صراحت تأکید می‌کنند که از میان فضائل اخلاقی، عدالت به‌عنوان «اتم» و «اشرف» فضائل محسوب می‌شود. با توجه به شخصیت برجسته و نمادین هر یک از حکیمان مذکور در عرصه اخلاق فلسفی یونان و اسلام، سؤال تحقیق حاضر این است که در تحلیل نهایی، مبنای ارزش عدالت و اعتدال در دیدگاه هر یک از فیلسوفان مذکور چیست؟ روش پژوهش ما، توصیفی - تحلیلی و بر اساس گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای است. افلاطون از زیبایی روح سخن می‌گوید و عدالت را در این راستا ارزیابی می‌کند که باهماهنگی و انسجامی که در بر دارد هدف زیبایی روح را تأمین می‌کند. وی عدالت به معنای تناسب اجزاء و زیبایی حاصل از آن را، نه از طریق حد وسط بلکه ظاهراً از طریق اصل غایت که هر قوه و استعدادی برای هدف و غایتی ساخته شده و مجموع هم غایتی کلی دارد، توجیه می‌کند. ارسطو و پیروان مسلمان او، آزادی عقل برای تأملات حکمی را مطمح نظر دارند. البته نقطه حرکت ارسطو در ارزش حد وسط، «واحدیت» و یکی بودن حق است اما نقطه عزیمت مسکویه و نراقی در این خصوص، فاصله حداکثری حد وسط از طرفین رذیلت است. نتیجه آنکه: بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که متعلق عدالت در این اخلاق، یا «قوه عملی (عقل عملی)» و یا «تمامی قوای نفس» است که جهت ارزش آن به «فضیلت ساز» بودن عدالت از طریق ارجاع طرفین رذیلت به حد وسط و یا «تناسب» نموداری آن برمی‌گردد که به ترتیب ریشه در «واحدیت (یکی)» بودن حق و «وحدت (انسجام)» حق دارند و «آزادی عقل» و یا «زیبایی روح» را در پی دارند.

کلیدواژه‌ها: مبنای ارزش عدالت، اعتدال، اخلاق فضیلت، افلاطون، ارسطو،

مسکویه، نراقی.



جایگاه اخلاق کاربردی در تأمین دادرسی عادلانه

از دیدگاه فقه اهل بیت (ع) و آموزه‌های رضوی

محمد مهدی مقدادی / دانشیار و مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه مفید^۱

چکیده

عدالت قضایی و دادرسی عادلانه در زمره مهم ترین رسالت ها و با اولویت ترین برنامه های هر نظام حکومتی است و بی گمان دستگاه قضایی مهم ترین رکن و مؤثرترین نهاد در این باره محسوب می شود. نهادی که وظیفه حل و فصل اختلافات، رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات و تعدیات را بر عهده داشته و نیز مسؤول حسن اجرای قوانین، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و نیز تحقق عدالت قضایی است. بدین جهت متصدیان امر قضا و کارگزاران امر دادرسی پیش از هر امری باید به مراعات اصول و ارزش های اخلاقی حرفه ای خود پایبند باشند تا بتوانند در ایفای مسئولیت خطیر خود موفق و کارآمد عمل کنند. بر اساس آموزه های فقه شیعه؛ تراث غنی و ارزشمند اهل بیت (علیهم السلام)، کارگزاران و مأموران امر قضا، مکلف به رعایت اصول اخلاقی مهمی شده اند که می توان از آن به عنوان بایسته های اخلاق کاربردی یاد کرد که شامل مواردی مهمی چون؛ رعایت کرامت، صداقت، استقلال و بی طرفانه بودن و ارشاد مردم است. گفتنی است که به رغم تلاش های پیشرفت های صورت گرفته در نظام های مختلف، تاکنون نظیر این آموزه ها و اصول اخلاقی ارزشمند، در هیچ سندی با این جامعیت و ظرافت نیامده است. از سوی دیگر، به لحاظ این که یکی از آسیب های مهم نظام قضایی در کشور ما ناشی از عدم توجه لازم به تدوین و مراعات اخلاق کاربردی در امر قضا و دادرسی است، در این نوشتار ضمن تبیین ضرورت این امر، موارد اخلاق کاربردی در تأمین دادرسی عادلانه بر اساس فقه اهل بیت (ع) و آموزه های رضوی و راهکارهای تحقق آن بیان شده است.

کلیدواژه ها: اخلاق کاربردی، کرامت محوری، عدالت قضایی، دادرسی منصفانه،

آموزه های اهل بیت (ع)

راهبرد امام علی بن موسی الرضا(ع)

در برخورد با ادیان بر پایه‌ی کتاب التوحید شیخ صدوق

اردشیر منظمی / دکتری ادیان و عرفان تطبیقی و عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان^۱

چکیده

شیخ محمد بن علی صدوق اگر چه به نیت شناساندن انگاره‌ی (طرح) توحید، اما بر محوریت نمایاندن همزیستی اسلام با دیگر ادیان در جامعه‌ی مسلمانان دست به ارائه‌ی حدیثی مفصل از امام علی بن موسی الرضا در کتاب التوحید خویش می‌زند تا نشان دهد که پیشوای راستین تشیع در یک رفتار و حیانی برگرفته شده از قرآن کریم چگونه با ادیان روبرو می‌شود. از آن جا که شیخ صدوق با برگزیدن و نگاشتن حدیث ادیان، در دو کتاب بسیار مهم خویش به گونه‌ای پنهان، از وجود یک راهبرد در این حدیث پرده بر می‌دارد، دقت در بررسی اجزای حدیث، مؤید گزینش آگاهانه و هدفمند از سوی شیخ خواهد بود. کوشش این نوشتار بر آن است که در گام نخست این پرسش را به کاوش و پاسخ نزدیک سازد که آیا امام الحق از یک راهبرد در پارادایم فکری خویش بهره گرفته‌اند یا تنها، سخن از یک راهکار (تاکتیک) خود بر آمده و زودگذر در میان است. در گام پسین، این جستار خواهد کوشید تا نشان دهد، تلاقی پیشوای راستین با بزرگان و رهبران ادیان، هویدای یک راهبرد (استراتژی) کاملاً منطقی و علمی است. رخدادی از این دست، از یک سو برپایه‌ی ایدئولوژی دانش‌بنیاد امام همام و شناخت ژرف ایشان از متون و حیانی اهل کتاب در رویارویی با غیر مسلمانان است و از دیگر سوی شیوه‌ی راهبرد امام آموزه‌ی عملیاتی شده‌ای است که آینده‌ی تلاقی ادیان را عرضه می‌کند. از این رو نوع بازگشت و خوانش (قرائت) مسلمانان به منشورنامه‌های ایدئولوژیک اهل بیت پیامبر اعظم می‌تواند راهکار پیشگیرانه‌ای برای برون‌رفت از بحران نبرد ادیان در هزاره‌ی سوم مسیح می‌باشد. نمایان ساختن هستی و چگونگی چنین راهبردی آرمان این مقال خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: امام رضا، شیخ صدوق، توحید، اسلام، ادیان.

1. Am14noor@yahoo.com

بررسی دیدگاه فلاسفه اخلاق اسلامی

با تکیه بر دیدگاه نراقی در جامع السعادات

مصطفی مومنی / استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه پیام نور سبزوار^۱

فاطمه رجائی / استادیار فقه و حقوق خصوصی دانشگاه حکیم سبزواری^۲

چکیده

مسائل علم اخلاق اولین بار در محاورات سقراطی و سپس تر در اندیشه افلاطون با انسجام و تفصیل بیشتری مطرح شد. ارسطو به طور خاص کتاب اخلاق نیکوماخوس را تألیف نمود. اندیشمندان اسلامی نیز در این مباحث متأثر از این دو فیلسوف بوده و آراء اخلاقی آنها بخصوص در حوزه اخلاق هنجاری مانند ملاک و معیار فعل اخلاقی، از دیدگاه آنها متأثر است. در این نوشتار به تحلیل و بیان دیدگاه عالمان علم اخلاق اسلامی با محوریت ملا مهدی نراقی در این زمینه می پردازیم. مسئله نوشتار این است که جایگاه عدالت در منظومه اخلاقی مولی مهدی نراقی - که معمولاً اکثر دانشمندان اخلاق اسلامی هم نظری موافق با دیدگاه وی دارند - چیست؟ و رابطه اخلاق و عدالت در منظومه اخلاقی آنها چگونه است؟؛ فرضیه تحقیق این است که از دیدگاه علماء اخلاق اسلامی، بویژه نراقی، عدالت مبنای اخلاق در همه عرصه‌های آن است. از این رو در این نوشتار به تبیین این فرضیه پرداخته شده و نتایج تحقیق چنین است: از دیدگاه این افراد اخلاق چه فردی و چه اجتماعی بر مبنای و محور عدالت است؛ عمل اخلاقی عملی است که عادلانه باشد و فرد متخلق نیز فردی است که عدالت بر قوای نفسانی وی حاکم باشد؛ هر چند عدالت اقسام گوناگونی دارد ولی عدالت فردی و تحقق عدالت در سرزمین نفس مبنای تحقق همه اقسام عدالت است. از این نظریه به عنوان «اخلاق عدالت محور» تعبیر شده است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، عدالت، مولی مهدی نراقی، معیار فعل اخلاقی، اخلاق

عدالت محور.

1. esfad2003@yahoo.com

2. f.rajaei@hsu.ac.ir.com

عدالت سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی

محسن مهاجرنیا/ عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی^۱

چکیده

گفتمان انقلاب اسلامی، در زمانی ظهور کرد که گفتمان‌های لیبرالیستی و مارکسیستی در قرن بیستم، حاکم بودند و تفاسیر جهانی و فراگیری در باب عدالت ارائه کرده بودند. انقلاب اسلامی با بازسازی مفهوم عدالت بر اساس آموزه‌های اسلامی، گفتمان‌های رقیب را با چالش فکری مواجه ساخت. طرح عدالت تکوینی در پهنه آفرینش و منطبق با عقل و فطرت انسانی و ابتدای عدالت تدوینی و توزیعی بر اساس آن، بر خلاف رویکرد گفتمان‌های رقیب بود. تفکیک رویکرد پیشینی و پسینی، ارزشی و روشی، شکلی و محتوایی، آرمانی و کنشی بودن عدالت، راهبردی و راهکاری بودن آن و سازگاری و پیوند وثیق عدالت با همه مفاهیم اجتماعی مانند، امنیت، آزادی، رفاه، قانون و نظم، توسعه و تکنولوژی، مردم سالاری دینی و شایسته سالاری، انتخابات و اکثریت، از نوآوری‌های گفتمان انقلاب اسلامی است. این گفتمان با قرائت خود نشان داد که زندگی شهروندی و شهریاری در دنیای مدرن، تنها بر خمیرمایه عدالت به پویایی و پایایی و نشاط اجتماعی و پیشرفت مادی و معنوی می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: عدالت، عدالت اجتماعی، گفتمان، تحول، انقلاب اسلامی ایران.

نقش عدالت در شکوفایی تمدن اسلامی

علی اکبر نوایی شوروزی / عضو پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی^۱

چکیده

تحقق و استقرار عدالت در صحنه اجتماعی در اقتصاد و نظام حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، گوهری گمشده و کم حضور در صحنه تاریخی و اجتماعی بوده و می باشد. که برآورده شدن آن در پهنشدت تاریخی، آرزو و آرمان دیرینه بشر بوده و خواهد بود. در اندیشه معرفتی، اجتماعی و سیاسی اسلام تحقق و حضور عدالت در صحنه اجتماعی تمهیدگر و بستر ساز شکوفایی یک تمدن عظیم خواهد گردید و نقشی غیر قابل انکار در تجلی تمدن نوین اسلامی خواهد داشت از این رو، نوشتار حاضر را با تعقیب، تحلیل و توضیح موارد ذیل باز نموده ایم.

۱. مفهوم عدالت اجتماعی و بستر های تحقق آن
۲. مفهوم تمدن نوین اسلامی و فرایند شکل یابی آن
۳. نقش تحقق عدالت اجتماعی در بستر سازی تحقق نوین اسلامی
۴. ضرورت های تحقق عدالت اجتماعی در راستای تمدن نوین اسلامی
۵. نقش آفرینان تحقق عدالت اجتماعی و تمدن نوین اسلامی
۶. حرکت در راستای اندیشه های رهبری در تجلی و شکوفایی تمدن نوین اسلامی

بدیهی است که در راستای موارد یاد شده، نوشتار جهت داده شده، به نتایج پرنمود و بایسته ای دست خواهد یازید.

کلیدواژه‌ها: عدالت، اجتماع، حقوق، رهبری، تمدن نوین اسلامی

عدالت در فقه اسلامی

یوسف نورائی / استادیار گروه حقوق دانشگاه مازندران^۱

محمد قنبرزاده / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران^۲

چکیده

فارغ از تعاریف مختلف برای لغت "عدالت"، رایج‌ترین تعریف از عدالت در فقه، عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره و اعمال منافی مروت است. اینکه در موارد ملحوظاً به، آیا باید این صفت بصورت ملکه درآید یا صرف قوت عرفی این صفت در افراد کفایت می‌کند، اختلاف نظر است. این مقاله ضمن اشاره اجمالی به آراء مختلف در این خصوص به تعریف عرفی از عدالت که بسیار با تعریف لغوی آن همراستاست تمایل نشان داده است: "استقامت و عدم انحراف در افکار و اعمال؛ نظری که در اقوال برخی از متأخرین نیز بدان اشاره شده است. سپس با استناد به معروفترین روایتی که در این موضوع مورد استناد فقهای عظام قرار گرفته شده است، یعنی روایت ابن ابی یعفور، مراحل ثبوتی و اثباتی عدالت مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجاکه در روایات باب و احکام مربوطه، احراز عدالت موردنظر است نه احراز عدم فسق، به راه های احراز عدالت اشاره شده است و مفهوم "حسن ظاهر" به عنوان مهم‌ترین و در دسترس ترین راه احراز صفت عدالت مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. در نهایت با تذکر چند نکته اعتماد به حسن ظاهر در ابوابی چون نماز جماعت، به دلیل مصالح عالییه ای که در جماعت مسلمین مدنظر شارع قرار گرفته از یک سو و عدم تالی فاسد ناشی از تساهل در آن، مورد پذیرش قرار گرفته شده، اما در احکام مهمتری چون ابواب قضا و حکومت، به نگاهی دقیق تر که ناشی از معاشرت و مراوده با فرد است، به مقوله حسن ظاهر توجه داده شده است. در پایان به یکی از کارکردهای دیگر مقوله عدالت در فقه توجه شده است، آنجا که از عدالت به عنوان مبنایی مهم در طریق استنباط احکام می‌توان کمک جست. به نظر می‌رسد این موضوع میتواند به عنوان یکی از ابزارهای اجتهاد پویا بویژه در باب مسائل مستحدثه مدنظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: عدالت، ملکه، گناه کبیره، اصرار بر صغیره، حسن ظاهر، امام جماعت.

1. dr.yoosofnoorai@gmail.com

2. yyffr114@yahoo.com

اصول و آموزه‌های اخلاقی در مناظره

با تأکید بر مناظرات رضوی

دکتر مجتبی نوروزی / استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم^۱

زکيه عابدینی نیا / دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد^۲

مریم مقیسه / دانشجوی کارشناسی رشته علوم قرآنی دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد^۳

چکیده

مناظره یکی از انواع ادبی است که بر اساس گفت و گو بین دو طرف یا بیشتر، درباره‌ی موضوعی خاص شکل می‌گیرد و در آن هر یک از طرفین، مطالب و دلایلی را برای اثبات مدعای خود بیان می‌کند و اگر این روش در خدمت تبلیغ آموزه‌های اسلامی و هدایت بشر قرار گیرد می‌تواند بسیار کارگشا باشد. از این رو توجه به آداب و اصول حاکم بر آن در پرتوی آیات قرآن و کلام معصومین (ع) جهت اثر بخشی هر چه بیشتر ضروری می‌نماید. در این میان گزارشاتی که از مناظرات امام رضا (ع) با علمای ادیان مختلف به دست ما رسیده است، حاوی نکات ارزشمندی است که یک الگوی عملی و نه صرفاً تئوری از مناظره‌ی یک انسان کامل در اختیار قرار می‌دهد. این مقاله که از نوع پژوهش‌های بنیادی بوده، با روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل محتوایی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی آداب مربوط به یک مناظره‌ی علمی در قالب ارکان آن، با نگاه خاص به نمونه‌ی عملی مناظرات امام هشتم شیعیان پرداخته است که نتیجه‌ی آن را می‌توان به‌عنوان یک روش آموزشی مطرح کرد و به کار بست. قدم اول در شکل‌گیری یک مناظره، احساس نیاز به اشتراک‌گذاری دانسته‌ها در مورد مسئله‌ای خاص است، اما آنچه سبب اثربخشی آن می‌شود رعایت اصول حاکم بر مناظره نظیر رعایت عدالت و انصاف، دوری از تعصب و فراموش نکردن هدف مناظره است که همان کشف حقیقت و آموزش غیرمستقیم مطالبی است که در بدو امر پوشیده و نامعلوم بوده است.

کلیدواژه‌ها: مناظره علمی، اصول مناظره، اخلاق مناظره، مناظرات امام رضا (ع).

1. mojtabanoruzi@gmail.com

2. Mzk9288@yahoo.com

3. Maryammogheysch1363@yahoo.com

پیشگامان وحدت و تقریب مذاهب اسلامی

در حوزه علمیه مشهد

علیرضا نوروزی / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد^۱

مجتبی نوروزی / استادیار دانشکده تربیت مدرس قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد^۲

چکیده

وحدت و تقریب میان مذاهب اسلامی از مسائل ضروری جهان اسلام در عصر حاضر است. وحدت و تقریب به معنای انکار مبانی مذاهب و نادیده گرفتن حقایق دینی نیست بلکه به معنای پرهیز از نزاع‌های نامعقول و تعصبات نادرست و تمرکز بر مشترکات میان مسلمانان است. حوزه علمیه مشهد به‌عنوان قدیمی‌ترین حوزه علمیه شیعی که تاسیس آن به دوران حضور امام رضا(ع) بر می‌گردد، در گسترش وحدت و تقریب میان مذاهب پیشگام بوده است. تربیت شخصیت‌هایی مانند شیخ طوسی در دوران متقدم و مجالسات ایشان با علمای اهل سنت شاهی بر این مدعاست. در دوران متأخر بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز علما و اندیشوران حوزه علمیه مشهد قدم‌های مثبتی در این مسیر برداشته و زمینه مذاکره و مراوده علمی و تعامل بیشتر را فراهم نموده‌اند. از میان معاصرین شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی، آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالله شیرازی، آیت‌الله العظمی حاج سید علی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، آیت‌الله العظمی حاج سید علی سیستانی، آیت‌الله حاج شیخ محمد کفعمی، آیت‌الله حاج سید مهدی عبادی، آیت‌الله حاج شیخ محمد واعظ‌زاده خراسانی، آیت‌الله حاج شیخ عباس واعظ طبسی و آیت‌الله حاج شیخ رجبعلی رضازاده در عرصه تقریب و تعامل میان مذاهب اسلامی شاخص بوده و خدمات ارزنده‌ای در این راستا ایفا نموده‌اند. در این نوشتار، ضمن معرفی عالمان پیشگام حوزه علمیه مشهد در عرصه وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، به برخی خدمات و اقدامات و اندیشه‌های تقریبی آنان در خصوص تعامل میان جهان اسلام اشاره می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: مفاخر، حوزه علمیه مشهد، وحدت، تقریب مذاهب اسلامی، پیشگامان

وحدت.

1. a.norouzi@mail.um.ac.ir

2. mojtabanorouzi@gmail.com

حوزه علمیه مشهد

نهضت‌ها و تحولات داخلی و بین‌المللی

علیرضا نوروزی / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد^۱

مجتبی نوروزی / استادیار دانشکده تربیت مدرس قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد^۲

چکیده

حوزه علمیه مشهد به‌عنوان یکی از مجامع علمی کهن در حوزه علوم انسانی و اسلامی، در طول تاریخ مورد توجه شیعیان و مهد پرورش بزرگان و شخصیت‌های تاثیر گذار بوده است که آغاز فعالیت‌های آن به دوران حضور امام رضا (ع) باز می‌گردد، آنجا که محدثین و شیعیان فراوانی از محضر آن امام معصوم استفاده می‌کردند و معارف بلندپایه آن امام همام را ترویج می‌نمودند. وجود مرقد مطهر امام هشتم (ع) در مشهد مقدس، این شهر را در زمره شهرهای مذهبی قرار داد و به تدریج با تأسیس مدارس علمیه فراوان، زمینه مساعدی برای استقرار و هجرت علما و مراجع و پرورش طلاب در زمینه‌های مختلف فقهی، اصولی، حدیثی، فلسفی و کلامی فراهم آمد. بطوری که بسیاری از شخصیت‌های برجسته شیعی محصول علمی و فکری این حوزه مقدسه به شمار می‌روند؛ شخصیت‌هایی چون شیخ طوسی، شیخ طبرسی، شیخ حرعاملی، حکیم حاج ملاهادی سبزواری، آخوند خراسانی و دیگر بزرگان که در این حوزه تربیت شده و موجب تحولات قابل ملاحظه‌ای در جهان اسلام شدند.

با گسترش حوزه و ظهور شخصیت‌های برجسته حوزوی، عالمان دینی رهبری نهضت‌های مختلف دینی و ملی و فرهنگی را بر عهده گرفتند و ضمن روشنگری، در بسیاری از حرکت‌های سیاسی و اجتماعی نقش بسزائی ایفا نمودند. در این نوشتار، ضمن بررسی و تحلیل اوضاع حوزه علمیه مشهد از دوران مشروطه تا عصر حاضر، به معرفی برخی مفاخر و شخصیت‌های تاثیرگذار حوزه علمیه مشهد پرداخته و نقش آن‌ها در نهضت‌ها و تحولات داخلی و بین‌المللی را بازگو می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: مفاخر، حوزه علمیه مشهد، نهضت‌های داخلی، انقلاب اسلامی.

1. a.norouzi@mail.um.ac.ir

2. mojtabanorouzi@gmail.com

بررسی حقوق و اخلاق در خانواده از منظر امام رضا (ع)

مجتبی نوروزی / استادیار دانشکده تربیت مدرس قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد^۱

زینب ایزدخواه / کارشناسی ارشد علوم قرآن دانشکده تربیت مدرس قرآن کریم مشهد^۲

چکیده

استحکام خانواده و پیوند عمیق و عاطفی میان اعضای آن در گروی رعایت عدالت و حقوق متقابل افراد است و رعایت این حقوق ضامن سلامت خانواده و در مرحله بعد سلامت اجتماع است. اگر در خانواده به دلیل عدم رعایت حقوق متقابل نظام عادلانه ای حاکم نباشد، خانواده از هم می پاشد. آثار فروپاشی خانواده ابتدا بر زن و شوهر و فرزندان و بعد بر جامعه است. متأسفانه بسیاری از معضلاتی که اکنون در جامعه دیده می شود ریشه در رعایت نکردن حقوق خانواده و تربیت نادرست فرزندان در خانواده دارد. شرط لازم برای رعایت و انجام تعهدات حقوقی، شناخت این حقوق است و از آنجاکه انسانها وقوف کاملی بر این وظایف و حقوق ندارند، باید برای شناخت صحیح و دقیق آن به تعالیم وارده از معصومان (ع) و سیره عملی آنها مراجعه کرد. این پژوهش باهدف بررسی و شناخت حقوق افراد مختلف خانواده در جهت برقراری عدالت در خانواده از دیدگاه معصومان (ع) و به ویژه امام رضا(ع)، به روش تحلیلی و توصیفی تنظیم شده است. آنچه در آخر پس از دستیابی به نظام حقوقی و اخلاقی موجود در روایات به دست می آید، این است که برای برقرار ساختن عدالت، معصومین(ع) بر توجه بیشتر به اخلاقیات در نظام خانواده تأکید نموده اند؛ چراکه عدالت از اصول اخلاقیست؛ لذا اگر اخلاق در خانواده حاکم شود، هیچ حقی از اعضاء خانواده پایمال نخواهد شد و در نتیجه عدالت در محیط زندگی برقرار خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، حقوق، عدالت، خانواده، فرزند، امام رضا(ع)، سیره رضوی.

1.mojtabanoruzi@gmail.com

2. izadkhah22@gmail.com

نقش عدالت اجتماعی در شکوفایی علمی

تمدن اسلامی عهد رضوی

سید علیرضا واسعی / دانشیار پژوهشکده اسلام تمدنی، پژوهشگاه فرهنگ اسلامی^۱

طاهره سادات صالح شریعتی / کارشناس ارشد تاریخ

چکیده

علوم در تمدن اسلامی ادواری را پشت سر نهاده و مراحل تکوین، رشد و شکوفایی، گسترش و به دنبال آن رکود و حتی به زعم برخی انحطاط را سپری کرده است. تمدن شناسان، عهد مأمون عباسی را که بخشی از آن با حضور علمی امام رضا(ع) همراه است، دوره آغاز اوج گیری و نضج آن دانسته اند. این که چه اسباب و عللی در آن نقش داشته، پرسشی محوری است که محققان پاسخ هایی به آن داده‌اند، اما آن چه بیش از همه اذهان آنان را به خود معطوف ساخته، وجود فضای مناسب اجتماعی و متناسب با تولید علم بوده که این دوره را از ادوار دیگر متمایز ساخته است. بی گمان رشد علم و توسعه مرزهای آن در کویر فکری و خلوت افراد یا با فرمان حکومتی و حتی بذل و بخشش مالی پدید نمی آید، بلکه محصول هم اندیشی، مناظره، پرسش و پاسخ و وجود فضای تعاملی آزاد برای اندیشمندان، دانشمندان و دغدغه مندان است که امکان اظهار نظر و نقد بنیادین داشته‌ها را می‌دهد. به زعم این نوشتار، دوره امام رضا(ع) چنین بستری فراهم شده بود، چون از یک سو همه افراد از هر مسلک و مذهبی می‌توانستند وارد گفتگوی علمی و تمدنی گردند، از سوی دیگر به نقد یافته‌ها و داشته‌های مسلمانان بپردازند و از آن مهم تر، آثار و نوشته‌های بیگانگان را که در ذهنیت مسلمانان اولیه ارزش اعتنا نداشتند، به زبان اسلامی برگردانده و در نشست های علمی و مناظره‌های جدی، با امکان برابر که حتماً نسبی با فضای جامعه داشت، مورد چند و چون قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: تولید علم، عهد رضوی، مأمون عباسی، عدالت اجتماعی، فرصت

برابر

عدالت سیاسی اخلاق محور

احمد واعظی / استاد گروه فلسفه مضاف دانشگاه باقر العلوم (ع)

چکیده

عدالت سیاسی به معنای جریان دادن و استقرار و فعلیت بخشیدن به عدالت در قلمرو و عرصه مناسبات و روابط سیاسی است. «عدالت سیاسی» کلان ساختار مناسبات سیاسی جامعه را عادلانه می‌خواهد. تفکر سیاسی مدرن به ویژه در قالب لیبرال دموکراسی فضای متنوع‌تری برای عدالت سیاسی گشود و «خیرات سیاسی» جدیدی را موضوع توزیع عادلانه در سطح جامعه قرار داد. مقولاتی نظیر «حق انتخاب کردن»، «حق انتخاب شدن»، برابری سیاسی و ... از دستاوردهای نگاه مدرن به حوزه سیاست است. عدالت سیاسی با سه مسئله و چالش بنیادین پیوند خورده است نخست آنکه شرایط وجودی تحقق عدالت سیاسی چیست؟ در سطح بین‌الملل و داخلی تحت چه شرایطی می‌توان توقع و انتظار برقراری عدالت را داشت؟ آیا صحیح است که واقعیتی به نام «قدرت برابر» و «عدم امکان واقعی اعمال ظلم و بی‌عدالتی» تنها ضامن تحقق عدالت در حوزه سیاست داخلی و بین‌الملل است؟ پرسش دوم معطوف به نسبت میان «عدالت سیاسی» و دیگر فضایل و ارزش‌های جامعه سیاسی است. بی‌گمان عدالت یک فضیلت شاخص و اساس در حیات اجتماعی است اما یگانه فضیلت نمی‌باشد از این رو یکی از دغدغه‌های مهم آن است که در ظرف تراحم میان عدالت و امنیت، عدالت و حفظ نظام و مانند آن چه باید کرد؟ پرسش مهم دیگر آن است که جایگاه اخلاق و نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی و یا نهادسازی در جهت صیانت از اخلاقیات در فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی، در استقرار عدالت سیاسی چیست؟ مدعای اصلی مقاله آن است که با مراجعه به منابع اسلامی و سیره معصومین روشن می‌شود که اخلاق محوری، ایمان به مبدأ و معاد، حق‌مداری و اعتقاد به کرامت انسان‌ها که از ویژگی‌های اصلی سیاست اسلامی است پیش‌نیاز جدی استقرار عدالت سیاسی است این جامعه اخلاقی و بهره‌مند از نهادهای حافظ و مروج اخلاق‌مداری است که می‌تواند در عمل پذیرای جلوه‌های مختلف عدالت سیاسی باشد.

کلیدواژه‌ها: عدالت سیاسی، اخلاق و عدالت، امنیت و عدالت.

معیارهای اخلاقی سود عادلانه مادی در فعالیتهای اقتصادی از دیدگاه قرآن

سید احمد وحدتی شبیری / دانشجوی دکتری معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد^۱

چکیده

اخلاق، طبق رهنمود آیات شریفه قرآن کریم، همه شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد، ابعاد اقتصادی و معاملات نیز از این امر مستثنا نیستند. اسلام، برای نظم دهی به روابط اقتصادی مردم، اصل عدالت را به تمام تعالیم اخلاقی خود در حوزه اقتصاد تعمیم داده است. مقاله حاضر در جستجوی ارتباط معیارهای اخلاقی مطرح شده در آیات قرآنی با تأکید بر کسب سود عادلانه در فعالیتهای اقتصادی است. از بررسی آیات مرتبط با این موضوع این نتیجه به دست می‌آید که قرآن کریم بر معیارهای اخلاقی در اقتصاد اسلامی، برای به دست آوردن سود عادلانه تأکید دارد. آیات مربوط به موضوعاتی چون ربا، احتکار، زکات، انفاق، و سایر آیاتی که به نوعی با اقتصاد عادلانه مرتبطند؛ در این جستار جای می‌گیرند که برخی از آنها را بررسی می‌کنیم. در نتیجه معیار در فعالیت اقتصادی مشروع از نگاه قرآن، عادلانه بودن سود حاصل از آنست.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اقتصادی، سود مادی، ربح، فعالیت اقتصادی

حیات سیاسی امام رضا(ع)

عامل وحدت و همگرایی میان مسلمانان

رضا وطن‌دوست / مربی فقه و مبانی حقوق / بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس^۱

چکیده

مسأله وحدت و همگرایی در جامعه توحیدی، پیش از آنکه دستوری و حیانی باشد، امری عقلانی است و بیش از آنکه مطلوبی دینی باشد، ضرورتی عینی است؛ چراکه وحدت در نظام اجتماعی اسلام تداوم حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح است، و نه تنها وحدت ریشه در عقاید مسلمانان دارد که حیات آنان و تاریخ درخشان امت اسلامی بر آن استوار است. اما باید دانست این ضرورت، نه با اعجاز که با تدبیری آگاهانه، و نه با تصادف که با تلاش مسؤلانه تمامی اندیشمندان و زمامداران امکان پذیر است. خوب است در این باره امام علی بن موسی الرضا(ع) را الگوی خود قرار دهیم که وحدت و همگرایی در گفتار و رفتارشان موج می‌زند و در عمل به مثابه منبع وحدت میان مسلمانان به شمار می‌آید. این جستار که در پاسخ به همایش بین‌المللی سیره و معارف رضوی، سامان یافته، می‌کوشد با مراجعه به سیره نظری و عملی امام رضا(ع) به این پرسش که حیات سیاسی آن حضرت نسبت به وحدت و همگرایی در جامعه ایمانی چه تأثیری داشته، پاسخ دهد، و با ذکر نمونه‌های عینی و تاریخی که برای همگان مشهود و قابل فهم است، گوشه‌ای از این واقعیت را به نمایش بگذارد و به خوانندگان محترم و تشنگان معارف رضوی تقدیم نماید. با توجه به ضرورت موجود، این تحقیق بر آن است پس از بیان مفهوم‌شناسی وحدت و همگرایی و اشاره به ضرورت عقلانی و حیانی آن، نمونه‌هایی از رفتار وحدت‌گرایانه امام علی بن موسی الرضا(ع) را در عرصه‌های مختلف زندگی و تعامل آن حضرت با مخالفان و دگراندیشان، تبیین نماید.

کلیدواژه‌ها: امام علی بن موسی الرضا(ع)، سیره رضوی، عامل وحدت، همدلی،

همگرایی.

دور العدل في الحضاره الاسلاميه

غلامرضا رئيسيان / الاستاذ المساعد في قسم العلوم القرآن و الحديث و عميد كلية الالهييات و المعارف الإسلاميه بجامعة فردوسي مشهد. الأمين العام للمؤتمر الدولي للعدالة و الأخلاق^١

الحضارات لها عناصرها و مكوناتها ، بعضها مشتركه بين الحضارات الدينيه و غير الدينيه و بعضها مختصه بالدينيه. من المكونات المشتركه بين جميع الحضارات، التنظيم السياسي، الامن و السلام، الازدهار العلمي و التكنولوجي، الازدهار الاقتصادي، عمران البلاد، الرخاء و الرفاهيه و من اهمها القسط و العدل. انا اعتقد ان هذا العنصر بمعناه اللغوي (وضع الشئ في موضعه او اعطاء كل ذي حق حقه) له دور هام في تكوين و استمرار كل حضاره. كما يقال : الحكم يبقي مع الكفر و لا يبقي مع الظلم. و لكن دوره في الحضاره الاسلاميه يختلف مع دوره في غيرها من الحضارات. و ليس المراد من الاختلاف، الاختلاف في ماهيته بل المراد منه الاختلاف في نطاقه و شموليته لجميع شؤون الحياه الفرديه و الاجتماعيه. حينما نتصفح القرآن الكريم و نفحص في الروايات نجد ان العدل يشمل جميع جوانب الحياه البشريه. من المنظور الاسلامي العدل ركن المعاد و الايمان بالآخره و هدف التشريع الالهي السامي و فلسفه البعثات السماويه و الرسائل الربانيه و من شروط التصدي للمسئوليه التنفيذيه في المجتمع الموحد و من مسؤوليات الفرد الاخلاقيه و الاجتماعيه للانسان المؤمن الموحد الهادف الي بناء نفسه و بناء المجتمع الحضاري الذي يتطلع الي الذري. اذا العدل سيطر علي افراد المجتمع و تحلوا بحليه العدل في جميع شؤونه الفرديه و الاجتماعيه نستطيع ان نصف هذا المجتمع بانه مجتمع حضاري بكل ما في الكلمه من المعني.

الكلمات الرئيسيه: الحضاره، العدالة، القرآن الكريم، الروايات

فكرة العدالة من راولز إلى الإمام الرضا مرورا بأفلاطون

ادريس هاني / عضو منتدى الحكمة للمفكرين و الباحثين بالمغرب¹

في هذه الورقة نسعى لتأمل فكرة العدالة تحت ضغط المقارنة بين القديم والحديث، ذلك لأن المقارنة وحدها تفضح سيرورة مفهوم لا زال يبرح مكانه باستمرار، مما يؤكد أن فكرة العدالة ظلت وستظل مطلباً مستداماً. الأمر الذي يجعلنا ننتقل من قضية محسنة وليست فرضية، هي أن الظلم هو قضية مركوزة في بنية النشاط لكائن خطأ. ستتجنب طبيعة الحال تفاصيل ذلك الجدل لنقف على كبرى النتائج التي آل إليها وضع العدالة وفكرتها في التاريخ الإسلامي والعصر الحديث، المقارنة هنا ليست تاريخانية، حيث لا جدوى من هذا الشكل من المقارنة ولكنها مقارنة بنوية هدفها الذهاب إلى أن فكرة العدل تستند إلى إحساس فوق تاريخي، لا يترك للتاريخ غير مظهراته وتمأساته. ففي كل عصر كانت هناك احتجاجات ضد الظلم ومطالب من أجل العدل. وبما أن التراث الإسلامي زاخر بالكثير من التعاليم والمواقف المتعلقة بالعدل وقضايها، فإننا سنركز النظر على فكرة العدل لدى أحد كبار أئمة العالم الإسلامي بلحاظ تجربته السياسية في سياق مليء بالأحداث، وفي لحظة تاريخية ألحت فيها فكرة العدالة إلحاحاً كبيراً. كيف نستطيع إعادة إنتاج موقف العادل من داخل التراث الإسلامي؟ كيف نقرأ موقف الإمام الرضا(ع) من الوضع السياسي لعصره ومدى حضور فكرة العدالة من خلال ما قاله عن العدالة؟ وكيف نستطيع استلهاهم فكرة عن العدالة من تجربة إمام داعية للعدل حتى لمّا يعرض عليه الحكم ملتبسا وملغوماً؟ ولكن قبل كل هذا أسعى إلى وضع جملة من المقدمات حول فكرة العدالة وتموضعها في منظومة القيم وبعض الأفكار الفلسفية التي تشغل تأملاتي للإطار المعرفي الذي يؤطر هذه الإشكاليات، بتعبير أوضح لا بد أن أضع مقدمات لخلاصة تأملي وفكرتي عن العدل والعدالة، والتي تجد إطارها في هذه المدرسة الرضوية.

الكلمات الرئيسية: العدل، فكرة العدالة، الإمام الرضا(ع)، فلسفة العدالة

ظرية العدالة الاخلاقية لدي المفكرين المسلمين في القرن الرابع الهجري (جيل مسكويه و التوحيدي)

حميدرضا شريعت مدارى / الاستاذ المشرف فى الفلسفه الاسلاميه فى جامعه الاديان و المذاهب الاسلاميه فى قم¹

يعتبر القرن الرابع الهجري حقبة زمنية فريدة في نوعها في التاريخ الاسلامي سيما في تاريخ التفكير العقلي في العالم الاسلامي و ذلك لاحتضانها ذروة التفكير الحر و الانفتاح العقلي لدي المفكرين المسلمين من مختلف الاتجاهات الدينية و القومية .
هؤلاء المفكرون الذين يعبر عنهم أركون في "نزعة الانسنة في القرن الرابع الهجري" بجيل مسكويه و التوحيدي لم يحصروا انفسهم في الفلسفة الاسكولاستيكية التقليدية و لم يكن اهتمامهم بالقضايا الفلسفية من منطلق الترفيه الفكري بل ناشئا من صميم كيانهم و هموماتهم فإننا ربما لانجد في هذه الفترة فلاسفة بمستوي الفيلسوفين الفذيين الفارابي و ابن سينا اللذين سادا الفلسفة الاسلامية في بداية هذا القرن و نهايته ألا أن حيوية الاوساط الفلسفية و الحلقات العلمية بإشراف من الحكماء و الوزراء و ما تسربت من هذه المقابسات و مجالس الإمتاع و المؤانسة كما يرويها ابوحيان التوحيدي قد رسمت صورة خلابة عن هذه المرحلة و نتائجها مما جلبت اهتمام المستشرقين و المفكرين العرب في الآونة الاخيرة .
من ضمن السمات التي اتسمت بها الفلسفة في القرن الرابع الهجري يمكن التركيز علي الهموم الانسانية و الأخلاقية لدي هذه النخبة العقلية و قد تبلرت هذه الهموم في مختلف الحلقات العلمية و الكتب الفلسفية . و قد أهتم كثير من الباحثين بالجانب الانساني لهذه الحركة العقلية لكن الجانب الاخلاقي لم يتلق العناية المستحقة .
هذه المقالة تحاول أن تلقي الضوء علي هذا الجانب المنسي نسبياً من خلال مراجعة مؤلفات مسكويه (تهذيب الاخلاق و تطهير الأعراق) و من قبله يحيى بن عدي (تهذيب الاخلاق) و التوحيدي (بكتابه المشهورين المقابسات و الأمتاع و المؤانسة و كتبه الاخرى مثل رسالة الحياة).

الكلمات الرئيسية: العدالة الاخلاقية، نزعة الانسنة، مسكويه، ابوحيان التوحيدي

أساس القيم الأخلاقية في عهد الإمام الرضا (ع)

هدى محمد سلمان / جامعه بغداد - مركز البحوث التربوية والنفسية¹

تعد النية الباعثة على العمل إحدى موضوعات الأخلاق الإسلامية المندرجة ضمن عنوان: أساس القيم في السلوك الأخلاقي. فمن ميزات النظام الأخلاقي للإسلام اعتبار النية مصدراً للحسن والقبح، وهي ميزة تختص بها النظرية الإسلامية في الأخلاق دون غيرها من النظريات، باستثناء مدرسة «كانت». فالإسلام يرى أن حسن الفعل لا يكفي في تحقيق القيمة الأخلاقية للفعل، بل يلزم انضمام الحسن أفاعلي إليه، وعليه فإن آثار الأفعال الأخلاقية من قبيل: الكمال والسعادة تترتب على النية الصحيحة. إذ تستنبط أسس الأخلاق عند الإمام الرضا (عليه السلام) في:

١- الإلزام إن القيمة الأخلاقية تستنبط دائما عنصرا إلزاميا، لأن النفس الإنسانية جبلت على الإحساس بالخير والشر.

٢- المسؤولية وهي الاستعداد الفطري والقدرة بأن يلزم المرء نفسه أولا، وأن يفى بالتزامه ثانيا.

٣- الجزاء تنطلق فكرة الجزاء من قاعدة إن الإنسان يجب أن يثاب على عمل الخير، و يعاقب على عمل الشر. وطالما أن الباري عز وجل ألزمتنا بالطاعة والعمل الصالح، فقد ألزم نفسه بالجزاء.

٤- النية والدوافع إن الله لا يرتضي من الإنسان عملا خارجيا، ما لم يكن هناك عمل باطني فيه ارادة وعزم لتحقيق العمل الخارجي ويعتبر القلب مركز الإيمان ومصدر النية.

٥- الجهد الجهد هو استثمار طاقة الإنسان في تحقيق العمل الأخلاقي، فالمعصية لا يمكن تجنبها ما لم يبذل جهد خاص داخل النفس الإنسانية لردعها عن ذلك الفعل ولا يمكن أداء التكاليف الشرعية ما لم يبذل جهد خارجي خاص بذلك.

الكلمات الرئيسية: الإمام الرضا(عليه السلام)، الأخلاق الإسلامية، أسس الأخلاق،

الحسن أفاعلي



The Question of Justice and Gender in Islam: Case Study of All India Shia Personal Law Board (AISPLB)

Tabzeer Yasin Baghdadi¹ ICSSR Doctoral Fellow, Department of Political Science, University of Kashmir

The establishment of a just, fair and ethical society is one of the foremost tenants of Islam. Therefore it would not be an exaggeration to say that the question of gender justice can also be inferred through numerous verses of the Qur'an which establishes the framework of Qur'anic *Weltanschauung*. However, a divergence can be witnessed in the manner in which 'gender justice' has been interpreted by All India Shia Personal Law Board (AISPLB) and All India Muslim Personal Law Board (AIMPLB, dominated by Sunnis), particularly in case of personal laws pertaining to divorce. While AIMPLB has out rightly rejected the question of re-considering the existing personal laws, AISPLB has published a 'model nikahnama' (sample marriage contract) that denounces triple talaq in one sitting. Since AISPLB is only a decade old organization, its role with regard to the establishment of a gender just society has not been studied till date. The main argument of this paper is whether 'shia interpretation' is more liberal or progressive than 'sunni interpretation' on the question of Muslim women's rights? The question of 'justice' and 'ethics' in this progressive interpretation of Islam will also be looked into. The paper will also analyze the role of AISPLB in bringing change to the Shia community keeping the principles of justice and ethics in Islam viz-a-viz Muslim women. The methodology adopted would be textual and comparative. The paper will conclude by drawing concrete inferences from the comparative analysis of both boards regarding the gender justice and progressive interpretation of text regarding personal laws.

Keywords: Gender justice, ethics, personal law, Islamic law

¹ tabbu.syb@gmail.com

**Interaction between Muslim and Non-Muslim States Given the
Theological Idea of Dar al-Islam and Dar al- Harb**

Ali Pezeshki, PhD⁴³ Assistant Professor at Islamic Azad University of Zanjan and Vice President of Zanjan Bar Association.

Given the obvious need for interaction between Muslim and non-Muslim states, the important question arising here is the extent to which this interaction is consistent with an Islamic theological idea under which the world is divided into two territories, one where Islam rules, *Dar al-Islam* i.e. the House of Islam, and one where Islam does not rule, *Dar al- Harb* i.e. the House of War. What makes this question more sensitive is that, regarding to the idea in question; some Muslim scholars believe that all Muslims should form a single state, whose purpose is to conquer non-Muslim nations, to subordinate them to Islam and *Shari'a*. This article is meant to answer this controversial question.

Keywords: Dualism, Dar al-Islam, Dar al-Harb, *Shari'a*, Muslim state

Analysis of Justice through Maq şid Theory

Zahoor Ahmad Wani⁴² PhD student at the Department of Islamic Studies,
Jamia Hamdard

The notion of Justice (*al-Adl*) is one of the basic objectives (*maq şid*) of Islam and an inherent right of all human beings under the *Shar'ah* to establish a just society. It exists in Islamic resources from all perspectives even in *Shia* theology of Islam it has been given a separate place under the basic tenets and principles of Islam (*uş l al-d n*). There are various *Qur'anic* verses and *aḥ d th* explaining this very essential principle of Islam and it has been asserted that one of the basic purposes of the Divine revelation is to achieve Justice and welfare of mankind and other creatures. It is also certain that this very essence of *Shar'ah*-which is justice and welfare of earthly beings-cannot be achieved without a sincere attempt to follow the *Shar'ah* in accordance with the Divine will and wisdom. This is the reason why *Maq şid al-Shar'ah* (higher objectives of *Shar'ah*) and the notion of justice have been elaborated side by side by innumerable scholars since just after the time of the Prophet. *Maq şid al-Shar'ah* aims to promote the *Shar'ah* in accordance with the Divine will of Allah and develop a strong sense of justice and society among all human beings. In the proposed paper an attempt will be made to study the notion of justice in the light of Holy Quran and the Prophetic traditions and illustrate its relationship with the *Maq şid* theory. It will also focus on analyzing the contemporary literalist groups who insist on reference to the Texts but oppose interpretations based on the objectives (*maqşid*). In this analysis, the paper will highlight how these contemporary literalist approaches lack the very spirit and essence of *Shar'ah* in their elicitations and references and will emphasize on the need to interpret the *Shar'ah* in the light of *Maq şid* in order to establish an intrinsic sense of justice and equality in the society. Focusing on textual and material resources, this study will apply the exploratory and descriptive design using the content analysis method.

Keywords: Justice, *Shar'ah*, *Maq şid al-Shar'ah*, *Maq şid* Theory

Islamic Justice from the lens of Mohammad Reza Hakimi

MD Abdul Gaffar, PhD⁴¹ Research Fellow at Indian Council of World Affairs

Scripturalist Islam depicts Islamic teachings as something completely different from science, philosophy and mysticism. It separates pure divine understanding from worldly knowledge. The Mashhad seminary has been one such Islamic center which has its focus on non-*feqh*ist and scripturalist readings of Islam. Mohammad Reza Hakimi names the Mashhad school of religious thought as the “separation” school. This school believes in revival of the forgotten sections of religion, propagate Qur’anic truth, execute Islamic ordinances and promote social justice. This brand of scripturalism in the Shi’i world has been under the influence of egalitarian perspectives of the political left and has put its endeavours to show that social justice is the leading priority of Islam. For justice-oriented Islamist view, theological philosophy and political philosophy are related in which they claim that “any ideology that lacks political philosophy is not ideology”. By equating religion and ideology, Hakimi extends this belief to religion. Justice-oriented scripturalist/separationist Islam needs this philosophy to address poverty and social justice. Even Islamic government is pursued to implement this goal. Justice-oriented Islam is fed by Shi’i justice discourse based on the teachings of Imam Ali in *Nahj al-Balagheh* which advertises for distributive justice and its main agenda in fighting against poverty. Shi’i justice-oriented Islamists mostly believed that mere distribution of wealth and income will root out poverty. They never talk about equal opportunity for everyone in front of the law. As far as this distribution could not be based on existing laws, and democracy and freedom would be harmful to the cause, absolute power should be granted to a just ruler whose agenda is only promoting social justice. Even in Al-Hayat’s section on economy, social justice is the most discussed topic in detail. Thus, scripturalist Islam has been successful in capturing the emotional nature of the return of the Islamic values and justice. Within this context, the paper would highlight how Hakimi relate justice to Shi’i Islam, Iranian history, Iranian culture, international conflicts and the political developments of Iranian society.

Keywords: Islamic Justice, Mohammad Reza Hakimi, scripturalist Islam, separation school

41 ab4ghaffar@gmail.com

**Reflections and Impressions of the Conception of Justice:
'Ali Ibn Abi Talib's Letter to Malik Al-Ashtar**

Muhammad Yaseen Gada⁴⁰ PhD student and Senior Research Fellow in
Crusade Studies at Aligarh Muslim University

Islam teaches us to be just with all people. Whether with friends or foes; and at all times, in peace or in war. It teaches its followers to conduct themselves with unconditional justice and morality free from individual whims, social and cultural circumstances, or temporal relativism. This paper attempts to reflect upon the theme of Justice in the worldview of 'Ali Ibn Abi Talib in general, and in relation to the Letter written by 'Ali Ibn Abi Talib to Malik Al-Ashtar, governor of Egypt, in particular. The Letter is of paramount importance for a number of reasons. It not only reflects the directions/rules for ruler/administration towards its people, but more than that, it presents a strong relationship between the concept of justice and the spiritual values of the Islamic faith. The spirit underlying moral rules and ethical injunctions is strengthened by a commitment to transcendent principles that surpass the realm of action within which those rules and precepts operate. The Letter, found as the 52 number in the *Nahj al-balagha*, has remained a source of inspiration for centuries, taken as an ideal constitution, with the Medinan Constitution of the Prophet Muhammad, for the Islamic governance. All in all, the Letter is a stirring expression of spiritual ethos rooted in the Islamic sources that directly discloses the roots of virtue and ethics in a climate governed by the all-embracing principle of revelation.

Keywords: Justice, Ali ibn Abi Talib, Malik al-Ashtar, *Nahj al-balagha*

**Held Up for All the World to See:
Our Costly Need to Put Trauma on Display**

Andrew Buckwalter Fairfield³⁹ Director of Church School and Youth Programming at First Presbyterian Church, NYC

Putting traumatic events and the victims of trauma on display often results in further damage both to the individuals involved and their social context. Despite this, revealing information remains a necessary step in the healing process. This double-edged nature implies that displays intended to harm and terrorize hold the potential to be re-purposed to promote solidarity and healing, as in the case of the crucifixion of Jesus of Nazareth. The United States Institute for Peace Special Report “Training to Help Traumatized Populations” states that “the healing of traumatized individuals cannot take place within a social vacuum, and it is often part of an ongoing social process.” Any social process will require interpersonal communication. Even in cases where the cause of the trauma is well known to all involved, the individuals involved will be asked, implicitly or explicitly, to disclose something of their personal reactions. In this paper we explore how meaningful healing, insofar as it requires social connection, by the same token requires some level of exposure of the victim. Unfortunately, putting victims on display has often been used to harm rather than heal, becoming the source of trauma, not just a testimony to it. From the most severe (e.g., public executions) to the relatively trivial (e.g., posting embarrassing photos online), displays are often employed to intentionally delegitimize and dehumanize their subject. Such violations make clear just how malignant display can be, and how well-founded is the reluctance on the part of many victims to engage in further self-disclosure. In this paper we will examine the double-edged nature of display, especially as regards the exposure of past trauma. Throughout we will seek answers to some disturbing questions: Can even the most malicious uses of display be repurposed to inspire empathy, or are there limits to this transformative process? What responsibility does this place on we who are witnesses? And most disturbingly: Does this place a responsibility, an additional burden, on the shoulders of victims to disclose their hurt in order to catalyze healing? We will then look at those factors that mitigate or transform potentially harmful displays, redeeming them for healing purposes. The paper will end with theological and practical approaches to promote that transformation.

Keywords: trauma, healing, display, social connection

³⁹ andrewrbf@gmail.com

dynamics of centuries old Jirga system's acceptance in twenty first century, because majority of population in FATA consider this set-up, the only way to preserve cultural values, which provide quick and affordable justice. Concluding, the focus of my study is to evaluate the composition, prerogative and performance of Jirga system in FATA, especially when it comes to dispense justice for inhabitants of this area.

Keywords: Pakistan, FATA, Jirga, Islam, Ahl al-Bayt, Al-Qaeda, Taliban.

**Jirga System: Forum to Dispense Justice-Traditional Vs Islamic
(A Case-Study of FATA-Pakistan)**

Shehzadi Zamurrad Awan, PhD³⁸ Assistant Professor of Political Science at
Forman Christian College, Pakistan

Jirga is a unique system, practiced in the northern tribal areas of Pakistan, known as Federally Administrated Tribal Area (FATA), bordering Afghanistan. Jirga comprises of elders from various local tribes, coordinated by leading personalities known as *Maliks*. This particular judicial system operates where the federal government has a limited control, although, its representatives known as 'Political Agents' provide a link between the two. FATA area of Pakistan occupies 32000 square Kilometers of land and is residence of approximately 4.453 million people, divided into seven administrative tribal agencies (*Bajaur, Mohmand, Khyber, Orakzai, Kurram, North and South Waziristan*). In this area, majority of *Sunni* Muslims resides, whereas *Shia* tribes like *Turi, Ali Khel* and *Bangesh* in *Kurram* and *Orakzai* agency are also present in a sizable minority, adhering the practices of Ahl al-Bayt and rejecting the extremist interpretation of Islam, like that of Al-Qaeda/Taliban. There are instances where the *Talibanization* faced serious resistance from the *Shia* tribes, particularly in *Orakzai* Agency. Despite of a number of reforms by various governments, the area is still deprived of proper judicial system. It has further aggravated social backwardness, economic under-development and political deprivation. As per the understanding of modern justice system, there have been instances, where the decisions of Jirga under tribal culture overlooked the rights provided by Islamic jurisprudence and violated human and women rights. Consequently, it raised various questions on the legitimacy of this traditional judicial set-up. Today, many people from FATA are employed either in settled urban areas of other provinces or in foreign countries, which has provided them exposure to the new value system, nevertheless despite of this experience, they are still practicing centuries old cultural norms mixed with religious tenants, devoid of any sign of development and change. Recognizing the fact that the Jirga system in FATA is not a new phenomenon as it is operational since 1901; the major change in this system was observed after the arrival of Taliban ideology, in this area. After that, the power concentrates with those who exhibit extreme views, thus mixing culture with religion in a way that they become inseparable.

This study aims to understand the common acceptability of Jirga System among the residents of FATA in civil and criminal disputes and the differences between the *Shia* and *Sunni* tribes over acceptance and resistance towards bigotry and religious extremism. In a situation, where neither the constitution nor the laws of Pakistan acknowledges any legal status of the Jirga system, what significance and legal position this set-up posses? Moreover, in this scenario, through this study, I would like to understand the

Islam and Civilizational Interaction: Understanding the *Prophetic Paradigm of Dialogue*

Bilal A. Malik³⁷ Ph.D scholar in Islamic Studies at Centre of Central Asian Studies (CCAS), University of Kashmir, India

The concept of “civilizational interaction” is central to philosophy of understanding human relationships. The exchange of knowledge, art, and science between people of diverse religious and cultural backgrounds has been only possible through the process of dynamic interactions. However, sometimes, when civilizations interact, they collide and leave a legacy of resentment that in turn becomes base for parochial and self-serving myths, feeding further conflict narratives. At the threshold of 21st century, world is witnessing that same “myths” are being manipulated in national and international politics. Consequently, nations seem moving towards the policy of establishing “walls”, dividing people into “we” and “them”. It led some people to describe the relations among diverse social groups on the basis of “clash”. “Clash” theorists have suggested that differences in ideologies, structures, values, and most important of all, religion, necessarily give rise to conflict situations. Despite the fact that all religions have been criticized for creating confrontations, Islam alone has become a target point for most of the “clash” theorists. Islam is accused for being an “intolerant” and “exclusivist” religion and claims are made that Islamic civilization and the “rest” will inevitably clash. Quite strangely, after manipulated the things “out of context”, it is allegedly concluded that Islam advocates philosophy of “perpetual war” with the “other”. However, there are obviously certain miscreant so called “Islamic groups” who elude the essence of their religion and aggravate the “differences” by misconstruing their meaning and application. Therefore, Islam at many occurrences seems to be simply “hijacked” and disconnected from its essential qualities such as love of God, love of His creation, and love of whole humankind. In this backdrop, the present paper is an attempt to examine the meaning of the phrase “civilizational interaction” and the nature of relationship between “Prophetic paradigm of dialogue” and “clash of civilizations”. Emphasizing on the formative period of Islamic civilization, the paper will identify the correlation between Islamic civilization and philosophy of coexistence in the light of its “theological” and “ideological” underpinnings.

Keywords: Islam, civilization interaction, clash theorists, prophetic paradigm

Cultural Justice and Cultural Communities, with Regard to Islamic Civilization

Saeed Salari³⁶ PhD student of History of Civilization of Islamic Nations at University of Tehran

Background: Cultural justice in action is to provide equal cultural conditions for flourishing various talents that exist in the society. Some of these measures are being away from culture-affiliated centralization in the metropolis and equitable distribution of credits of this part from the government institutions. Thus, a branch of cultural justice can be devoted to the subject of justice between cultures in the community. **Purpose:** This study intends to explore issues of justice and culture, and to investigate the subject and conditions of that in the society. Also, according to the fact that the Islamic civilization society have been to a significant extent in co-existence with different cultures, the examples of this work is from the heart of this community. **Approach:** This work first pays attention to the conceptual analysis and finding relationship between these two phenomena based upon an abstract look, and then with pulling out samples from this conceptual relation, tries to make a concrete conclusion. **Outcomes:** In discussing about cultural justice, some aspects should be noted that there are a possibility of establishing justice in them. In other words, some cultural differences are products of differences in talents, manners and motivations, etc. And lack of visibility of conditions cannot be attributed to the lack of justice. In this paper, the analytical results of this issue will be studied.

Keywords: Cultural Justice, Cultural Communities, Islamic Civilization, various talents, centralization



Razavi paradigm regarding coexistence

Zainab Karbalaee, PhD³⁵ Scholar at Fatimat al-Zahra Institute of Higher Education

Robabeh Jafari Student of Islamic Ethics and Education at Fatimat al-Zahra Institute of Higher Education

Monireh Etesami Student of Islamic Ethics and Education at Fatimat al-Zahra Institute of Higher Education

Asefeh Kargari Student of Islamic Ethics and Education at Fatimat al-Zahra Institute of Higher Education

Mankind were but a single community then they differed. (Yunus/19) This is a picture of human community and behind this there is a compulsory life. Although people were created in equal appearance and all of them have flesh and skin as well as blood, apart from these, there is difference in their beliefs, and consequently in their lifestyle. How should we tolerate such differences with less quarrel? Can we find a paradigm for coexistence in Imam Reza's lifestyle? What are the main criteria in Razavi paradigm? This attitude is observed in Imam Reza's life especially when he lived in Marv beside people who had various religions and sects. Imam Reza's words and acts as well as his moments of silence give us a paradigm for coexistence. Mamon as the Caliph was a sever hostile to Imam (a.s.) whereas Imam had adopted a peaceful attitude in his coexistence with him. There are some principles in Imam's life which can function as a model of coexistence for the adherents of different religions. These principles include: avoiding war, dialogue on the basis of debate and no conflict (debate with its conditions), being careful about economic justice and wisdom, knowledge, and forgiveness.

This essay tries to explain these principles paying attention to Imam Reza's Hadith as well as the Quranic verses.

Keywords: Imam Reza (a.s.), coexistence, Razavi paradigm, inter-faith dialogue

A Critical Study on Justice as a Prima Facie Duty

Roghieh Tamimi, PhD³⁴ Deputy of Research Affairs at Tarbiat Modares University

There are several meanings and definitions of Justice in Dictionaries; accordingly, it is used in different areas. But philosophers have tried to get beyond etymology and dictionary definitions. Although it is said that they consider the justness as both a moral virtue and a desirable quality of political society, it seems most of them apply it more as a political and social concept than an individual moral concept and an ethical principal which should govern man's character and behavior. Plato maintains that justice is a virtue in a sense that each organ performs its appropriate function. For Aristotle, justice consists of what is lawful and fair. According to Philosophers like Hobbes, Hume, Mill, and Rawls, justice is a necessity of civil society, as it has important advantages for the society. They focus more on Distributive justice and Commutative justice. But it seems that this approach to justice is inadequate, because according to this view, the position of justice in morality in general, and in individual ethics in particular, has been ignored. Therefore, in this paper, I want to explain Ross's view on justice, as this theory discusses justice as a human's moral character; a *prima facie* duty and an intrinsically good thing. Ross's theory of justice can provide the theories of Distributive justice and Commutative justice a firm base and a fundamental. It could thus answer the main questions proposed in this realm. In this case, justice may be regarded as the most fundamental of all virtues for organizing interpersonal relations and establishing and maintaining a stable political society.

Key words: Justice, W. D. Ross, Prima Facie Duty, Intrinsically Good, Distributive Justice and Commutative Justice



**From Local Identity Toward Global Identity:
Ethical References of Inter-religious Dialogue**

Ioan Dura, PhD³³ Associate Professor at *Ovidius University*

In the 21st century, in the daily vocabulary at institutional, cultural, sociological and theological level, some key terms entered in use: globalization, multiculturalism, pluralism, interculturalism, etc. All these terms intend, by their signification in the present given context, to center the focus of today's man on a new reality, which is obvious in its social, cultural and religious dimension, more specifically a new 'global' way of placing the man in relation with the other people. There have been many discussions about interculturalism and multiculturalism as a manifesto aspect of the present and now there is a more acute conscience of the need of value change, the latter one being a form of interrelation which keeps (basically) the specific identity in opening towards different spiritual/cultural horizons. This research proposes to offer strategies of promoting the cultural-religious values, but in a way and manner according to the current global context: the dialogue. In this dialogue, we find our different religious identities in the dynamic of social life and we are call to articulate a new ethical way to find ourselves in this horizon.

Keywords: Inter-religious dialogue, local identity, global identity, interculturalism, multiculturalism

Lifestyle from Imam al-Ridha's perspective

Masoomeh Fathi,³² Deputy of Educational and Cultural Affairs at Pardis Nasibe of Farhangian University

Nowadays lifestyle is among the important issues of the society. One's lifestyle has recently come to have a great meaning, especially in the developed countries. The term lifestyle can denote the interests, opinions, behaviors, and behavioral orientations of an individual, group, or culture. It typically reflects an individual's attitudes, way of life, values, or world view. Based on religious teachings, lifestyle has a great impact on the formation of the desirable identity of sections of the society. Islam, as a revealed religion, not only is associated with the mental aspect of human existence, but also impacts every activity in life, from eating and sleeping to working and playing. It can, therefore, be considered as a way of life or lifestyle. As a result, Muslims seeking to live in accordance with Islamic teachings may have a relatively good lifestyle. Islam, associated with the relief from mental stress, can also provide Muslims with a guideline to live a happier life. Sayings and conducts of infallible Shia Imams form one of the crucial Islamic sources that can have an important role in Islamic lifestyle. One of these leading Imams is Imam al-Ridha, who has occupied an important position in Muslim culture and history. This paper studies his perspective on lifestyle. In doing so, it will refer to his sayings and conducts. According to Imam al-Ridha's instructions, a desirable lifestyle necessitates the followers of Islam to take Ahl ul-Bayt(a.s.) as their models, to consider the religious needs of each other and have a simple life, to tolerate each other and do good to the family, to respect their parents and know each other's rights and observe them

Keywords: Infallible Imams, Imam al-Ridha, Islam, lifestyle

**The Principle of Autonomy as Related to End of life Decision From
Islamic Perspective****Tuba Erkoç Baydar**³¹ PhD Student of Islamic Law at Marmara University

Because of religious, moral, political, social, economic and legal values attributed to death, the issues related to end of life should be discussed with an interdisciplinary and international perspective. Considering that legislative regulations pertaining to these issues will affect, and in turn be affected by, the society, rather than individuals, it seems necessary to study these issues within the ontological, epistemological and theological frameworks. Recent rapid advances in the medical world have led to prolongation of the dying process and brought the issues of euthanasia, physician-assisted suicide or assisted dying and autonomy to the attention of world and thereby Muslim countries. Since death is one of the leading phenomena which provide a powerful religious cognition, it is not surprising that Islam and Muslims have a meticulous approach to issues related to death. Starting from this point of view, the main topic of this paper is to investigate Islam's response to issues related to any interference with the end of life by a special focus on the case of euthanasia.

Keywords: Death, principle of autonomy, euthanasia, legislative regulations

31 tubaerkoc@gmail.com

**The role of equality and human rights in the convergence of
Islamic and Western concepts of justice**

Maciej Tro¹ PhD candidate in the Faculty of Law at the University of Warsaw
Warsaw

This paper examines the relationship between Islamic and Western concepts of justice. The author underlines that the main obstacle in the convergence of justice between those two legal systems lies in the different roles assigned to both equality and human rights. As Lawrence Rosen correctly observes, the emphasis on justice in Islam is not on equality but on equivalence. It means that various social groups are to be treated in accordance with their nature rather than identically. This approach seems to be opposite to what is generally accepted in the Western theories of justice in which equality is usually a cornerstone of justice. Especially John Rawls shows that no rational human being would be willing to accept inequality from an impartial position. The author claims that this is directly incompatible with equivalent treatment of different social groups in Islam. The author further explores the role of human rights in both Islamic and Western concepts of justice. The differences in this respect are best illustrated by the fact that the Universal Declaration of Human Rights widely accepted in western society is not acceptable to the countries governed by Sharia law. The biggest disparities arise from the different hierarchy between religion and human rights. The author concludes that the differences can be resolved to some extent by leaving the matters of equality and human rights incompatible with major religions outside of the scope of international regulations.

Keywords: human rights, equality, justice, Sharia law



Unseen Blessings of Ahl Al-Bayt

Beau Scurich²⁹ Associate Chaplain & Muslim Advisor at Middlebury College

The blessing of ahl al-bayt is felt in every time and in every place. Their blessing fills this worldly life because of their steadfast commitment to prophetic justice and ethics. Their commitment to these principles was such that they were willing to give up their lives for their convictions. The blessing of these pure ones manifests both in the seen and the unseen. This manuscript examines the blessing of ahl al-bayt in the unseen. First, I will examine the nature of blessing in the Islamic tradition, then proceed to connect the understanding of blessing to the people of the house, and finally expound upon how blessing perpetually manifests through them in every time and place.

Keywords: Ahl Al-Bayt, blessing, Islamic tradition, prophetic justice

²⁹ bscurich@middlebury.edu

The Role of Legal Ethics in Providing and Promoting Judicial Justice (Along With Study of Ahl Al-Bayt (AS) Jurisprudence)

Dr. Mohammad Mahdi Meghdadi, PhD²⁷ Associate Professor at Mofid University, Head of Private Law Department
Boshra Sadat Emami²⁸ Ph.D Student of Private Law at Mofid University

Providing judicial justice and fair trial is one of the most important missions and priorities of any political system. Undoubtedly, legal practitioners, including judges, lawyers and consultants are the basic elements and most influential people in this regard; Those who are in charge of resolving disputes, proper enforcement of laws, protection of individual and social rights and securing judicial justice. Hence, judges and lawyers are the agents of justice and more than anything they should be committed to ethics and moral values of their profession, so that they can fulfill their great responsibilities efficiently. Therefore, addressing legal and professional ethics and institutionalizing them in legal practitioners is essential.

Legal Ethics have been paid attention to in the past century by bar associations and law faculties all over the world, specifically in the United States various regulations have been adopted such as “Model Rules of Professional Conduct” or “Model Code of Judicial Conduct”. However it took a long time to assemble and modify these codes and their scope and enforcement vary in different states.

In Islam however, based on the teachings of Shia jurisprudence and the valuable legacy of Ahl Al-Bayt (AS), judicial authorities and officials are bound to follow specific moral principles –which could be referred to as “Professional Ethics” – including: Care for dignity, honesty, commitment to justice, respecting privacy and confidentiality, and guiding the ignorant. Interestingly, in spite of the developments and progress made in western legal systems so far, nothing like these valuable moral principles –with such comprehensiveness and elegance- has yet been mentioned in any document. So it is necessary to codify, and also plan to promote and institutionalize these principles. In any case, one of the main defects of the judicial system in Iran is caused by the lack of proper attention to practical ethics in judgment and trial; Therefore this paper tries to elaborate the necessity of such development and respect for legal ethics, and portray the examples and benefits of practical legal ethics in ensuring social justice, based on Ahl Al-Bayt (AS) jurisprudence.

Keywords: Legal Ethics, Respecting Dignity, Judicial Justice, Fair Trial, Teachings of Ahl Al-Bayt (AS).

²⁷ meghdadi@mofidu.ac.ir
²⁸ boemam@yahoo.com

Justice as the Base of Human Being's Social and Moral Life in Islamic Thought

Qodratullah Qorbani, Ph.D²⁶ Associate Professor of Philosophy at Kharazmi University

Islam as the last Prophetic religion has introduced the Quran as the infallible and revealed book that one of its main virtues is defining justice and justly social and moral laws. Some virtues of the Quran's teachings concerning justice is their universality, Stability and comprehensiveness, that is, they are applicable for all humans in all spaces and times. The Quran, first, emphasizes that the goal of sending the divine Prophets is to establish justice among people. This shows that human's restricted intellects are not able to completely establish justice without helping revealed origination. The Quran, also, indicates that the whole system of being is a just system, and that human seeks justice innately and morally, and hates from oppression. Hence, the Quran introduces many cases of justly dealings in political, cultural, economic, social, religious, individual and collective affairs. Some of the Quranic teachings concerning justice are justly observing in worshipping, seeing, speaking, and behavior with disbelievers, family, distribution of economic wealth, judging and governing. The Quran considers all kinds of justice as the universal and dominant divine tradition over human's social and moral life that taking care of them is led to mundane and spiritual happiness and peace. This paper, by indicating that justice is of metaphysical, social and moral principles of Islam, tries to show its many aspects in the Quran, in particular in human's social and moral life.

Keywords: Justice, Islam, the Quran, happiness, comprehensiveness, morality.

**Political Theology of Islamicate Sovereignty: The Legal Form,
Concept, and Signatures of a Just Polity**

Naveen Kanalu Ramamurthy²⁵ Phd student of South Asian History at the University of California

The Political philosopher, Leo Strauss distinguishes the the “sacra doctrina” of the Islamic way of life from the Christian idea of faith on the basis of *fiqh* or the science of law as the essence of life immanent to the created world. In understanding Islamic ethical practices and their political meaning for living in a just polity, how do we explain the profound role played by legal reasoning as the central mechanism for being-together of humans? How does *shari'a* regulate activities immanent to the created world such as politics, economics, and governance? What values of justice originate from such a reasoning from the perspective of political? How does the centrality of *fiqh*, the jurisprudential nature of Islamic belief translate into a world of political vision for the possibility of a just future? In my proposed paper, I argue that we can read premodern texts from Persianate Mughal India such as *Akhl q* or “political ethics” as a discourse, which produces ideas of justice to complement the ideal of the implementation of *shari'a* to develop a vision of *mad nah* or “polity” that is harmonious, just, and good. Re- reading works such as *Akhl q-i muhsin* and *Akhl q-i ' lam r* from the Mughal seventeenth century, I wish to ask what notions of sovereignty are generated in the idea that the sovereign must be devoted to *tadb r* or “governance” of economic and political life. In my paper, I wish to argue for the sustained meaning of these political-ethical gestures in understanding the relation between law as the framework of civic organization, and the acceptance of the *s hib-i n m s* or divine “law-giver” as the transcendental condition for the existence of a just society, gives way to a conception of sovereignty under the guidance of *shari'a*. How can these premodern ideas help us understand the importance of law in general as a substitute to authority, power, and domination as the markers of sovereignty?

Keywords: Political ethics, legal reasoning, just polity, sharia, fiqh, Mughal period

²⁵ naveenkanal@gmail.com

The Notion of walayah from Imam al-Ridha's Perspective

Ghorban Elmi, PhD²⁴ Associate Professor of Comparative Religion and Mysticism at University of Tehran

In the search for an understanding of Shiite identity in the earliest period of Shiite history, few concepts are more important than that of walayah - a term which may designate, at one and the same time, the nature of the authority of the Shiite imam, the principle underlying the relationship of the disciple to the Imam and the common bond between all persons who considered themselves to be members of the shi'a of Imam Ali(a.s.). The present paper attempts to reconstruct the view Shiites had of themselves- both as individual believers and as a believing community-from the origins of the Shiite movement. This study is concerned to analyze the ways in which the boundaries of the Shiite community were determined and the nature of Shiite identity was conceived. Its main source can be the canonical Imamite hadith literature, and in particular. One of the crucial Islamic sources that can have an important role in this study is sayings of infallible Imams. One of these leading Imams is Imam al-Ridha, who has occupied an important position in Muslim culture and history. This paper studies the concept of walayah from his perspective. In doing so, it will refer to his sayings. The findings of this research show that the meaning of walayah derives from the root w-l-y. There is a particular connection between walayah and the figure of Ali b. Abi Talib in the event of Ghadir Khumm. The usage of walayah and wilayah show their connection to the issue of authority over the Muslim community.

Keywords: Shi'ism, walayah, infallible Imams, Imam al-Ridha, Islam

**Conditions for a Good World: The Concept of Comprehensive
Justice by Abu al-Ḥasan al-Mawardi (972 – 1058)**

Abbas Poya, PhD²³ Head of the research group "Norms, Normativity and Norm Changes I", Department of Islamic Religious Studies, University of Erlangen-Nuremberg

In the internal debates of Islamic Theology, justice was usually understood as a divine concept. Justice was rarely conceived of as a matter of worldly and social significance. A notable exception, however, is the work of the jurist and political philosopher Ab al-Ḥasan al-M ward (972-1058). He does not discuss justice within the standard theological or juridical frameworks, but as a worldly (*dunyaw*) and comprehensive (*sh mil*) matter that is essential for managing the rules of social interaction and the functioning of society. This paper will present al-M ward's concept of comprehensive justice (*al-'adl al sh mil*), as introduced by himself in his ethical work, *Adab al-duny wa al-d n* (*The Ethics of Religion and of this World*). The paper will further answer the question, to what extent his concept of justice was influenced by Mu'tazili thinking.

Keywords: Islamic theology, justice, al-M ward, al-'adl al sh mil, Mu'tazilites

Negotiating the Way from Ethics to Justice in Emmanuel Levinas's Ethical Thought

Mahdi Teimouri, PhD²² Instructor in English Literature at Khayyam University

Emmanuel Levinas's ethical philosophy is unique in its reconfiguration of the question of ethics as a purely asymmetrical interpersonal relationship. Asymmetrical in the sense that it is not an I-Thou relationship of mutual recognition and respect. At the individual level, Levinas's innovative outlook is a breakaway from the prevalent conventional conception of ethical relationship which is premised on reciprocity. However, on a larger scale, Levinas's definition of philosophy as wisdom of love rather than love of wisdom entails the examination of the history of philosophy in a critically revisionary light. For Levinas, ontological concerns have been in the spotlight of philosophy so much so that ethics has been considered as a derivative or tainted by ontology and epistemology. In defiance of such a tendency, Levinas describes ethics as first philosophy which means that ethical actions are characterized by antecedency. Simply speaking, genuine ethical actions should not be affected by calculation, reciprocation or comprehensibility. Before one can think, before one can have cognizance of the other one is confronted by ethics, in other words, ethics precedes every form of systematic thinking. Structurally speaking, systems are products of human thought. We need them because they give order and shape to an otherwise chaotic world. Systems are thus definitive, prescriptive, delineative and at the same time restrictive. Every system precedes the individual productions and utterances of that system. A system of morality contains moral principles and injunctions instructing individuals on how to behave in different situations. Levinas's ethical thought debunks morality in its prescriptive form on the grounds that no moral system can be exhaustive and comprehensive enough to exempt anyone from their ethical responsibility vis-à-vis the other. Ethics is ultimately a personal matter and the transition from ethics (a personal concern) to justice (a social concern) is a complicated process. This paper aims to address this transition in the philosophy of Levinas. I would examine the process through which Levinas negotiates his way from ethics to justice.

Keywords: Levinas, asymmetry, ethics, justice, ontology, morality

The Rule of Law in Islam and across Civilizations – Towards Increased Dialogue of a Contested Concept

David Mednicoff, PhD²¹ Assistant Professor of Public Policy at University of Massachusetts

Considering that the rule of law is among the major global political ideals today, the amount of specific knowledge is surprisingly limited about what it means in detail, and how it can best serve justice, political stability or social growth. Indeed, the concept has been used in recent decades without a lot of definitional clarity, or bringing together a variety of meanings that are not necessarily compatible. Most academic research on the rule of law derives from Western experience, where the emphasis is on the centrality of court cases and judicial review. Yet the role of judges remains rather constrained in many societies, and, even where it's important, depends on a broader range of legal actors to function effectively. Islam is permeated with ideas of justice, and the rule of law is so central to Islamic history and values that *shari'a* could well mean "the rule of law," among other things. Nonetheless, much academic and political discourse around the rule of law tends not to draw on Islamic traditions of justice or legal values, with the result that specific policy discussions around the rule of law, such as in the sphere of human rights, frequently assume that Islamic and other articulations of the rule of law are incompatible. This paper draws on three years of novel primary research on the meanings of the rule, conducted in several Sunni Muslim-majority nations to think in a more nuanced manner about overlaps, and possible points of tension, in the rule of law in Islamic and non-Islamic global contexts. The data I collected, in particular, shows that law students and rule-of-law practitioners think of both justice and Islam as central aspects of the rule of law, and understand their legal values around justness and a fair society in ways that link to international legal norms. Thus, the paper deploys original, empirical data on diverse meanings of the rule of law in several Muslim societies to clarify specific ways that justice and ethics around a just polity overlap with key ideals of contemporary international law. The paper develops broader ideas around how the global rule of law can better blend Islamic and non-Islamic articulations of ideals, and perspectives. My main interest in presenting at this conference is to learn how established ideals of justice and law from Twelver Shi'a tradition link to the unique findings I have from my research on how justice and law is understood by legal practitioners in several important Sunni societies.

Keywords: Rule of law, Islam, justice, just polity, Muslim societies

²¹ dmednic@gmail.com

Utilising Muslim Scholarship in the West: Overcoming Orientalism in the Academy and Academic Imperialism

Leon Moosavi, PhD²⁰ Director of the University of Liverpool in Singapore and a Senior Lecturer in the Department of Sociology, Social Policy and Criminology

The social sciences and humanities as they are taught in Western universities are predominantly comprised of Western scholarship. It has been known for a long time that a Westerncentric bias exists in almost all disciplines which has disadvantaged scholarship produced by Muslim thinkers in particular for centuries. This is concerning because universities are often imagined as places of justice and ethical conduct, but in reality, it may be the case that our institutions are involved in epistemic violence by marginalising non-Western figures from our teaching and research. In this paper, I will argue that even though Western academics imagine ourselves to be enlightened and open-minded, we regularly overlook the scholarship that is produced outside of the West which is unfortunate because there are many lessons to learn from non-Western intellectuals and leaders throughout the ages. In particular, important Muslim figures throughout history have been ignored because of an underlying Islamophobia that has wrongly imagined Muslims from the Middle East, Africa or Asia as having little original or meaningful ideas to offer. As a non-theologian and a non-expert in the *Ahl ul Bayt*, in this paper I will ask whether lessons can be learnt from Islam's holy Prophet and his respected progeny for the social sciences by way of drawing upon concepts or ideas that they introduced that may be helpful for understanding some of the trends and patterns that characterise the contemporary global order. This sort of exploration is rarely undertaken by Western academics which is regrettable given that many millions of people around the world look up to such eminent figures as some of the most inspirational and important figures to have ever explained social processes.

Keywords: Orientalism, academy, academic imperialism, western academia, ethics of knowledge

²⁰ Leon.Moosavi@liverpool.ac.uk

The First Commandment and Christology

Odeh Muhawesh, PhD¹⁹ Adjunct Professor of Theology at University of St. Thomas

The Ten Commandments form the basis of moral law in Judaism, Christianity, and Islam. All three religions agree that the first and greatest commandment is the call to believe in one god and not take any others besides him. The main theme of the Quran is monotheism. All Surahs of the Quran stress the importance of believing in one God and make clear that moral deviation and torment stem from violating this commandment. The command to worship only Allah is what Jesus also refers to in Mathew 22:37-38, for loving the Lord God with all of one's heart, soul, and mind is how Muslims define worship to be. Therefore, Muslims and Christians can rely on this commandment to collaborate on building peaceful and just societies. However, Muslims and Christians differ on whether the Trinity and Christology teachings violate this commandment. While Christians believe the Trinity to adhere to the monotheistic creed, Muslims consider the Trinity a flagrant violation of the Oneness of God. In fact, the verse 4:171 of the Quran directly addresses the Trinity and rejects its teachings. Upon examining Jesus's statements in the Bible, Muslims and Christians can come to an agreement on what Jesus truly taught about the First Commandment and his role as the Messiah. In an encounter with Jesus as narrated by Mathew, Jesus differentiates between himself and God, "Why do you call Me good? No one is good but One, that is, God," (Matthew 19:17). Jesus' objection to being called "Good" contradicts many statements accorded to him in the Bible where he clearly taught of his holiness and noble character. Research into the original words attributed to Jesus by Mathew reveals that the English version of this verse is incorrectly translated. Some scholars translate this directly from Aramaic as: "Benevolent educator". This translation is also problematic since Jesus and many others are benevolent. Therefore, one can conclude that the term meant something which Jesus knew could only be attributed to the Devine. Furthermore, Christians point to certain biblical verses as evidence of high Christology. Examining those verses could support the Muslim view thus forming a basis of a new insight of what the Bible says about Jesus, and could reveal a fresh insight that conforms to the teachings and integrity of the First Commandment. This paper examines the Muslim view of the monotheistic creed and compares it to Jesus' biblical statements. The author concludes that Muslim and Christian theologians can use this debate as the foundation for serious dialogue.

Keywords: Islam, Christianity, commandments, monotheism, trinity, interfaith, dialogue

¹⁹ omuhawesh@stthomas.edu

The Question of Ethics in the Arab Uprising

Emad Shahin, PhD¹⁸ Hasib Sabbagh Distinguished Visiting Chair of Arabic and Islamic Studies

The paper focuses on the question of ethics in the Arab uprisings and its diverse articulations. The Arab uprisings are viewed as political upheavals that aimed to achieved political and or socio/economic objectives. Despite the different trajectories of these uprisings, as some managed to come to power, some failed, and others turned into civil wars, the uprisings embodied clear ethical components. These were manifested in the demands that the pro-change forces raised and in the slogans they raised. The ethical dimension of the popular uprisings is clearly under-examined. The paper while analyzing the philosophical articulations of certain Muslim intellectuals regarding the ethical dimensions of the uprising, it will address several specific questions: why have the pro-change forces raised certain ethical values, was there a clear process of building clear connections between these values and their applications, have these values been instilled in a new social culture, what was the role of regional and international actors in supporting or undermining these values.

Keywords: Ethics, Arab uprisings, ethical values, social culture

Bioethics and the Principle of Good Deed from a Shia Perspective

Shirin Garmaroudi Naef, PhD¹⁷ Associate researcher at the Department of Social Anthropology and Cultural Studies, University of Zurich

The present paper explores the merit of “good deed” (*amr-e kheir*) in the contexts of donation and charity from the perspective of Shia jurisprudence (*fiqh*) and ethics (*akhl q*) and reiterates its importance in the field of bioethical issues and practice, particularly with regard to the use of human bodily materials and reproductive donation. The rapid developments that have occurred in medical sciences and biotechnologies not only have brought great accomplishments in healthcare and treatment; they have also brought forth challenges and different moral contradictions that have stirred controversies in bioethics. One of the main ethical challenges focuses on the commodification of body’s parts and persons. This paper tries to offer a Shia theological perspective to tackle these ethical challenges by drawing on concepts such as *ojrat* (“remuneration”), *nazr* (“offering”) and *savab* (“reward”), and emphasizing the importance of the charitable act itself. From a theoretical point of view, this paper has made an attempt to contribute to the global bioethical discourse by providing some moral principles of the Shia jurisprudence and ethics

Keywords: Bioethics, good deed, Shia jurisprudence, ethics



Beyond Nonviolence to Courageous Courtship

John Fairfield, PhD¹⁶ Research Fellow at Eastern Mennonite University

It is argued that for international conflict, and for many conflict situations within a nation, both coercion and evasion should be abandoned in favor of a new alternative tactic dubbed courageous courtship. By coercion is understood violence or any other form of dominant control or forcing the enemy against their will, including many methods often described as "nonviolent" such as economic sanctions, majority rule, and the rule of law. By evasion is understood appeasement, deception, self-exile, or any attempt to run away, cover up one's needs, or hide from the aggressor. To respond to the obvious objection ("If you can use neither coercion nor evasion, won't your enemy just wipe you out?") the paper discusses the expected relative performances of courageous courtship, coercion and evasion relative to accomplishing a desired goal: a just society. A just society is characterized as being a confrontational communion, implying a deep social commitment whereby no party attempts to evade conflict, and no party attempts to control or coerce others--no one exercises control of the social situation. There is respectful longstanding healthy opposition between parties that see the world differently and come to different moral and ethical conclusions. No party evades conflict, and no party coerces others. The parties' commitment to renounce control provides safety for negotiation. Within a confrontational communion, justice is the practical experience that negotiation with one's opponent produces positive results. The epistemological claim is made that knowledge can only grow through the friction and tension arising from conflicting points of view within a confrontational communion. A confrontational communion is a mutual (multilateral) commitment, but courageous courtship is a toolbox of unilateral moves designed to induce an enemy into confrontational communion. Historical examples of the use of courageous courtship are described, and criteria for deciding when to use courageous courtship, and when to trust to coercion or evasion, are given.

Keywords: courageous courtship, dominant control, violence, confrontational communion

The Mazalim Court as a Forum for Justice

Jonathan Brown, PhD¹⁵ Associate Professor and Prince Alwaleed bin Talal
Chair of Islamic Civilization at Georgetown University

Though it seems to have been adopted from pre-islamic Persian tradition, the mazalim court became a regular feature in states in Islamic civilization from the early Abbasid period onward. This paper will explore how the mazalim court was used to resolve some of the problems and tensions around law and justice within the Shariah tradition.

Keywords: Mazalim court, Islamic civilization, Shariah tradition, justice



Contemporary Muslim Male Reformist Ijtihad and Gender Equality Affirmative Interpretations of Islam

Adis Duderija, PhD¹⁴ Lecturer in Islam and Society, in the School of Humanities, Languages and Social Science at Griffith University

A number of recently published studies by reformist minded Muslim *male* scholars have both questioned the normative nature of and emphasized the need to rethink some of the fundamental assumptions and interpretational models governing traditional Islamic legal theories and ethics. As part of this process they have strongly expressed the need to develop novel Islamic hermeneutics. One major element in this emergence of novel Islamic hermeneutics is the production of an increased number of what I term "gender equality affirmative scholarship on Islam" by these reformist-minded Muslim male scholars. This article examines the arguments employed by three prominent contemporary Muslim male reformist scholars, both Sh' and Sunn , in developing gender equality affirmative interpretations of Islam. They include Nasr Abu Zayd, Mohsen Kadivar, and Khaled Abou El Fadl.

Keywords: Reformist ijtihad, Islamic hermeneutics, gender equality, Nasr Abu Zayd, Mohsen Kadivar, Khaled Abou El Fadl

Notions of Authority in early Islamic Texts

Bashir Saade, PhD¹³ Lecturer in Religion & Politics, Department of Literature and Languages, University of Stirling

In his “Views of the People of the Virtuous City” Al-Farabi develops a theory of Imamate rule and the possibility of ideal community. Through a discussion of notion of authority and virtue, al-Farabi develops a theory of Imamate that shows a continuity between Platonic thought, the rule of the philosopher king and Muslim traditions. But more importantly al-Farabi’s thought has been a foundation of political philosophy in the Islamic tradition, especially Shi’i, as it theories the relation between politics and religion while being in continuity with the Greek scholastic tradition. Yet this stands in contrast with later Western rediscovery of Greek philosophy that involves a re-reading of these texts to suit timely concerns, crucial to this for example is the separation between the political and the religious and the equating of reason with some “secular” sensitivity. This paper will analyze these notions through a new reading of al-Farabi’s text as well as a few other of his contemporary writers and in light of modern political theory.

Keywords: Al-Farabi, Imamate rule, political philosophy, modern political theory

**Imam Reza and Islamic Unity: the Intra-faith Language of the
New Shrine Custodian**

Mahdi Hasanzadeh, PhD¹¹ Associate Professor of Comparative Religion and
Mysticism at Ferdowsi University of Mashhad

Rasool Akbari¹² PhD Student of Comparative Religion and Mysticism at
Ferdowsi University of Mashhad

Religious language aims not only to portray the world (in a model of fashion) but most particularly to create and recreate the world (in a model for manner). It has been suggested that this task is carried out when religious language provides the ultimate explanation and the ultimate authority for the state of the world and employs the effective power of its words to not merely inform but also transform, to establish and perpetuate moods and motivations in human beings which can effectively influence their 'thought, action, and organization'. Informed by a number of anthropological viewpoints on the interplay between religion and language, the present study looks into the intra-faith discourse of Islamic Unity as represented in the religious language of the new custodian for Imam Reza Shrine. The paper examines selected lectures delivered by the custodian in the thematic domains of Islamic Unity and Intra-faith Relations. Then, the religious terminology, symbolism, and references adopted are investigated, especially on the basis of narrations quoted from Imam Reza and the interpretations given for his inter- and intra-faith relations. The study also aims to discover how the application of religious language by the custodian can be a reproduction of notions in Shi'ite political thought and the ideology of the Islamic Revolution, as two major culturally and situationally relevant conditions. Moreover, the significance of intended illocutionary and prelocutionary effects are assessed in the body of the lectures under study. Finally, it is suggested that the custodian considers the Imam as a model for the creation of a unified community (ummah) in the face of a prevailing disintegrated and dispersed state in the Islamic World. In conclusion, drawing upon the existing literature, it can be discussed that the intra-faith language of the new shrine custodian tends to provide a model or paradigm for contemporary Muslim dynamism and seeks 'to influence and control' not only the other members of the faith, but also the 'cultural system' itself – especially through the reproduction of meaning.

Keywords: Imam Reza, Islamic Unity, religious language, Shi'ite Islam, cultural system

¹¹ hasanzadeh@um.ac.ir
¹² akbari.iru@gmail.com

**Muslims and Catholics:
Sharing Stories, Building Bridges**

Mary Tamara Sonn, PhD¹⁰ Hamad Bin Khalifa Al-Thani Professor in the History of Islam at Georgetown University

It is no secret that there is a great deal of anti-Muslim prejudice in the U.S. It has been raising since 9/11 and spiked during the 2016 presidential campaign. The result of that election do not bode well for its cessation in the near future. But fear of the religious "other" is nothing new in America. The above quotation is not about Muslims. It was written about Catholic in America -in the 19th century: the "unwashed" Irish, Poles, Germans, Lithuanians, Slovenians and Italians. The anti-religion, thought, speech and assembly, all of which had been condemned by the Vatican. They believed, therefore, that Catholics were a danger to America. But the Catholic church has come a long way since the 19th century. Since the 1960s it has officially supported democracy and civil right, including religious freedom. The church has also officially supported inter-religious dialogue. In the contemporary era, the Vatican has led the world in fostering inter-faith understanding and solidarity. That is the topic of my presentation. I will first, describe the development of the Catholic position on interfaith relations, and then focus specifically on Catholic-Muslim relation. I will conclude with a discussion of American Catholics, sensitivity to the scourge of Islamophobia, describing the work of The Bridge Initiative at Georgetown University, an innovative project designed to monitor and counter anti-Islamic propaganda on the Internet.

Keywords: Muslims, Catholics, Islamophobia, Catholic-Muslim relation

Justice and Ethics as Totipotent Emergent Properties: A Critical Rationalist Perspective

Ali Paya, PhD⁹ Senior Visiting Research Fellow at *University of Westminster*

Muslim scholars, since the 9th H/15th CE century, have produced a variety of theoretical systems to deal with complex conceptions of ethics and justice. These systems, which can be categorised under diverse titles such as 'scriptural', 'theological', 'religious', and 'philosophical' (in the case of ethical theories), and 'political', 'legal', 'ethical', 'social', 'theological', and 'philosophical' (in the case of models of justice), all emphasise their compatibility with Islamic teachings. Each of the above theories claim that their approach receives support from the letter and/or the spirit of the Quran and the tradition of the Prophet Mohammad and the Shi'i Imams (in the case of the Shi'i Islam). One of the objectives of the present paper is to show that the above theories/systems suffer from serious methodological/epistemological shortcomings. For example, they all subscribe to 'justificationist' epistemological approaches and all maintain that their principal tenets are derived, or at least are derivable, from the Quran and the Sunnah. As a result of these shortcomings, I shall argue, the conception of justice and the (second-order) understanding of ethics, as promoted by the above theories, are defective. I use my critical assessment of the theories of ethics and justice developed by Muslim scholars as a prop to discuss the main objective of the paper, namely, to introduce a critical rationalist perspective which regards justice and ethics as totipotent emergent properties. According to this perspective, principles of justice and morality are part of what realist philosophers regard as 'reality'; Human beings' interaction with reality, in the context of their collective activities in the social arena, paves the way for the 'emergence' of various aspects of the principles of justice and morality: people learn more about these principles and their rich potentials and capacities as they accumulate more societal and communal experiences. The upshot of the arguments of the paper is that the proposed perspective captures more effectively, in comparison to the existing theories of justice and ethics introduced by Muslim scholars, the universal aspirations of the ideals of justice and morality in modern times.

Keywords: Justice, ethics, critical rationalism, totipotent properties, justificationism

Peace and Justice in Islam

Liyakat Takim, PhD⁸ Professor and Chair in Global Islam at McMaster University

This paper will examine some of the salient principles that undergird the establishment of a just social order. It will initially discuss how reason rather than revelation determines the necessity of a just social order. Based on Qur'anic principles and the Prophet's and Imams' examples of social justice and human rights, the paper will elucidate how to personify these traits in our contemporary socio-political milieu. The paper will also discuss the ethical foundations of Islamic juridical tradition and demonstrate how Muslim jurists have invoked the moral ethos of the Qur'an. In the course of their discussion, they have highlighted the moral values that must undergird contemporary Islamic jurisprudence. My study will also examine the ethical and moral principles of the Qur'an that help create a just social order and cite examples from the Prophet and Imams on their concretization of the twin principles of adl and ihsan. It will argue that the basis of such an ethical structure has to be the equal and inalienable rights of all human beings and that God's laws cannot contravene the basic ethical precepts that He has ingrained in the conscience of all human beings.

Keywords: Justice, Qur'an, Prophet, Imams, ethics



**A justice-orientated ‘liberal inclusivism’; Mirza Qummi on the
soteriological implications of false belief in matters of
fundamental doctrine**

Ali-Reza Bhojani, PhD⁷ Post-doctoral Fellow, Al-Mahdi Institute

The vast majority of scholars of Islamic legal theory, from across the diversity of denominational schools and affiliations, have held that the correct understanding (*muṣṣab*) in matters of fundamental doctrinal beliefs (*uṣūl al-dīn*) can be only one. Views of legal theorists regarding the status of those not attaining such correct understanding, be they Muslim or non-Muslim, are important elements in Islamic soteriology regarding ‘the other’ as well as holding implications for intra and inter faith dynamics within this life. This paper will examine the views of 18th century Shāfi‘ī scholar Mirza Abu al-Qasim Qummi and his apparent efforts to endorse, justify and even extend the opinion attributed to the 3rd century Amr ibn Bahr al-Jahiz. Although Mirza Qummi does not deny that ‘the correct’ position in matters of fundamental doctrine is only one, he does argue against considering one who is incorrect as sinful (*thim*), subject to divine retribution (*mu‘adhdhab*) and an unbeliever (*kafir*) if their false doctrinal understanding is not out of of obstinacy in the face of disclosed truth nor resulting from any willful negligence in efforts to understand the truth. Mirza Qummi’s position, which engages with the typical arguments cited in the debate, can be seen as an implication of some of his own landmark epistemic and theological presuppositions. The case of Mirza Qummi will demonstrate that Islamic soteriological inclusivism can move beyond what Khalil describes as ‘limited’ to ‘liberal’ not only through reference to Muslim visions of God’s Mercy but also in light of His Justice.

Keywords: Liberal inclusivism, Mirza Qummi, Amr ibn Bahr al-Jahiz, Islamic soteriology

⁷ alireza@almahdi.edu

**Hermeneutic Elements in the Methodology of Shi'i Ijtihad:
the Spirit of the Book, the Taste and purpose of Shari'a**

Jafar Morvarid, PhD⁶ Assistant Professor of Philosophy and Islamic Theology,
Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad

In this paper, three concepts including soul, the taste of religion and the purposes of religion would be discussed. Based on the words of jurists and Usulists (Shi'i Rational Methodology of jurisprudence), I show that although these three concepts are fundamental in understanding the religious texts, they do not follow common methods (literal and logical inference). Thus, it seems probable that making use of hermeneutic methods (and hermeneutical turn) can help understand the three above concepts. This is only a brief draft and it does not claim a solid proposition. The meaning of hermeneutics, which is mentioned here is not the conventional meaning of hermeneutics (like those of Schleiermacher/Heidegger /Gadamer). Rather, it is an illumination of this framework, the core of which is the idea of the hermeneutical turn. As a result, my aim here is a dialogue between the disciplines of understanding a religious text among Usuli scholars, and the legacy of hermeneutic approaches. This does not mean the approaches of Usulis is a kind of hermeneutic approach in its strictest sense. Based on the discussions of the Usulis on soul, taste and the purpose of religion, I would try to show the possibilities for such a dialogue.

Keywords: Hermeneutics, religious text, Shi'i ijtihad, jurisprudence, justice, hermeneutical turn



Dignity, sacredness and justice Global perspectives

Jochen Schmidt⁵ Professor of Systematic Theology at Paderborn University

In our plural world, human dignity is often seen as a yardstick for global ethics, and prominent scholars like John Rawls have framed their understanding of justice in a concept of human dignity. Secular liberalism has insisted that dignity is to be conceived of as a purely secular concept. Theological voices have pointed to religious roots and/or dimensions of modern notions of dignity. The term sacred appears to occupy a space in between, since notions of the sacred have proven to continue to resonate even in those spheres of culture that can rightly be described as secularised. The paper will argue that the concept of sacred can build bridges between secular and religious conceptions of the ultimate foundation of ethics.

Keywords: human dignity, global ethics, sacredness, justice

⁵ jochen.schmidt@upb.de

Islamic Human Rights Skepticism

Hajj Muhammad Legenhausen, PhD⁴ Professor of Philosophy at University of Qom

Muslims have proven themselves to be sensitive to the charge that Islam is incompatible with human rights. Issues pertaining to the content and foundations of human rights have been the focus of attention of a number of Iranian scholars who have sought to elaborate a concept of human rights in the light of the teachings of the Ahl al-Bayt (ʿa). Despite the valuable work that has been done in this area, writers on human rights in Islam have largely ignored the various forms of human rights skepticism that have accompanied the development of the concept of human rights internationally. Here I outline the main forms that human rights skepticism has taken in the West. By reviewing the various kinds of skepticism about human rights, it is possible to develop concepts of human rights that differ in important ways from those that dominate the current discussions of human rights in Iran. I tentatively conclude that although various forms of human rights skepticism are consistent with Islamic teachings, and the teachings of the Ahl al-Bayt in particular, this does not imply that Muslims, in general, or the Shiʿah, in particular, should be opposed to human rights.

Keywords: Human rights, Islam, Ahl al-Bayt, human rights skepticism

⁴ legenhausen@yahoo.com



Faith and the Unseen Between the Imams' Hadith and the Bible

Andrew J Newman, PhD³ Professor of Islamic Studies and Persian at the University of Edinburgh

This paper will first reprise our views of the question of the authenticity of the hadith, as discussed in our *The Formative Period of Shi'i Law: Hadith as Discourse Between Qum and Baghdad* (Richmond, 2000). The paper will then move to discuss the question of faith in the unseen in the Biblical tradition, taking as the starting point the letter to the Hebrews. The context of this letter will be first be discussed. Then we will focus on chapter 11, wherein the author first defines faith as 'confidence in what we hope for and assurance about what we do not see (New International Version)' and then notes that such faith can be seen at work among key, named Old Testament figures – ranging from Abel through Enoch, Noah, Abraham, Isaac, Jacob, Sarah, Joseph and Moses - and that they were commended for such faith although 'none of them received what had been promised'. The second part of the paper will then turn to the Imams' hadith especially as these are found in the collections thereof assembled by Muhammad b. Ali al-Qummi (d. 380/991-2), known as al-Shaykh al-Saduq, Ibn Babuya or Ibn Babawayh. The context in which Ibn Babawayh put together his collections, the onset of *al-Ghayba*, will first be addressed and compared to that in which the author of the letter to the Hebrews found himself centuries earlier. In this regard, particular attention will be given to his *Kamal al-Din wa Tamam al-Nima fi Ithbat al-Ghayba wa Kashf al-Hayra*. As discussed in our *Twelver Shiism: Unity and Diversity in the Life of Islam, 632 to 1722* (Edinburgh, 2013), in this work Ibn Babawayh both very well describes that context (*al-Hayra*) and then goes on to cite, among many others, traditions from the Imams which address the latter. Among these are traditions that, also, call believers to faith in something that is not immediately tangible.

Keywords: Faith, Bible, Imams' Hadith, al-Shaykh al-Saduq

Ethics of Dialogue and Coexistence: How Muslim Pluralists and the Bridge Initiative Promote Religious Pluralism and Coexistence?

John L. Esposito, PhD² Professor of Islamic Studies at Georgetown University

Religious tolerance, coexistence, pluralism and civil liberties today remain fragile both in Muslim and Western countries. The exponential increase of Islamophobia in the West, and the rise of far right political parties with anti-immigrant and anti-Muslim agendas in Europe and America is at an all time high. At the same time the plight of religious minorities, who are marginalized or under siege in some Muslim countries, underscore the critical need to restore the ethical and moral codes provided by religion as the foundation for developing universal principles upon which to build a more just society. In recent years, Muslim scholars from Egypt to Indonesia advocated a religious pluralism that is critical for coexistence and cooperation based on mutual understanding and respect. At the same time, The Bridge Initiative: Protecting Pluralism – Ending Islamophobia at Georgetown University’s Center for Muslim-Christian Understanding has brought together Muslim and Christian scholars and researchers who have documented and addressed the impact of Islamophobia in the US and Europe. At the same time, we have interacted with policymakers, religious leaders and the media in promoting new alternative narratives that enhance mutual understanding and respect.

Keywords: Religious pluralism, Muslim pluralists, Islamophobia, religious minorities

only the symbol of human conscience; but he was also the embodiment of divine mercy and justice. This paper will undertake to highlight the method adopted by Imam Reza to preserve the sense of human dignity which functioned as the main criterion for demanding social justice in society.

Keywords: Justice, ethics, Imam Reza, human dignity

Abstrac

JUSTICE AND ETHICS: THE MAJOR CONTRIBUTION OF IMAM REZA

Abdulaziz Sachedina, PhD¹ Professor and IIIT Chair in Islamic Studies at
George Mason University

Humanity, throughout its history has struggled to uphold justice and regulate human conduct through teaching of ethics. Ethics has functioned as a major source of interpersonal relationships in all areas of human activity. More pertinently, ethics has functioned as the major source of divine endowment in human nature and constitution. The Qur'an declares in no uncertain terms that God has inspired humanity with conscious awareness that evaluates all human acts in terms of their being right or wrong. It is not an exaggeration to assert that the Qur'anic worldview is built around human ability to be morally perfected and to perfect the environment with a keen sense of right and wrong to reflect God's deputyship on earth. The mission of the Prophet Muhammad is summed up in a declaration that describes the purpose of his Prophethood as "perfecting the human morals by [teaching them] to adorn their lives with virtues." The Prophet left two sources of eternal guidance for his community: the Book of God, and His Progeny, the Ahlul-Bayt." Contemporary Muslim communities around the globe are endeavoring to rediscover the original mission of the Prophet for the world. The core value that seems to have been misplaced today is "justice" (*'adala*), which is intertwined with the moral philosophy of doing the right and shunning the wrong. "Justice" is not an empty slogan for Islam. It promises the well-being of the entire humanity. Today humanity is in crisis because behind the claim to absolute power by the most powerful there lurks a chain of injustices that generates fresh calls and cries for redressing the wrongs committed by the corrupt powerful. It is not only wealth that is at the service of the powerful to abuse the downtrodden; today it is also the cyberspace that has been invaded by the technically most advanced to further their corrupt interests. Islamic history reveals without a shadow of doubt that the Ahlul-Bayt, the rightful leaders of the community, were not only committed to uphold the truth of justice through the Qur'an and the Surma; they also made great sacrifices to preserve the sense of fair treatment and distributive justice among people, doing away with discrimination and all kinds of racial and creedal dehumanization. Imam Reza, the eighth Imam in the line of the Ahlul-Bayt lived at the time when Islamic teachings about the right leadership were being ignored. The fact was that it was the rightful Imam who remained not

¹ asachedi@gmu.edu



Bilal A. Malik

Jirga System: Forum to Dispense Justice-Traditional Vs Islamic (A Case-Study of FATA-Pakistan)108

Shehzadi Zamurrad Awan

Held Up for All the World to See:Our Costly Need to Put Trauma on Display.....106

Andrew Buckwalter Fairfield

Reflections and Impressions of the Conception of Justice: ‘Ali Ibn Abi Talib’s Letter to Malik Al-Ashtar.....105

Muhammad Yaseen Gada

Islamic Justice from the lens of Mohammad Reza Hakimi.....104

MD Abdul Gaffar

Analysis of Justice through Maq şid Theory.....103

Zahoor Ahmad Wani

Interaction between Muslim and Non-Muslim States Given the Theological Idea of Dar al-Islam and Dar al- Harb.....102

Ali Pezeshki

The Question of Justice and Gender in Islam: Case Study of All India Shia Personal Law Board (AISPLB)101

Tabzeer Yasin Baghdadi

Emad Shahin	
The First Commandment and Christology.....	126
Odeh Muhawesh	
Utilising Muslim Scholarship in the West: Overcoming Orientalism in the Academy and Academic Imperialism.....	125
Leon Moosavi	
The Rule of Law in Islam and across Civilizations – Towards Increased Dialogue of a Contested Concept.....	124
David Mednicoff	
Negotiating the Way from Ethics to Justice in Emmanuel Levinas’s Ethical Thought.....	123
Mahdi Teimouri	
Conditions for a Good World: The Concept of Comprehensive Justice by Abu al-Hasan al-Mawardi (972 – 1058)	122
Abbas Poya	
The Notion of walayah from Imam al-Ridha’s Perspective.....	121
Ghorban Elmi	
Political Theology of Islamicate Sovereignty: The Legal Form, Concept, and Signatures of a Just Polity.....	120
Naveen Kanalu Ramamurthy	
Justice as the Base of Human Being’s Social and Moral Life in Islamic Thought.....	119
Qodratullah Qorbani	
The Role of Legal Ethics in Providing and Promoting Judicial Justice (Along With Study of Ahl Al-Bayt (AS) Jurisprudence)	118
Dr. Mohammad Mahdi Meghdadi, Boshra Sadat Emami	
Unseen Blessings of Ahl Al-Bayt.....	117
Beau Scurich	
The role of equality and human rights in the convergence of Islamic and Western concepts of justice.....	116
Maciej Tro	
The Principle of Autonomy as Related to End of life Decision From Islamic Perspective	115
Tuba Erkoç Baydar	
Lifestyle from Imam al-Ridha’s perspective.....	114
Masoomah Fathi	
From Local Identity Toward Global Identity: Ethical References of Inter-religious Dialogue.....	113
Ioan Dura	
A Critical Study on Justice as a Prima Facie Duty.....	112
Roghieh Tamimi	
Razavi paradigm regarding coexistence.....	111
zainab karbalaee, Robabeh Jafari, Monireh Etesami, Asefeh Kargari	
Cultural Justice and Cultural Communities, with Regard to Islamic Civilization.....	110
Saeed Salari	
Islam and Civilizational Interaction: Understanding the Prophetic Paradigm of Dialogue.....	109

Table of Contents

JUSTICE AND ETHICS: THE MAJOR CONTRIBUTION OF IMAM REZA	144
Abdulaziz Sachedina	
Ethics of Dialogue and Coexistence: How Muslim Pluralists and the Bridge Initiative Promote Religious Pluralism and Coexistence?	142
John L. Esposito	
Faith and the Unseen Between the Imams' Hadith and the Bible	141
Andrew J Newman	
Islamic Human Rights Skepticism	140
Hajj Muhammad Legenhausen	
Dignity, sacredness and justice Global perspectives	139
Jochen Schmidt	
Hermeneutic Elements in the Methodology of Shi'i Ijtihad: the Spirit of the Book, the Taste and purpose of Shari'a	138
Jafar Morvarid	
A justice-orientated 'liberal inclusivism'; Mirza Qummi on the soteriological implications of false belief in matters of fundamental doctrine	137
Ali-Reza Bhojani	
Peace and Justice in Islam	136
Liyakat Takim	
Justice and Ethics as Totipotent Emergent Properties: A Critical Rationalist Perspective	135
Ali Paya	
Muslims and Catholics: Sharing Stories, Building Bridges	134
Mary Tamara Sonn	
Imam Reza and Islamic Unity: the Intra-faith Language of the New Shrine Custodian	133
Mahdi Hasanzadeh, Rasool Akbari	
Notions of Authority in early Islamic Texts	132
Bashir Saade	
Contemporary Muslim Male Reformist Ijtihad and Gender Equality Affirmative Interpretations of Islam	131
Adis Duderija	
The Mazalim Court as a Forum for Justice	130
Jonathan Brown	
Beyond Nonviolence to Courageous Courtship	129
John Fairfield	
Bioethics and the Principle of Good Deed from a Shia Perspective	128
Shirin Garmaroudi Naef	
The Question of Ethics in the Arab Uprising	127

In the Name of Allah